ایران

• سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴
• ۱۴ شعبان ۱۴۴۷
• ۳ فوریه ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۸۹۵۲
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

رقابت و انتظار در کاخ جشنواره

- نشست «نیم‌شب» جنجالی شد
- گفت‌وگو با محمد اسفندیاری کارگردان فیلم اولی «کوچ»

۱۶

الجزیره در دو مقاله جداگانه توضیح می‌دهد که چرا همزمان ژورنالیست‌ها، سیاستمداران و اتاق‌های فکر غربی واقعیت‌های ایران را دستکاری می‌کنند

دو کمپین تحریف ایران

- سامی العریان، مدیر مرکز مطالعات اسلامی و جهانی دانشگاه صباح‌الدین در ترکیه تشریح می‌کند که در پنج دهه گذشته تینک‌تنک‌های غربی با راه‌اندازی دکان «فروپاشی» عامدانه زمینه‌ساز مداخلات نظامی می‌شوند
- کاوه رستمی مقاله‌نویس، آمارسازی اخیر ژورنال‌های غربی در مورد تعداد جانباختگان حوادث تلخ دی‌ماه را «المپیک تلفات» می‌خواند و آن را توهین به کل بشریت از ایران تا غزه قلمداد می‌کند

۲ ۵

در گفت‌وگو با سید جواد میری، جامعه‌شناس راهکارهای عبور از التهابات اخیر بررسی شد

ایران به مثابه ملک مشاع

- هر گروه اجتماعی باید در ساختار جمهوری اسلامی نماینده داشته باشد
- جامعه‌ای که سهمی در قدرت، ثروت، منزلت و هویت نداشته باشد، انگیزه‌ای هم برای مشارکت نخواهد داشت
- سؤال بنیادین امروز این است که چگونه می‌توان مشارکت اجتماعی را در برابر تهدیدات افزایش داد
- جامعه نیازمند شوک بزرگ اصلاحی است

عکس: رضا معطریان / ایران

۱۲ ۱۳

رئیس قوه قضائیه در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های امام (ره):

باید تمام همت خود را معطوف حل مشکلات مردم کنیم

ما به قدرت الهی و حمایت مردمی متکی هستیم و باکی از دشمن نداریم

۳

گروه سیاسی «ایران» نتایج و بازتاب‌های انتشار اسامی جانباختگان را با اساتید و فعالان رسانه‌ای به بحث گذاشت

تقویت مرجعیت داخلی خبر

با یادداشت‌هایی از بهروز بهزادی، مجید رضاییان، محمد مهاجری، محمد زعیم‌زاده و محسن مهدیان

۳

در گفت‌وگوی سخنگوی دولت با فعالان اقتصادی بررسی شد

سیاست ارزی زیر ذره‌بین بخش خصوصی

۸

گفت‌وگو با رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور

وارد فاز سالمندی شده‌ایم

۶

بررسی غیبت فوتبالیست‌های ایرانی در تیم منتخب ۲۰۲۵ آسیا

خبری از پیشرفت نیست

مهدی پاشازاده، علی موسوی، عبدالله ویسی، داوود مهابادی و اردلان آشتیانی بر ضرورت اصلاح ساختار فوتبال کشور تأکید دارند

۱۵

جمهوری اسلامی ایران
وزارت صنعت معدن و تجارت

طرح‌ها و پروژه‌های قابل افتتاح وزارت صنعت، معدن و تجارت در

ایام‌الله دهه مبارک فجر (۱۴۰۴)

تعداد طرح قابل افتتاح
۱۲۴۸

ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها (میلیارد تومان)
۴۵۷۹۳۸

تعداد اشتغال ایجاد شده (نفر)
۶۰۵۲۶

ستاد گرامیداشت دهه مبارک فجر

تهران
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۵۳
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۱۶۶۹۷
تعداد اشتغال ایجاد شده ۲۸۰۱

اردبیل
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۱۸
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۱۶۲۳
تعداد اشتغال ایجاد شده ۳۷۸

آذربایجان غربی
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۳۳
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۲۲۰۶۴
تعداد اشتغال ایجاد شده ۳۵۹۵

آذربایجان شرقی
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۴۰۰
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۲۵۰۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۱۰۰۰۰

بوشهر
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۱۶
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۲۲۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۳۲۰

ایلام
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۷
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۱۱۰۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۴۵۰

اصفهان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۳۱
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۷۲۲۷
تعداد اشتغال ایجاد شده ۲۲۴۰

البرز
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۱۱۰
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۳۳۰۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۵۸۷۲

خراسان شمالی
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۳۲
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۱۳۳۳
تعداد اشتغال ایجاد شده ۸۱۳

خراسان رضوی
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۶۰
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۶۸۳۷
تعداد اشتغال ایجاد شده ۲۳۷۷

خراسان جنوبی
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۵
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۴۶۰۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۶۰۰

چهارمحال و بختیاری
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۲
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۹۷۲
تعداد اشتغال ایجاد شده ۱۷۰

فارس
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۳۶
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۳۱۰۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۲۳۵۰

سیستان بلوچستان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۲۲
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۶۶۶
تعداد اشتغال ایجاد شده ۵۷۸

سمنان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۴۷
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۳۹۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۱۸۰۰

زنجان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۷
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۹۶۷۱
تعداد اشتغال ایجاد شده ۸۷۳

جنوب کرمان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۵
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۱۶۵۸
تعداد اشتغال ایجاد شده ۳۵۱

کرمان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۲۱
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۲۲۶۹
تعداد اشتغال ایجاد شده ۱۱۰۹

کردستان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۸
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۷۳۲
تعداد اشتغال ایجاد شده ۲۳۴

قم
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۱۶
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۹۷۳۹
تعداد اشتغال ایجاد شده ۲۲۵۷

لرستان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۱۸
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۵۳۹
تعداد اشتغال ایجاد شده ۳۳۲

گیلان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۱۶
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۵۵۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۶۳۱

کرمانشاه
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۴۲
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۴۱۹۵
تعداد اشتغال ایجاد شده ۱۲۴۹

خوزستان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۱۰
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۵۰۸۰۲
تعداد اشتغال ایجاد شده ۱۸۴۰

گلستان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۳۱
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۱۰۷۸
تعداد اشتغال ایجاد شده ۵۷۷

کهگیلویه و بویراحمد
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۲۳
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۱۴۲۵
تعداد اشتغال ایجاد شده ۵۹۱

یزد
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۱۸
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۸۸۲۸۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۴۲۷۸

همدان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۵۰
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۲۱۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۲۸۰۰

مازندران
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۲۳
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۲۸۴۶
تعداد اشتغال ایجاد شده ۶۴۳

قزوین
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۳۱
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۱۶۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۴۳۰۳

هرمزگان
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۳۳
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۲۸۰۰۰
تعداد اشتغال ایجاد شده ۲۰۱۴

مرکزی
تعداد طرح قابل افتتاح برگزار شده ۲۴
ارزش ریالی و ارزی طرح‌ها ۳۷۹۸۵
تعداد اشتغال ایجاد شده ۲۱۰۰

گزارش

گزارش الجزیره
از کارزار کشته سازی حوادث دی ماه

آمارسازی برای توجیه مداخله نظامی در ایران

از زمان اعتراضات در ایران، بحث‌هایی در مورد تعداد واقعی کشته‌شدگان این وقایع وجود داشته است. طبق آمار ارائه شده توسط دولت ایران ۳۱۱۷ نفر، از جمله غیرنظامیان و نیروهای امنیتی کشته شده‌اند. با این حال، برآوردهای خارج از کشور این تعداد را بین ۵۰۰۰ تا ۳۶۵۰۰ نفر اعلام کرده است.

این طیف گسترده نه تنها نشان دهنده این واقعیت است که تأیید این گزارش‌ها بسیار دشوار بوده است، بلکه نشان می‌دهد که تلاش هماهنگی برای استفاده از تعداد جانباختگان جهت جلب رضایت جهانی برای حمله به ایران و در لفافی‌های فریبکارانه، کم‌اهمیت جلوه دادن آمار رسمی کشته‌شدگان نسل‌کشی در غزه وجود داشته است.

از زمان شروع اعتراضات، مسابقه‌ای برای تخمین و گزارش تلفات در جریان بوده است. سازمان‌های حقوق بشری متمرکز بر ایران به رهبری فعالان مخالف، انواع شواهد و شهادت‌ها را برای تأیید تعداد کشته‌شدگان بررسی کرده‌اند.

سازمان هرانا مستقر در ایالات متحده، بیش از ۶۰۰۰ مورد مرگ و بیش از ۱۷۰۰۰ مورد دیگر را در دست بررسی ذکر کرده است.

با این حال، تردیدهای موجهی در مورد سرعت فرآیند تأیید هویت وجود دارد. برای هر مرگ گزارش‌شده، باید چندین روایت بررسی شود، موارد تکراری احتمالی شناسایی و حذف شوند و تاریخ‌ها، مکان‌ها و شرایط خاص باید با جدول زمانی وقایع تطبیق داده شوند. علاوه بر این هرگونه شواهد بصری باید بر اساس داده‌های منبع باز بومی‌سازی و تأیید شود یا توسط روایت‌های شاهدان متعدد تأیید شود. از دیدگاه تحقیقاتی، اعتبار و کیفیت شمارش‌های انجام‌شده توسط فعالان که روزانه به سرعت در حال افزایش است، احتیاط را می‌طلبد. با وجود این، رسانه‌های بزرگ شروع به انتشار ارقام بسیار بالاتری کرده‌اند، صرفاً بر اساس منابع مبهم و ناشناسی که ادعا می‌کنند دسترسی ویژه‌ای در دولت یا بخش بهداشت ایران دارند.

در ۲۵ ژانویه، شبکه معاند ایران اینترنشنال مستقر در بریتانیا گزارشی منتشر کرد که در آن ادعا شده بود ۳۶۵۰۰ نفر کشته شده‌اند و به «گزارش‌های گسترده‌ای» که ظاهراً از دستگاه امنیتی ایران به دست آمده بود، استناد کرد؛ گزارش‌هایی که نه منتشر شده و نه به طور شفاف در مورد آنها اطلاع‌رسانی شده است.

در همان روز، مجله خبری آمریکایی تایم مقاله‌ای با عنوان «به گفته مقامات بهداشتی محلی، تعداد کشته‌شدگان اعتراضات ایران می‌تواند از ۳۰۰۰۰ نفر فراتر رود» منتشر کرد. این رسانه آمریکایی بر اساس روایت‌های دو مقام ارشد وزارت بهداشت کشور که هویت آنها به دلایل امنیتی فاش نشده است، ادعا کرد که «ممکن است تنها در ۸ و ۹ ژانویه ۳۰۰۰۰ نفر در خیابان‌های ایران کشته شده باشند». نکته قابل توجه این است که تایم در متن خود اذعان کرده است که هیچ وسیله‌ای برای تأیید مستقل این تعداد ندارد.

دو روز بعد، روزنامه بریتانیایی گاردین همین روند را با مقاله‌ای با عنوان «اجساد ناپدید شده، دفن‌های دسته جمعی و ۳۰ هزار کشته: حقیقت آمار مرگ و میر ایران چیست؟» دنبال کرد. این مقاله رقم ۳۰ هزار را بر اساس تخمین‌های یک پزشک ناشناس که با این روزنامه صحبت کرده بود، معرفی کرد. این رسانه اذعان کرد که او و همکارانش در ایران در واقع از ارائه رقم مشخصی خودداری کردند.

رسانه‌های دیگر - از ساندی تایمز گرفته تا برنامه بدون سانسور پیرس مورگان - به مقالات منتشر شده توسط امیر پرستا، چشم‌پزشک ساکن آلمان استناد کرده‌اند که ادعا می‌کند تعداد کشته‌شدگان بین ۱۶۵۰۰ تا ۳۳۰۰۰ نفر است. با این حال، آخرین نسخه موجود از این مقاله، که به ۲۳ ژانویه برمی‌گردد، از روش‌های برون‌یابی بحث‌برانگیز برای رسیدن به این ارقام استفاده می‌کند. نکته جالب توجه این است که پرستا هیچ پنهان‌کاری در مورد وابستگی خود به رضا پهلوی پسر شاه مخلوع ایران نمی‌کند. او و تیمش که تحقیقات اخیر روزنامه اسرائیلی هاآرتص، دستکاری گسترده رسانه‌های اجتماعی و تلاش‌هایشان برای انتشار اطلاعات نادرست را افشا کرده است، بازیگران اصلی در تحریک و تشدید اعتراضات اخیر به سمت رویارویی بوده‌اند. بر این اساس، آمار تلفات منتشر شده توسط آقای پرستا را نمی‌توان بی‌طرفانه دانست.

رسانه‌های مورد بحث، با وجود اذعان به ناتوانی خود در تأیید این تخمین‌ها، این ارقام اغراق‌آمیز را در عناوین و زیرعنوان‌ها قرار دادند. فعالان و سیاستمداران غربی نیز از آنها برای پیشبرد دستور کارهای خود استفاده کرده‌اند و بدین ترتیب به موجی از کمپین‌های دروغ‌پراکنی در رسانه‌های اجتماعی دامن زده‌اند.

همه اینها دو هدف را دنبال کرده است: اول، از تلاش‌ها برای جلب رضایت برای مداخله نظامی خارجی و اقدامات سیاسی مخرب حمایت کرده است. دوم، گمانه‌زنی‌ها در مورد تعداد کشته‌شدگان ایران به سیاستمداران و مفسران طرفدار اسرائیل در غرب کمک کرده است تا تلفات جنگ اسرائیل علیه غزه را کم‌اهمیت جلوه دهند.

به این ترتیب، این موضوع به ابزاری سودمند برای نسبی جلوه دادن نسل‌کشی مردم فلسطین تبدیل شده است.

فرآیند دشوار تأیید مرگ‌های اخیر برای افشای دستکاری رسانه‌ای که بار دیگر زمینه را برای یک اقدام تجاوزکارانه یکجانبه به رهبری ایالات متحده در خاورمیانه آماده می‌کند، بسیار مهم است. با توجه به این موضوع، «المپیک تلفات» همچنان یک بی‌احترامی ننگین به مردم کره زمین از فلسطین گرفته تا ایران است.

«ایران» نتایج و بازتاب‌های انتشار اسامی جانباختگان را با اساتید و فعالان رسانه‌ای به بحث گذاشت

تقویت مرجعیت داخلی خبر

گزارش

گروه سیاسی / «بر خلاف دشمنان و بدخواهان تاریخی این سرزمین که با جان افراد چونان یک عدد و رقم معامله می‌کنند و با افزودن بر آن سعی بر انتفاع سیاسی خود دارند، از منظر دولت جمهوری اسلامی ایران جانباختگان این حوادث تلخ صرفاً یک عدد نیستند و هر کدام از این قربانیان یک جامعه و دنیایی از پیوندها بوده‌اند. هر ایرانی برای ما به مثابه یک ایران است و رئیس جمهوری بنابر وظیفه اخلاقی و عهد و پیمانی که با ملت بسته است خود را پاسدار حقوق آنان می‌داند.»

این جملات بخشی از اطلاعیه دفتر رئیس جمهوری است که طی آن اسامی جانباختگان حوادث اخیر به صورت رسمی منتشر شد. بنا بر این اطلاعیه، اقدام به انتشار اسامی جانباختگان بر اساس سیاست شفافیت، مسئولیت پذیری و پاسخگویی و به دستور رئیس جمهوری بوده است. البته اقدام یاد شده به انتشار اسامی محدود نمانده و قرار است به‌زودی سامانه‌ای جدید طراحی شود تا بدون پیچیده‌سازی اداری و با رعایت شأن و حریم خصوصی هرگونه اطلاعات و ادعای جدید مورد بررسی و راستی آزمایی قرار گرفته و به همه ابهامات احتمالی پاسخ صحیح و متقن ارائه شود.

این اقدام دفتر رئیس جمهوری از زمان انتشار اسامی بازتاب‌ها و واکنش‌های متفاوتی را به دنبال داشته است. اگر چه برخی چهره‌ها و رسانه‌های داخلی، ان قلت‌هایی درباب چرایی عدم تفکیک جانباختگان داشتند و معتقد بودند که نباید اسامی شهدای حوادث با جانباختگان دیگر در یک لیست می‌آمد، اما بسیاری از رسانه‌ها، فعالان رسانه‌ای و کارشناسان سیاسی از این اقدام استقبال کردند و در اظهار نظرهایی هم بر این مهم انگشت گذاشتند که برای اولین بار دولت چهاردهم این ابتکار عمل را در راستای تقویت شفافیت و توجه به ضرورت اطلاع‌رسانی به خرج داده است.

گروه سیاسی روزنامه ایران هم در ارزیابی این موضوع به سراغ تعدادی از فعالان رسانه‌ای اعم از اساتید رسانه و مدیران مسئول یا سردبیران رسانه‌ها رفته تا اثرات انتشار اسامی را از زاویه تخصصی مدیریت افکار عمومی بررسی کند.

به گواه این اساتید و فعالان رسانه‌ای، این ابتکار عمل گام قابل توجهی بود برای بازگرداندن مرجعیت خبر به داخل و ارائه روایت دقیق و مستند تا فضا برای روایت سازی‌های نادرست خارج از کشور بسته یا محدود شود.

پاسخ به درخواست مردم برای آگاهی از حقیقت

بهروز بهزادی
سردبیر
روزنامه اعتماد

در میانه حوادث و رخدادهای اخیر، جامعه با دو مسأله همزمان و به‌هم‌پیوسته روبه‌رو است؛ مسائلی که نادیده گرفتن هرکدام، مسیر اقناع افکارعمومی را با مشکل مواجه می‌کند. مسأله اول اقناع مردم‌است؛ مردمی که هنوز درباره چرایی وقوع اتفاقات، عوامل مؤثر و سهم هر بازیگر قانع نشده‌اند.

در این فضا، حاکمیت و دولت یک روایت دارند و رسانه‌های خارج از کشور روایتی دیگر. افکارعمومی اما، نه در پی روایت رسمی صرف است و نه نسخه رسانه‌های برون‌مرزی را بی‌چون‌وچرا می‌پذیرد؛ مردم به‌دنبال «حقیقت» هستند، حقیقتی که از دل شفافیت، گفت‌وگو و ارائه اطلاعات دقیق بیرون می‌آید. مسأله دوم، نوع عملکرد دولت است؛ دولتی که برای بازسازی اعتماد، ناگزیر از اصلاح درونی است. بازگشت به تأکید بر مسائل مزمنی همچون فساد و آغاز جدی فرآیند فسادزدایی، نه یک شعار، بلکه یک ضرورت است. افکارعمومی به‌خوبی تشخیص می‌دهد که کدام اقدامات واقعی و کدام صرفاً نمایشی است. بنابراین اصلاح ساختارها و پیگیری شفاف تخلفات گذشته، باید هم در عمل و هم در رسانه‌ها بازتاب پیدا کند و استمرار داشته باشد.

در این میان، اعلام رسمی اسامی جانباختگان به‌ویژه از حیث پاسخ به انتظار مردم برای آگاهی از حقیقت اهمیت ویژه‌ای دارد. این اقدام، اگرچه در ذات خود جزو وظایف حرفه‌ای مطبوعات و رسانه‌هاست، اما ورود دولت به این عرصه را باید به فال نیک گرفت.

در همه دنیا، یکی از کارکردهای اصلی رسانه‌ها، تشریح، تحلیل و روایت واقعیت‌های جامعه برای مردم است؛ واقعیت‌هایی که جلوی شایعه را می‌گیرد و مرز میان خبر و گمانه‌زنی را روشن می‌کند.

اعلام اسامی جانباختگان، بسیاری از شایعاتی را که در فضای مجازی و رسانه‌های خارجی دامن زده می‌شود، به زمین واقعیت می‌کشاند و آن را از یک روایت مبهم به خبری مستند تبدیل می‌کند.

البته این امر مستلزم سازوکاری قابل اعتماد است؛ اگر افراد یا نهادهایی که مورد اعتماد عمومی‌اند، مسئولیت احراز هویت و جمع‌آوری اطلاعات جانباختگان را بر عهده داشته باشند، بخش بزرگی از مناقشات آماری و روایی حل خواهد شد. امروز در خارج از کشور، تریبون‌هایی فعال‌اند که اعداد و ارقامی شگفت‌آور مطرح می‌کنند، اما پاسخ به این فضاسازی، نه با انکار، بلکه با ارائه واقعیت‌های دقیق در داخل کشور ممکن است.

در کنار اینها، گفت‌وگوی رسانه‌ها با خانواده‌های جانباختگان، درباره زندگی، مطالبات و دغدغه‌های آنان می‌تواند تصویری واقعی‌تر از ماجرا ارائه دهد؛ تصویری که هم به جامعه و هم به حاکمیت برای فهم بهتر ریشه‌ها و اصلاح مسیر کمک می‌کند. شفافیت، اگر به‌درستی و مستمر دنبال شود، نه تهدید، بلکه فرصتی برای ترمیم اعتماد از دست‌رفته است.

بنابراین همچنان که باید از اقدام دولت برای انتشار فهرست اسامی جانباختگان حوادث اخیر و اعلام آمادگی آن برای تکمیل این فهرست به واسطه اعلام اسامی و راستی‌آزمایی آن استقبال کرد باید این انتظار را نیز مطرح ساخت که امکان پیگیری‌های مستقل برای رسانه‌های داخل کشور و بازگرداندن مرجعیت رسانه‌ای به درون مرزها فراهم شود.

بررسی های قابل راستی آزمایی

محمد مهاجری
عضو شورای سردبیری خبرآنلاین

دولت اسامی جانباختگان ناآرامی‌های اخیر را منتشر کرد. به نظر من اصل کاری که در این اقدام رعایت شد، شفافیتی بود که به هر حال در نحوه اعلام اسامی وجود داشت و اینکه نام‌ها به شکلی مشخص و رسمی در اختیار افکار عمومی قرار گرفت.

در واقع این اقدام، کار ارزشمندی بود و توانست تا حد زیادی تبلیغاتی را که رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه و حتی برخی خبرگزاری‌های خارجی علیه ایران انجام می‌دادند، بی‌اثر کند. به عبارت دیگر، اکنون توپ در زمین همان رسانه‌هاست؛ رسانه‌هایی که پیش از این هر اسمی را می‌توانستند به‌عنوان ادعا مطرح کنند و چون فهرست رسمی وجود نداشت، آن ادعاها تا حدی مقبولیت هم پیدا می‌کرد.

اما حالا شرایط فرق کرده است. وقتی دولت اسامی را اعلام کرده، هر رسانه یا فردی که مدعی وجود نام جدیدی باشد، باید مشخصات آن فرد، از جمله کد ملی و هویت دقیقش را ارائه کند.

این اطلاعات به‌راحتی قابل پیگیری است و می‌توان بررسی کرد که آیا آن فرد واقعاً جزو قربانیان این حوادث بوده یا نه. بنابراین فضا از حالت شایعه‌محور خارج شده و به سمت بررسی مستند و قابل راستی‌آزمایی رفته است. این همان نقطه‌ای است که شفافیت معنا پیدا می‌کند و اجازه نمی‌دهد هر ادعایی بدون پشتوانه در افکار عمومی پخش شود.

در داخل هم البته برخی انتقادها مطرح شد، بویژه از سوی کسانی که متعلق یا نزدیک به یک جناح سیاسی خاص هستند، مثل یکی از نمایندگان تهران در مجلس که گفته چرا اسامی جانباختگان بدون تفکیک و همه یک جا منتشر شده است. در پاسخ به این نگاه، به نظرم می‌شود از همان حکایت معروف ملانصرالدین استفاده کرد. می‌گویند ملا با پسرش و الاغی راهی سفر شد. اول خودش سوار شد و پسرش پیاده راه می‌رفت. مردم گفتند چه مرد بی‌انصافی است که بچه را پیاده می‌برد و خودش سوار است. ملا پیاده شد و پسرش را سوار کرد. کمی جلوتر گفتند چه بچه بی‌ملاحظه‌ای که پدرش پیاده است و خودش سوار. بعد هر دو سوار الاغ شدند. باز عده‌ای گفتند این دو نفر به حیوان ظلم کرده و الاغ را خسته می‌کنند. در نهایت ملا و پسرش الاغ را برداشتند و روی دوش گرفتند و باز هم مردم ایراد گرفتند! این قصه دقیقاً شبیه وضعیت امروز است. برخی جریان‌های افراطی هر کاری که جمهوری اسلامی انجام دهد، باز هم دنبال بهانه‌ای برای اعتراض می‌گردند. اگر اسامی اعلام نشود، می‌گویند چرا پنهان‌کاری شده؛ اگر اعلام شود، می‌گویند چرا این‌گونه منتشر شده است. مهم این است که اصل کار، یعنی اطلاع‌رسانی شفاف و مستند انجام و فضا از شایعه و جنگ روانی دور شده است. در چنین شرایطی، به جای توجه به حاشیه‌سازی‌ها، باید به همین مسیر شفافیت و پاسخگویی تکیه کرد؛ مسیری که هم اعتماد عمومی را تقویت می‌کند و هم امکان سوءاستفاده رسانه‌ای را کاهش می‌دهد.

تغییر زمین بازی به نفع طرفداران واقعیت

محمد زعیم‌زاده
سردبیر روزنامه فرهیختگان

اقدام اخیر دولت در راستای ارائه آمار دقیق و مستند از جانباختگان رویدادهای اخیر، اقدامی ضروری و رو به جلو بود. این حرکت هوشمندانه، ابتکار عمل را به فضای رسانه‌ای بازمی‌گرداند و زمینه‌ساز پاسخگویی شفاف و مبتنی بر واقعیت می‌شود. در شرایطی که رسانه‌های معارض و جریان‌های اپوزیسیون وابسته، با اهداف کاملاً سیاسی و اغلب در جهت منافع بیگانه، اقدام به پخش آمارهای غیرمستند و اغراق‌آمیز می‌کنند، ضرورت مقابله با این ادعاها از طریق ارائه داده‌های معتبر و قابل استناد دوچندان می‌شود. این رسانه‌ها، با ادعاهایی همچون اعلام «تعداد کشته‌های نجومی ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر»، خود را در موقعیتی قرار داده‌اند که باید پاسخگوی ادعاهایشان باشند. حال که دستگاه‌های ذیصلاح داخلی در حال ارائه آمار رسمی هستند، زمین بازی به نفع طرفداران واقعیت و شفافیت تغییر کرده است. ادعای بزرگ، نیازمند مدرک بزرگ است. انتظار منطقی و به‌حق این است که رسانه‌هایی مانند «اینترنشنال» که چنین ارقامی را منتشر کرده‌اند، اکنون لیست مستند و کامل اسامی و کدهای ملی ادعایی خود را به صورت عمومی و برای نهادهای ناظر ارائه دهند. ناتوانی در ارائه چنین اسنادی، نه تنها بی‌اعتباری این گونه ادعاهای رسانه‌ای را آشکار می‌سازد، بلکه کل گفتمان و روایت‌سازی این جریان‌های معارض را زیر سؤال می‌برد. این رویکرد، الگویی مؤثر برای خنثی‌سازی تبلیغات دشمن و تقویت اعتماد عمومی از طریق تکیه بر حقایق غیرقابل انکار است. بنابراین، اقدام کنونی گامی اساسی در افشای دروغ‌پردازی‌های سازمان‌یافته و تثبیت روایتی دقیق و ملی از وقایع است.

قدم های تکمیلی بعد از انتشار اسامی

مجید رضاییان
استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم

آیا می‌توان انتشار اسامی و مشخصات جانباختگان حوادث دی‌ماه را از سوی دولت و با خواست رئیس جمهوری اقدامی مثبت و آنچنان که تأکید شده در راستای تحقق شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی ارزیابی کرد؟ پاسخ به این سؤال به شرطی می‌تواند آری باشد که این اقدام را صرفاً گام اول از سلسله اقدامات ضروری آتی بدانیم.

ضرورت این است که گزارشی که ارائه شده از جمله عدد و آمار آن به سمت کامل و جامع شدن برود.

به این معنا که هیچ ابهامی باقی نماند و در نهایت با کوشش جمیع نهادهای متولی و راستی‌آزمایی مواردی که از سوی منابع مختلف اعلام می‌شوند؛ به گزارشی مستند و قابل اتکا تبدیل شود که نسبت به آن، دیگر حرف ثانوی وجود نداشته باشد.

قدم دیگر پس از شفاف‌سازی ابعاد مختلف مسأله، «برقراری ارتباط دوسویه با مردم و شنیدن صدای آنها» به معنای واقعی کلمه است.

زیرا اگر غیر از این باشد؛ نتیجه چیزی جز سوختن سرمایه اجتماعی و از دست رفتن بیش از پیش مرجعیت رسانه و تبعات ناخوشایند دیگری از این دست نخواهد بود. یکی از مهم‌ترین الزامات شفاف سازی، ارتباط دو سویه با مردم و حفظ سرمایه اجتماعی به رسمیت شناختن «اعتراض» با رویکرد و سویه «تغییر» است.

اینکه ما بگوییم اصل اعتراض را پذیرفته‌ایم کافی نیست. این را که قانون اساسی به رسمیت شناخته است. زمانی می‌توانیم بگوییم که اصل اعتراض‌ها را پذیرفته‌ایم که دست به تغییر بزنیم. تغییری که شاید همین رفتار متفاوت دولت در مواجهه با مسأله اطلاع‌رسانی درباره کشته‌شدگان حوادث ناگوار اخیر بتواند گام اول آن باشد.

یک تصمیم بهنگام

محسن مهدیان
مدیرعامل مؤسسه همشهری

انتشار فهرست اسامی جانباختگان، فارغ از هر ملاحظه سیاسی، یک اقدام درست و به‌موقع بود؛ ابتکاری ضروری برای مقابله با «دروغ‌های بزرگ» و پروژه کشته‌سازی که سال‌هاست یکی از ابزارهای اصلی جنگ شناختی علیه افکار عمومی ایران است. در میدان نبرد روایت‌ها، عددِ بی‌نام، خوراک شایعه است؛ اما «اسم»، روایت را از انتزاع بیرون می‌کشد و آن را به واقعیتِ قابل راستی‌آزمایی گره می‌زند. دروغ بزرگ همیشه بر ابهام سوار می‌شود. وقتی گفته می‌شود «۳۰ یا ۵۰ هزار نفر کشته شده‌اند» بدون نام، بدون هویت، بدون تاریخ و محل، ذهن مخاطب درگیر تصویرسازی‌های هیجانی می‌شود؛ تصویرهایی که نه امکان بررسی دارند و نه امکان تکذیب مؤثر. انتشار لیست اسامی این زنجیره را قطع می‌کند و امکان پرسشگری دقیق فراهم می‌شود: چه کسی؟ کِی؟ کجا؟ چگونه؟ این اقدام چند اثر مهم دیگر هم دارد. نخست، بازپس‌گیری مرجعیت خبر است. در سال‌های اخیر، رسانه‌های معاند تلاش کرده‌اند خود را مرجع آمار و روایت معرفی کنند. انتشار رسمی و شفاف اسامی، این مرجعیت جعلی را به چالش می‌کشد و ابتکار عمل را به دست روایت داخلی بازمی‌گرداند. دوم، احترام به حقیقت و شأن انسان‌هاست. کشته‌شدگان، ابزار جنگ روانی نیستند که در قالب اعداد متورم مصرف شوند. نام بردن از آنها، مانع کالایی‌شدن مرگ و سوءاستفاده سیاسی از خون انسان‌ها می‌شود. در نهایت، این اقدام صرفاً یک پاسخ رسانه‌ای نیست؛ یک پیام راهبردی است. در برابر جنگ روایت‌ها، نه با هیجان، بلکه با شفافیت، دقت و اتکا به واقعیت می‌توان ایستاد.

انتشار اسامی جانباختگان اقدامی تاریخی بود

محمد عطریانفر
عضو شورای اطلاع رسانی دولت

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، اقدام بی‌سابقه دولت در انتشار اسامی جانباختگان را گامی معنادار و قابل تقدیر خواند و گفت: «اطلاع‌رسانی، کاهش هیجان و دغدغه جامعه و هزینه‌های امنیتی نظام را به‌دنبال دارد.»

وی در گفت‌وگو با «ایرنا» با بیان اینکه ما در پیشینه تاریخی تحولات، اعتراضات و درگیری‌هایی که در کشور داشته‌ایم، هیچ نمونه‌ای از اینکه یک نهاد رسمی حاکمیتی - دولتی دست به انتشار اسامی کشته‌شدگان بزند، در سابقه تاریخی و حافظه تاریخ ایران مشاهده نکرده‌ایم و تجربه نکرده‌ایم، افزود: «از این حیث، اقدام دولت آقای پزشکیان در این رابطه به اعتقاد بنده گامی بسیار مؤثر و معنادار بوده و از این جهت باید قدردان دولت باشیم.»

این فعال سیاسی معتقد است: «زمانی که به جامعه پاسخ نمی‌دهیم و مردم در نوعی ابهام و بی‌اطلاعی به سر می‌برند، ذهن معطوف به نوعی مقاومت و مخالفت با حکومت می‌شود و دیدگاه‌ها و تحلیل‌هایشان به سمت آن چیزی می‌رود که رقیب ایران و دشمنان کشور دنبال می‌کنند. از این جهت، انتشار اسامی به نظر می‌آید که هزینه‌های امنیتی را کاهش می‌دهد.»

وی با بیان اینکه نکته دیگری که می‌توان بر آن تأکید کرد این است که وقتی دولت دست به انتشار اسامی می‌زند، خود را در مرجعیت رسمی انتقال دفاع قرار می‌دهد، تصریح کرد: «واقعیت این است که این اقدام، ضمن افزایش مسئولیت دولت، در مقام صیانت از مرجعیت آن نیز کار مهم و بسیار ارزشمندی به شمار می‌آید.»

عطریانفر ادامه داد: «زمانی که ما یک قربانی را مطرح می‌کنیم—چه در مقام شهید قرار گرفته باشد و چه در مقام کسی که خود قربانی‌کننده دیگران بوده و کشته شده است—هنگامی که نام او را ذکر می‌کنیم، هویت وی را به رسمیت می‌شناسیم و اجازه نمی‌دهیم که آن نام در ابهامی باقی بماند. در قالب این پوشش و ابهام، نمادی از مظلومیت یا احساسات یا روایت‌های اغراق‌آمیز از آن شکل نخواهد گرفت و این گام، گامی بسیار مؤثر است. از منظر خانوادگی نیز هر کدام از این کشته‌شدگان متعلق به خانواده خود هستند و خانواده‌ها به صورت طبیعی به دنبال این هستند که رد نام فرزند، برادر، خواهر، همسر یا هر کسی که کشته شده است را در نسبت با مسئولیت دولت پیگیری و جست‌وجو کنند.»

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی افزود: «از این جهت، خانواده در وضعیت تعلیق قرار نمی‌گیرد و می‌تواند موضوع را به صورت کاملاً واقعی مرور کند، آن را در ذهن خود بسته‌بندی کند و به عنوان یک امر و یک اتفاق تاریخی از آن عبور کند، تا دیگر آن نام و موضوع در ابهام برای همیشه در ذهنش باقی نماند.»

وی با بیان این نکته که «در گذشته نسبت به این تکلیف تاریخی اقدام بموقع انجام نمی‌شد» و «این اولین بار است که این دغدغه به رسمیت شناخته شده است»، بر ضرورت ایفای نقش نهادهای واسط تأکید کرد و گفت: «در چنین موقعیتی، تأسیس نهادهای واسط و مجموعه‌هایی که به عنوان نهادهای مدنی-اجتماعی تلاش می‌کنند تا علت‌یابی، بررسی و پژوهش کنند، ریشه‌یابی انجام دهند و با جامعه گفت‌وگوی انتقادی برقرار کنند و ظرفیت‌های طبقه متوسط جامعه را به کار گیرند، در تقویت مشروعیت نظام مؤثر است و همزمان برای مردم و شهروندان نیز امنیت‌بخش خواهد بود».

رئیس ستادکل نیروهای مسلح از تجدیدنظر در دکترین نظامی کشور خبر داد

تغییر از دفاع به آفند

خبر

امیر سرلشکر «سیدعبدالرحیم موسوی» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بازدید شبانه‌ای که از آمادگی یکی از یگان‌های نیروهای مسلح داشت، از تغییر دکترین نظامی ایران خبر داد. سرلشکر موسوی طی سخنانی، اظهار کرد: «ملت ایران در مقابل خوی استکباری و تجاوزگری آمریکا، از گذشته تاکنون پایدار ایستاده و او را به شکست‌های پی‌درپی واداشته‌اند، از جمله در جنگ پیچیده، چندوجهی و تروریستی اخیر، محاسبات دشمن را به‌هم ریختند.»

وی ادامه داد: «ملت ایران در طول این ۴۷ سال بارها ثابت کرده‌اند که ایران بلعیدنی نیست و سرانجام آن لجوجِ خیره‌سری که درس نمی‌گیرد، خفه خواهد شد.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، با اشاره به تهدیدها و لفاظی‌های مقامات آمریکا علیه ایران، گفت: «کسانی که چند ماه در شیپور فریب دمیدند و گزاره «ایران ضعیف» را ترویج کردند، حالا مجبور هستند یا حرف خود را پس بگیرند، یا سیلی منطقه‌ای قدرت ایران را دریافت کنند.»

وی افزود: «ظاهراً فراموش کرده‌اند در سال ۱۳۵۹ مردم ایران، در شرایط دشوار، در مقابل دنیای کفر هشت سال ایستادند و سر آن را به سنگ کوبیدند. در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، طرح ۲۰ ساله آمریکا و رژیم صهیونیستی را نقش بر آب کردند و آنها را شکست دادند. در فتنه دی‌ماه نیز، طرح شبه‌کودتای دشمنِ داعشی‌وارِ آمریکایی صهیونی را ناکام گذاشتند.» سرلشکر موسوی در بخش دیگری از سخنان خود، با تأکید بر اینکه آنچه دشمنان، بویژه آمریکا، باید بدانند این است که انگیزه نیروهای مسلح ما برای جنگیدن در برابر دشمن، هیچ‌گاه مانند امروز نبوده است، اظهار کرد: «خون‌خواهی روز سیزدهم باقی مانده و کوچک‌ترین خطا، دست ما را برای اقدام باز خواهد کرد.»

وی اضافه کرد: «دنیا چهره متفاوت ایرانِ قوی را خواهد دید؛ آنگاه هیچ آمریکایی در امنیت نخواهد بود و آتش منطقه، آمریکا و همراهانش را در خود خواهد سوزاند.»

رئیس ستادکل نیروهای مسلح کشورمان اشاره‌ای هم به موضوع محاصره دریایی ایران که از رسانه‌های غربی به گوش می‌رسد، داشت. وی گفت: «آن‌هایی که از محاصره دریایی سخن می‌گویند، بهتر است یک بار دیگر درس‌های جغرافیا و ژئوپلتیک را مرور کنند؛ ایران قدرتمند و وسیع، کشوری غیرقابل محاصره است.»

اما مهم‌ترین بخش سخنان سرلشکر موسوی، جایی بود که از تغییر دکترین نظامی ایران خبر داد.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح اظهار کرد: «پس از جنگ ۱۲ روزه و ادامه اقدامات موذیانه آمریکایی-صهیونی، در دکترین دفاعی کشور تجدیدنظر شده و به دکترین آفندی نیروهای مسلح، مبتنی بر رویکرد عملیات برق‌آسا و دامنه‌دار، با اتخاذ راهبردهای نظامی ناهمگرا و کوبنده تغییر دادیم.»

وی تصریح کرد: «بر این اساس، اقدام ما سریع، قاطع و به‌دور از محاسبات آمریکا خواهد بود.»

سرلشکر موسوی این را هم گفت که نیروهای مسلح هیچ واهمه‌ای از سروصدای گوساله سامری و هیمنه ظاهری دشمن ندارند و برای رویارویی و زدن سیلی انتقام، کاملاً آماده‌اند.

دولت

پزشکیان در اولین جلسه شورای هماهنگی معاونان رئیس‌جمهور تأکید کرد

ضرورت تفاهم برای اصلاح کاستی‌ها

گروه سیاسی: نخستین جلسه شورای هماهنگی معاونان رئیس‌جمهور با حضور مسعود پزشکیان و با دستور جلسه «ارتقای ظرفیت راهبردی دولت؛ پیشنهادهایی برای حکمرانی مؤثر» برگزار شد. پزشکیان فعالیت هماهنگ و هم‌افزا در راستای بهبود وضعیت اجتماعی، تعامل و زبان مشترک را کلید اصلی رفع مشکلات عنوان و اظهار کرد: «رسیدن به فهم و زبان مشترک برای دست‌یابی به قدرت برای اصلاح کاستی‌ها و بهبود شرایط یک اصل مهم است. اطمینان دارم تمام مشکلات کشور با هماهنگی و هم‌افزایی بین‌بخشی و فرابخشی برطرف خواهد شد. به یاد دارم در دوران دانشجویی وقتی تمام گروه‌ها با یکدیگر تعامل و زبان مشترک داشتند توانستند به اصلاح برخی از مسائل بپردازند.» رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه ظرفیت برطرف کردن تمام مشکلات در کشور وجود دارد، تصریح کرد: «چنانچه با یکدیگر هماهنگ و هم‌افزا باشیم، می‌توانیم در کنار هم با سازماندهی منطقی امور، مشکلات را برطرف و از بحران‌ها عبور کنیم. اتحاد و انسجام و وجود همدلی در جامعه سبب می‌شود تأثیرگذاری تصمیمات افزایش یابد. برای بهبود سطح زندگی مردم رعایت حق، عدالت، انصاف و پیروی از سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری یک اصل ضروری محسوب می‌شود.»

پزشکیان یادآور شد: «اکنون که مسئولیت اداره کشور را بر عهده داریم، قاطعانه در مسیر مبارزه با رانت، فساد و خلاف گام برمی‌داریم تا شرایط برای بهبود سطح زندگی مردم فراهم شود.» رئیس‌جمهوری در بخش دیگر سخنان خود خطاب به معاونان خود با تأکید بر پرهیز از موازی‌کاری و پیشگیری از ایجاد تداخل در ساماندهی فعالیت‌ها، دستور داد: «شیوه حرکت، نظارت بر امور و پشتیبانی از واحدها باید به گونه‌ای باشد که در تمام بخش‌ها و وزارتخانه‌ها حرکت ایجاد کند. بنابراین با تعامل و هماهنگی بیشتر ضرورت دارد در تبیین وظایف و اقدامات این شورا بررسی و تجدیدنظر شود.»

پزشکیان افزود: «در مسیر حل مشکلات و برطرف کردن کاستی‌ها، ابتدا باید به دنبال حل مسائل و مشکلات خودمان باشیم. دولت ساختاری فرابخشی است. به این معنی که تمام فرآیندها و ساختارها در وزارتخانه‌ها مستقیم و غیرمستقیم از مجرای دولت عبور می‌کند. پس برای مدیریت هر چه بهتر ساختارها و فرآیندها، اصول و استراتژی‌های علمی و تجربه شده موفق داشته باشیم.»

رئیس دولت چهاردهم با تبیین سه اصل مهم مدیریتی و تجربه جهانی، خاطرنشان کرد: «در ارزیابی جهانی براساس بررسی تجربه ۴۰ کشور دنیا، سه اصل مشترک یعنی «مسئولیت»، «نوع کار» و «پاسخگویی» در همه اصلاحات موفق وجود داشته است. همچنین از پنج استراتژی شناخته شده، حداقل دو یا سه مورد به‌طور همزمان اجرا شده‌اند. تمام واحدها و نهادهای ما باید مبتنی بر این قواعد، فرآیندهای خود را مدیریت کنند.»

پزشکیان در تبیین استراتژی‌های مدیریتی نیز، گفت: «طبیعتاً در راستای هماهنگی و تطبیق با استراتژی‌های اصولی باید در نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی، پرداخت‌ها براساس عملکرد باشد. علاوه بر این در راستای کوچک‌سازی دولت، با واگذاری شرکت‌ها و بخشی از فعالیت‌ها تا جایی که امکان‌دارد خصوصی‌سازی باید شکل بگیرد و نهادهای دولتی بر عملکرد این شرکت‌های خصوصی نظارت کنند. حذف قوانین و مقررات دست‌وپا گیر هم بخشی از اقداماتی است که باعث می‌شود تا به ارتقای سطح عملکرد و کیفیت ارائه خدمات کمک کند.»

رئیس‌جمهوری با اشاره به اینکه، ضرورت دارد اعضای شورای هماهنگی معاونین رئیس‌جمهور روی کارها، اهداف، سیاست‌ها و اولویت‌ها، مطالعه عمیق داشته باشند، دستور داد تمام این فرآیند جمع‌بندی و اصلاح شود و افزود: «موارد اجرای باید با سیاست‌های کلی نظام، رهنمودهای مقام معظم رهبری و سیاست‌های دولت هماهنگی داشته باشند.»

پزشکیان در تبیین سیاست‌های خارجی دولت وفاق ملی، گفت: «هدف ما بهبود تجارت، حمایت از تجار، تولیدکنندگان و صادرکنندگان، حذف موانع و تقویت ارتباطات با سایر کشورهاست. در موضوعات داخلی کشور نیز مردم و معیشت آنها و بهبود کیفیت سطح زندگی در اولویت تصمیمات ما قرار دارد. اجرای طرح محله‌محوری و واگذاری اختیارات به استانداران بخشی از اقداماتی هستند که در این زمینه در حال انجام است.» رئیس‌جمهوری افزود: «هر یک از معاونین به شکل تخصصی و کارکردی با یکدیگر همکاری و هماهنگی سازنده داشته باشند تا کلان‌پروژه‌هایی که برای کشور تعیین کرده‌ایم، اجرایی شود.»

> پزشکیان به معاونان خود دستور داد: شیوه حرکت، نظارت بر امور و پشتیبانی از واحدها باید به گونه‌ای باشد که در تمام بخش‌ها و وزارتخانه‌ها حرکت ایجاد کند

محمدرضا عارف در ابتدای این جلسه با ارائه چکیده و شیوه‌نامه شورای هماهنگی معاونین رئیس‌جمهور اظهار کرد: «هدف تشکیل این شورا به منظور ارائه نظر مشورتی در امور کلان و مهم به رئیس‌جمهوری، کمک به تحقق حکمرانی واحد، تسهیل در اجرای سیاست‌ها، تقویت نگاه بین‌بخشی و همراستاسازی سیاست‌ها و برنامه‌های دولت است.»

معاون اول رئیس‌جمهور ادامه داد: «طبیعتاً با هدف تقویت، انسجام و کارآمدی و هماهنگی هر چه بیشتر معاونان رئیس‌جمهور این جلسه برگزار شد تا به تسهیل و تعیین موضوعات فرابخشی بپردازند.»

همچنین در بخشی از این جلسه هر یک از معاونین رئیس‌جمهوری به بیان نظرات، پیشنهادها و دغدغه‌های موافق و مخالف خود درباره موضوعات مطرح شده در این جلسه پرداختند. تبیین و تشریح «معرفی ترکیب ریاست و اعضا»، «تشریح وظایف و اختیارات شورا»، برخی از موضوعات مطرح شده در این جلسه بود.

خبر

تجدید میثاق رئیس و مسئولان دستگاه قضا با آرمان‌های امام و شهدا

اژه‌ای: باید تمام همت خود را معطوف حل مشکلات مردم کنیم

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای رئیس دستگاه قضا، روز گذشته همزمان با دهه فجر و چهل و هفتمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، در حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره) حضور یافت و به ساحت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ادای احترام کرد. محسنی اژه‌ای طی سخنانی اظهار کرد: «امام بزرگوار ما در عصر حاضر، کار انبیا را کردند و بشریت را از ظلمت رهانیدند و به سوی نور هدایت کردند. نه فقط در ایران اسلامی بلکه در سرتاسر جهان، همه آزادگان، ندای امام عظیم‌الشأن را شنیدند و ظلم‌ستیز و استکبارستیز شدند.»

رئیس قوه قضائیه با اشاره به مردم‌داری امام راحل گفت: «امام بزرگوار ما با اتکا و ایمان به خدا و اعتماد به مردم خداجو، بزرگ‌ترین انقلاب عصر حاضر را به سرانجام رساندند؛ فلذا ما نیز به عنوان پیروان امام(ره) موظف و مکلفیم در همین مسیر گام برداریم و لحظه‌ای از مردم جدا نشویم. اگر از مردم و بویژه طبقات پایین جامعه غافل شویم، قطعاً آسیب می‌بینیم؛ باید تمام همت خود را معطوف و مصروف داریم تا مسائل و مشکلات مردم را حل کنیم.» اژه‌ای اظهار کرد: «دشمن این روزها با تبلیغات وسیع، سخن از ادوات و تجهیزات نظامی‌اش از ناو تا جنگنده می‌کند تا در دل‌های ما رعب و وحشت بیفکند؛ حال آنکه ما به قدرت الهی و حمایت مردمی متکی هستیم و باکی از دشمن نداریم؛ این جنگ‌ها و فتنه‌ها و ترورها، حکایت امروز و دیروز نیست؛ ما از ابتدای انقلاب درگیر این مسائل و مقولات هستیم و در تمامی مقاطع با عنایات الهی و حضور مردمی، بر آنها فائق آمده‌ایم.» رئیس قوه قضائیه به ابعاد مختلف ناآرامی‌ها و حوادث اخیر نیز اشاره کرد و گفت: «در فتنه بزرگ و خشن اخیر نیز که یک کودتا بود، دست اجانب و بیگانگان آشکار شد؛ این فتنه را مردم با حضور میلیونی خود در یوم‌الله ۲۲ دی، تمام کردند و حکم بر نابودی آن دادند.» وی گفت: «طی هفته‌های گذشته، کشور ما یک بحران سخت و کودتای پر از دسیسه را پشت سر گذاشت؛ فاجعه‌ای که می‌توانست نه تنها ایران بلکه منطقه را به بحران بکشد، به لطف خداوند متعال که دل‌های جامعه در دست اوست، پایان پذیرفت؛ تدبیر و شجاعت رهبر معظم انقلاب نیز در جریان بحران اخیر، حقیقتاً ستودنی بود.»

در جلسه شورای اقتصاد به ریاست عارف انجام شد

تصویب طرح‌های راهبردی تأمین انرژی کشور

روز گذشته در نهمین جلسه شورای اقتصاد در سال ۱۴۰۴ به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور، چند طرح کلان در حوزه نفت و نیرو با هدف افزایش تولید و تقویت تأمین انرژی کشور به تصویب رسید. دراین نشست، کلیات طرح افزایش تولید نفت و جبران افت تولید گاز تصویب شد. این طرح شامل اجرای برنامه فشارافزایی در میدان مشترک پارس جنوبی، توسعه میادین نفتی سپهر و جفیر و تسریع در بهره‌برداری از میدان آزادگان است. براساس مصوبه شورا، پیشنهادهای تکمیلی این طرح ظرف دو هفته آینده در ستاد اقتصادی دولت بررسی و نهایی می‌شود. این طرح با سرمایه‌گذاری ۱۷ میلیارد دلاری عایدی ۵۲۰ میلیارد دلاری برای کشور خواهد داشت. همچنین طرح «پایش لحظه‌ای و مدیریت سامانه جامع هوشمند زنجیره فرآورده‌های نفتی» با سرمایه‌گذاری ۴۲۰ میلیون یورو و ۷۵۰۰ میلیارد تومان از منابع داخلی شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی به تصویب رسید. هدف این طرح، ایجاد نظارت هوشمند و یکپارچه بر فرآیند تولید، انتقال و ذخیره‌سازی فرآورده‌ها در فاصله سال‌های ۱۴۰۴ تا ۱۴۰۷ است. در بخش نیرو نیز طرح‌های بهینه‌سازی و ارتقای عملکرد سد و نیروگاه‌های دز و شهید عباسپور تصویب شد. طبق مصوبه شورای اقتصاد، ظرفیت تولید نیروگاه دز از ۵۲۰ به ۷۲۰ مگاوات و ظرفیت هر واحد نیروگاه شهید عباسپور از ۱۸۰ به ۲۵۰ مگاوات افزایش می‌یابد.

برنامه های دولت برای احیای تالاب‌ها

مراسم روز جهانی تالاب‌ها با حضور معاون اول رئیس‌جمهور در سازمان حفاظت محیط‌زیست برگزار شد. در این مراسم بر اولویت تأمین و تثبیت حقابه تالاب‌ها، جلوگیری از ورود پساب و ضرورت مشارکت مردمی در برنامه‌های احیا تأکید شد. محمدرضا عارف در این مراسم، تامین حقابه تالاب‌ها را از اولویت‌های قطعی دولت چهاردهم دانست و گفت برنامه‌های دولت برای احیای تالاب‌ها بر سه محور جلوگیری از ورود پساب و فاضلاب، اصلاح الگوی کشت و استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد متمرکز است. به گفته وی، بدون مشارکت مردم و تشکل‌های محیط‌زیستی، احیای تالاب‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. او با اشاره به کنوانسیون جهانی رامسر، جایگاه بین‌المللی تالاب‌های ایران را مهم توصیف کرد و گفت ده‌ها تالاب کشور در این فهرست ثبت شده‌اند که نشان‌دهنده ارزش زیست‌محیطی آن‌هاست.

در این مراسم برداشت بی‌رویه از منابع آب و ورود پساب‌های صنعتی و فاضلابی از مهم‌ترین تهدیدهای تالاب‌ها عنوان و اعلام شد در صورت بی‌اثر بودن روش‌های ارشادی، برخوردهای قانونی در دستور کار قرار می‌گیرد. ورود پساب و فاضلاب، اصلاح الگوی کشت و استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد متمرکز است.

همچنین برداشت بی‌رویه از منابع آب و ورود پساب‌های صنعتی و فاضلابی از مهم‌ترین تهدیدهای تالاب‌ها عنوان شد و اعلام شد در صورت بی‌اثر بودن روش‌های ارشادی، برخوردهای قانونی در دستور کار قرار می‌گیرد. در پایان مراسم، اطلس زیستگاه‌های دریای خزر رونمایی و از برخی پژوهشگران و مدیران استانی حوزه محیط زیست تقدیر شد.

مزایده عمومی فروش انواع تجهیزات مخابراتی به شماره ۱۲۶
رایتل RightTel

شرکت خدمات ارتباطی رایتل در نظر دارد **انواع تجهیزات مخابراتی مازاد** خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به شرح اسناد مزایده به فروش برساند.
بر این اساس از تمامی اشخاص حقوقی و حقیقی دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مزایده، حداکثر تا روز **شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵** به نشانی اینترنتی https://sama.rightel.ir مراجعه کنند.
تضمین شرکت در مزایده (ضمانت‌نامه بانکی/چک تضمین‌شده بانکی/چک شخصی/چک شرکتی):
- **بلوک یک: ۱۴,۴۰۹,۰۸۰,۴۱۶ ریال** (چهارده میلیارد و چهارصد و نه میلیون و هشتاد هزار و چهارصد و شانزده) **ریال**
- **بلوک دو: ۱۹,۰۸۰,۳۴۱,۹۷۷ ریال** (نوزده میلیارد و هشتاد میلیون و سیصد و چهل و یک هزار و نهصد و هفتاد و هفت) **ریال**
- **بلوک سه: ۲,۰۲۲,۵۷۷,۶۰۷ ریال** (دو میلیارد و بیست و دو میلیون و پانصد و هفتاد و هفت هزار و ششصد و هفت) **ریال**

زمان و مکان تحویل پیشنهاد: حداکثر تا ساعت ۱۷ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ به نشانی تهران، خیابان ولی‌عصر(عج)، روبروی پارک ملت، خیابان استاد نجف دریابندری (ارمغان غربی سابق)، تقاطع مهرداد، پلاک ۸، دبیرخانه حراست.
راه‌های ارتباطی جهت کسب اطلاعات بیشتر
۰۲۱-۲۷۶۵۴۶۰۹
Tenders@rightel.ir

IRAN DAILY
1877
www.newspaper.iran-daily.com

بانک تجارت
آگهی مزایده شماره ۱۴۰۴/۶

بانک تجارت در نظر دارد ۸ دستگاه خودروی مازاد خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش رساند.
۱- مهلت دریافت اسناد، بازدید و ارائه پیشنهاد قیمت تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ (ساعت ۱۳) می‌باشد. ۲- مبلغ خرید اوراق شرایط شرکت در مزایده ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال به‌صورت فیش واریزی به‌حساب شماره ۰۱۸۵۴۸۶۰ به‌نام (کارمزد فروش اسناد مزایده اموال منقول) قابل واریز نزد هر یک از شعب بانک تجارت می‌باشد. (مبلغ مذکور غیرقابل برگشت می‌باشد.)۳- تاریخ بازگشایی پاکات پیشنهاد قیمت شرکت‌کنندگان در مزایده روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ رأس ساعت ۹ صبح می‌باشد. بر این اساس متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت برگ شرایط شرکت در مزایده مطابق با شرایط فوق به اداره کارپردازی - گروه کارشناسی مزایده و مناقصه واقع در تهران - خیابان آزادی - بین نواب و اسکندری - ساختمان بانک تجارت طبقه هفتم مراجعه نمایند.
شماره تماس: ۶۶۹۲۶۳۴۴ - داخلی ۶
بانک تجارت - اداره کارپردازی

شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام)
آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی
نوبت دوم
(مناقصه شماره T1404-20)
موضوع: درخواست خرید تأمین قطعات BENTY NEVADA

شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام) در نظر دارد تأمین **قطعات BENTY NEVAD** را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی، به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. فلذا از شرکت‌هایی که آمادگی و توانایی انجام موضوع مناقصه را داشته و دارای سوابق و تجربیات مؤثر و مرتبط می‌باشند دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی به تارنمای (وب‌سایت) پتروشیمی جم به آدرس WWW.JPCOMPLEX.IR مراجعه و اسناد مناقصه را از طریق این تارنما (وب‌سایت) دریافت (دانلود) نمایند. درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۷۳۲۳۲۲۱-۰۷۷ داخلی ۳۰۴۹ تماس حاصل نمایند.

الف- شرح مختصر کار:
تأمین قطعات BENTY NEVADA
ب- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (دویست میلیون تومان) یا معادل ارزی آن به مبلغ ۲ هزار یورو
مواعد زمانی مناقصه:
تاریخ درج آگهی: به مورخه یک‌شنبه ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ و سه‌شنبه ۱۴۰۴/۱۱/۱۴
آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از وب‌سایت پتروشیمی جم: تا پایان روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰
آخرین مهلت ارسال اسناد ارزیابی کیفی(پاکت د): حداکثر تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ تحویل دبیرخانه مرکزی شرکت پتروشیمی جم گردد.
تاریخ ارسال پیشنهادات (پاکات الف، ب و ج): پس از مرحله ارزیابی کیفی، به شرکت‌هایی که حائز حداقل امتیاز کیفی لازم می‌باشند، جهت ارسال پاکات الف، ب و ج اطلاع‌رسانی خواهد شد. حداقل امتیاز کیفی لازم: ۵۰
همگی پاکت‌های مذکور(الف، ب و ج) پس از لاک و مهر، در داخل یک پاکت لاک و مهر شده قرار گرفته طبق زمانی که متعاقباً اعلام خواهد شد به دبیرخانه محرمانه حراست پتروشیمی جم تحویل خواهد شد.

ج- برخی نکات مهم:
شرکت‌های واجد شرایط می‌بایست ضمن مطالعه اسناد جهت اطلاع از موضوع مناقصه، اسناد ارزیابی کیفی را مطابق دستورالعمل مندرج در آن بررسی و تکمیل و به‌همراه کلیه مدارک و اسنادی که در استعلام ارزیابی کیفی خواسته شده و همچنین تمام اوراق استعلام ارزیابی کیفی به‌صورت کامل شده که واجد مهر و امضای مجاز و معتبر باشد صرفا در قالب دو نسخه DVD در پاکت «د» به‌صورت لاک و مهر شده تحویل دبیرخانه(دفتر مرکزی) شرکت پتروشیمی جم نماید. از ارسال اسناد در قالب فرمت کاغذی خودداری گردد. اسناد مندرج در محتوای DVD می‌بایست دارای مهر و امضای معتبر آن شرکت بوده و در فرمت غیرقابل تغییر (مانند PDF) و در پوشه‌های طبقه بندی شده تهیه گردد. در غیر این‌صورت اسناد ارائه شده از سوی شرکت‌ها مورد بررسی قرار نخواهد گرفت و رعایت این موضوع برای تمامی شرکت‌کنندگان الزامی می‌باشد.
شایان ذکر است که ارائه شماره تلفن و نشانی پست الکترونیک متقاضی شرکت در مناقصه، برای تداوم اطلاع‌رسانی‌ها الزامی است.
توضیح: درصورت هرگونه نقص در ارائه مستندات و یا عدم تکمیل موارد فوق، ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضی قابل بررسی نمی‌باشد و ارائه مدارک مورد اشاره و عدم تأیید صلاحیت، هیچ‌گونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
به پیشنهادات فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
پس از ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضیان و مشخص شدن فهرست کوتاه مناقصه‌گران، از شرکت‌های تأیید شده در مرحله ارزیابی کیفی، جهت ارائه سایر پاکات الف(تضمین شرکت در مناقصه)، ب(اسناد و مدارک فنی) و ج(پیشنهاد مالی) دعوت خواهد شد.
*** پیشنهاددهنده می‌تواند به جای ارائه ضمانت‌نامه بانکی، مبلغ مذکور را به‌حساب بانکی شماره ۲۶۶۳۱۰۷۰۰۶ بانک تجارت نزد شرکت پتروشیمی جم واریز نماید و رسید واریز وجه را در **پاکت «الف»** قرار دهد و یا چک تضمین شده بانکی در وجه شرکت تهیه نماید و در **پاکت «الف»** قرار دهد. به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- سایر جزئیات و اطلاعات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.
- شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام) در بررسی مستندات و نیز در رد یا قبول هریک یا تمام مستندات ارائه شده توسط شرکت‌ها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.
- پاکت «د» (مستندات ارزیابی کیفی) پس از لاک و مهر مطابق زمان مقرر تحویل دبیرخانه دفتر مرکزی پتروشیمی جم واقع در تهران گردد و رسید دریافت شود.
آدرس مناقصه‌گزار (دفتر مرکزی) جهت تحویل پیشنهادات:
- تهران، توانیر، خیابان شهید عباسپور، خیابان نظامی گنجوی، شماره ۲۷، شرکت پتروشیمی جم، طبقه همکف، دبیرخانه مرکزی شرکت پتروشیمی جم
- **تلفن تماس:** ۸۸۶۵۴۵۴۵-۰۲۱
- **شماره فکس:** ۸۸۵۶۶۴۸۹-۰۲۱
روابط عمومی شرکت پتروشیمی جم

نوبت اول
شرکت پتروشیمی پارس (سهامی عام)
Pars Petrochemical Co.
آگهی فراخوان عمومی
مناقصه شماره ۵۹۱/م/۴۰۴-۳۹
شرکت پتروشیمی پارس
مناقصه‌گزار: شرکت پتروشیمی پارس (سهامی عام)
موضوع مناقصه: انجام پروژه طراحی، تأمین متریال و اجرای انبار آب معدنی و محوطه‌سازی انبار متمرکز شرقی
متن کامل آگهی فوق به‌همراه فرم‌های خوداظهاری ارزیابی کیفی در سایت شرکت پتروشیمی پارس به آدرس www.parspc.ir قابل رؤیت می‌باشد. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر و هرگونه راهنمایی می‌توانید با شماره تلفن ۰۷۷۳۷۲۶۵۲۹۱ داخلی ۴۷۴۰۲ یا ۴۸۳۱ تماس حاصل نمایند. درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای دستگاه مناقصه‌گزار ایجاد نمی‌نماید.
PARS PC
شرکت پتروشیمی پارس

ایران
ویژه تهران
فقط با یک تماس مشترک روزنامه ایران شوید
شماره امور مشترکین
۸۸۷۴۸۸۰۰
۰۹۰۲-۴۱۹۸۲۹۶

کوروش احمدی در گفت و گو با «ایران» با اشاره به رخدادهای دیپلماتیک اخیر:

سیاست بازدارندگی ایران ادبیات آمریکایی‌ها را تغییر داد

گفت‌وگو

گروه دیپلماسی

روند تحولات مرتبط با تنش میان ایران و ایالات متحده در روزهای اخیر نشانه‌هایی از حرکت به سمت دیپلماسی بروز داده است؛ مسیری که بر اساس گمانه‌زنی‌های دیپلماتیک احتمال دارد به برگزاری گفت‌وگوهایی میان هیأت‌های مذاکره کننده دو کشور در آینده نزدیک منتهی شود. این تغییر فضا در حالی رخ می‌دهد که تنش‌ها در ماه‌های گذشته به سطحی قابل توجه رسیده بود و نگرانی‌ها نسبت به پیامدهای آن افزایش یافته بود اما اکنون نشانه‌هایی از فعال شدن مجدد کانال‌های سیاسی دیده می‌شود. در همین چهارچوب، سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز گذشته در تازه‌ترین موضع‌گیری خود به این تحولات اشاره کرد و گفت پس از ناکامی طرف مقابل در توطئه اخیر اکنون بار دیگر بحث دیپلماسی از سوی آنها مطرح شده است. او تأکید کرد که ایران همواره برای گفت‌وگو آمادگی داشته اما این آمادگی مشروط به رعایت اصل برابری، احترام متقابل و تأمین منافع دو طرف است. همزمان با این اظهارات، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه نیز از ادامه بررسی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها درباره جزئیات اجرایی ازسرگیری مذاکرات خبر داد و اعلام کرد که هنوز ابعاد مختلف موضوع در حال ارزیابی است. او با اشاره به ساختار احتمالی مذاکرات توضیح داد که در این مرحله، تمرکز دستگاه دیپلماسی بر انجام بررسی‌های کارشناسی و سنجش گزینه‌های پیش رو قرار دارد. بقایی همچنین درباره اخبار منتشرشده پیرامون ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران گفت که این موضوع نیز از جمله مسائلی است که در صورت آغاز مذاکرات، در همان چهارچوب مورد بحث و تعیین تکلیف قرار خواهد گرفت و تأکید کرد که نتیجه مذاکرات از پیش اعلام نمی‌شود. در همین زمینه، علی باقری معاون سیاست خارجی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نیز اعلام کرد که هیچ برنامه‌ای برای انتقال مواد غنی‌شده به خارج از کشور وجود ندارد. «ایران» درباره ابعاد و چشم‌انداز این تحولات با کوروش احمدی، دیپلمات پیشین گفت‌وگو کرده است. او معتقد است تجربه دوره قبل نشان داد که در غیاب یک چهارچوب روشن و انعطاف‌پذیر، مذاکرات عملاً به رفت‌وآمد پیام‌ها محدود می‌شود و با تغییر مداوم مواضع ترامپ، امکان دستیابی به پیشرفت واقعی از بین می‌رود. اگر قرار است این بار مسأله به طور جدی حل‌وفصل شود، ضروری است تحول اساسی در شیوه مذاکره و نحوه مدیریت گفت‌وگوها ایجاد شود.

رخدادهای یک ماه اخیر دیپلماتیک میان ایران و آمریکا را از چه منظری باید تحلیل کرد؟

به نظر من، اقدام ترامپ در تجمع نیروهای نظامی با هدف ایجاد یک «تهدید معتبر» صورت گرفته است تا بتواند از آن به‌عنوان اهرمی در مذاکره استفاده کند. تصور من این نبوده که حداقل در کوتاه مدت جنگی در پیش باشد، بلکه به زعم آمریکایی ها هدف، معتبرسازی این تهدید برای آوردن ایران به پای میز مذاکره و گرفتن نتیجه مطلوب خود در مذاکره است. مفهوم «تهدید معتبر» در ماه‌های منتهی به آغاز دور دوم ریاست جمهوری ترامپ در میان برخی کارشناسان و اندیشکده‌های آمریکایی شکل گرفت؛ از جمله افرادی مانند ریچارد نفیو، ریچاردهاس، دنیس راس و سوزان مالونی که مدعی بودند برای مذاکره با ایران، باید فشار نظامی مؤثری ایجاد شود. به نظر می‌رسد ترامپ نیز در هفته‌های اخیر بر اساس همین فرمول عمل کرده است. او در ابتدای دوره دوم خود از فشار حداکثری و مذاکره سخن گفت و پس از حدود ۶۰ روز مذاکره و حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران در جنگ ۱۲ روزه، تمرکز خود را به موضوعاتی مانند اوکراین، غزه و ونزوئلا معطوف کرد. اما پس از ثبات نسبی حداقلی در آن پرونده‌ها، بار دیگر به موضوع ایران بازگشت و طی دو سه هفته اخیر، بخشی از نیروهای نظامی خود را به منطقه بازگرداند. این اقدامات در چهارچوب همان راهبرد تهدید معتبر قابل تحلیل است؛ یعنی اعمال همزمان فشار نظامی و دعوت به مذاکره. اما در همین حال وجود بازدارندگی موشکی ایران و امکان گسترش درگیری به اسرائیل و کل منطقه در صورت حمله آمریکا به ایران و هزینه‌های بالای آن برای آمریکا از عواملی بود که مانع می‌شد و می‌شود که هدف آمریکا تنها تحمیل جنگی دیگر به ایران باشد. البته اگر مذکراتی شروع شود و به نتیجه نرسد، باید دید که واکنش ترامپ چه خواهد بود.

> موازنه قدرت بازدارندگی ایران در برابر راهبرد تهدید معتبر امریکا سبب شد تا طرفین روی گزینه مذاکره توافق کنند

برخی تحلیلگران معتقدند که مواضع اخیر ترامپ به‌ویژه پس از حمایت علنی از اعتراضات ایران، او را وارد یک بازی ناخواسته کرد و تحرکات نظامی آمریکا چندان برنامه‌ریزی‌شده و استراتژیک نبوده است. نظر شما در این باره چیست؟

به نظر من، اعتراضات داخلی ایران نقش تعیین کننده‌ای در محاسبات ترامپ نداشته است. اصولاً سیاست داخلی ایران جایگاه مهمی در راهبرد کلان ترامپ ندارد. اظهارات او درباره حمایت از معترضان بیشتر جنبه ابزاری داشت تا بتواند از این موضوع و انعکاس گسترده آن در فضای رسانه‌ای و بین‌المللی برای افزایش فشار بر ایران استفاده کند. بعد از اینکه اعتراضات طی یکی دو هفته فروکش کرد و عملاً متوقف شد، ترامپ تلاش کرد از این فضای جدید برای نمایش تأثیرگذاری خود بهره ببرد و مدعی شود که هشدارهایش مانع تشدید برخوردها شده است. با این حال، مسأله حقوق بشر به طور کلی در اولویت سیاست خارجی ترامپ نیست؛ چنان‌که پیش‌تر نیز در تعامل با طالبان یا دیگر کشورها چنین ملاحظاتی نداشت.

بحثی که اکنون درباره آغاز مذاکرات شکل گرفته تا چه اندازه جدی است؟

از دو سه روز پیش نشانه‌هایی دیده می‌شود که حکایت از جدی بودن تلاش‌ها برای آغاز دور جدیدی از مذاکرات دارد. هم در توئیت آقای لاریجانی که از شکل‌گیری یک ساختار مذاکراتی سخن گفت و هم در اظهارات آقای عراقچی در جریان سفر به ترکیه که اشاره کرد درباره شکل، محل و موضوع گفت‌وگوها رایزنی‌هایی در حال انجام است. مجموع این نشانه‌ها بیانگر آن است که باید منتظر آغاز یک دور تازه از مذاکرات بود.

به نظر شما مذاکرات پیش رو حول چه موضوعی خواهد بود و چه هدفی را دنبال می‌کند؟

به گمان من، هدف نهایی ترامپ توقف غنی‌سازی در ایران است و احتمالاً فراتر از این خواسته، مطالبه جدی‌تری ندارد. موضوعاتی مانند برچیدن کامل تأسیسات غنی‌سازی می‌تواند محل چانه‌زنی باشد و میزان انعطاف‌پذیری در این زمینه به چهارچوب مذاکرات و بسیاری مسائل دیگر بستگی دارد. اگر مذاکرات صرفاً به مسأله غنی‌سازی محدود شود، فضای مانور طرفین بسیار تنگ خواهد شد؛ زیرا پذیرش حق غنی‌سازی ایران به منزله شکست آمریکا و نفی آن به‌معنای شکست ایران تلقی می‌شود و در نتیجه، هر دو طرف در موقعیتی سخت قرار می‌گیرند. اما اگر طیفی از موضوعات هسته‌ای و غیرهسته‌ای با هدف یافتن راه حل مرضی‌الطرفین در دستور کار باشد، امکان تهاتر امتیازات فراهم می‌شود و نتیجه نهایی می‌تواند به‌عنوان یک بده بستان و تفاهم سیاسی تعبیر شود، نه اینکه بنا بر پیروزی مطلق یک طرف و شکست مطلق طرف دیگر باشد.

تفاوت مهم این دور با مذاکرات پیشین آن است که در حال حاضر، غنی‌سازی عملاً متوقف شده و آقای عراقچی نیز پیش از این بارها به موضوع تأسیسات آسیب دیده ایران و توقف عملیات غنی‌سازی اشاره کرده است. لذا موضوع اصلی اکنون بر سر «حق غنی‌سازی» است، نه خود فرآیند غنی‌سازی و اگر قرار باشد توافقی شکل بگیرد و متنی تنظیم شود، نوع فرمول‌بندی و جمله‌بندی آن اهمیت اساسی دارد. مسائلی مانند تعلیق موقت غنی‌سازی، مدت زمان تعلیق و نوع بیان آن در متن توافق، همگی در همین چهارچوب قابل ارزیابی‌اند. اگر آمریکا بر توقف قطعی اصرار نداشته باشد و موضوع در قالب تعلیق یا فرمول‌های حقوقی منعطف مطرح شود، امکان دستیابی به تفاهم افزایش می‌یابد.

قبلاً برخی مقامات منطقه‌ای از مذاکره مورد به مورد با ایران صحبت کرده بودند توضیح شما نیز مؤید این مطلب است که خطوط قرمز ایران مثل بحث توانمندی دفاعی کشور جایی در مذاکرات نخواهد داشت؟

در مورد سایر موضوعات، تصور نمی‌کنم شخص ترامپ حساسیت ویژه‌ای داشته باشد. او تاکنون به‌طور مشخص به برنامه موشکی کوتاه‌برد و میان‌برد ایران یا به مسائل منطقه‌ای و گروه‌های مقاومت اشاره نکرده است. یعنی علاوه بر اینکه این موضوع خط قرمز ایران است، مقامات دیگر آمریکایی نیز جز در یک مورد، چنین موضوعاتی را به‌صورت علنی مطرح نکرده‌اند. تنها استثنا، اظهارات ویتکاف در ۱۶ ژانویه بود که به چهار محور شامل غنی‌سازی، ذخایر مواد غنی‌شده، برنامه موشکی و گروه‌های منطقه‌ای اشاره کرد. خط قرمز منطقی و قابل دفاع در ارتباط با محتوای توافق نهایی است معنی دارد، نه تبادل نظر در جریان مذاکره. به اعتقاد من، ایران حق دارد و باید در خصوص برنامه موشکی کوتاه‌برد و میان‌برد خود خط قرمز داشته باشد و نباید از این برنامه در چهارچوب توافق کوتاه بیاید؛ چراکه در غیاب یک نیروی هوایی مدرن، برنامه موشکی برای بازدارندگی در برابر تهدیدهای منطقه‌ای ضرورت تام دارد. از این رو، ایران می‌تواند به‌روشنی اعلام کند که در هیچ توافقی، از برنامه موشکی خود کوتاه نخواهد آمد. اما دلیلی ندارد که نخواهد این موضوع را برای طرف‌های مقابل توضیح دهد. نکته مهم اینکه بعید می‌دانم در شرایط کنونی و با توجه به تحولات دو سه سال اخیر، آمریکا حساسیت زیادی در مورد سیاست‌های منطقه‌ای ایران داشته باشد.

و در نهایت اینکه با درنظرگرفتن عنصر زمان و شرایط برای طرفین شانس موفقیت مذاکرات به چه عواملی مشروط شده است؟

به نظر من، این بار ترامپ برخلاف دوره قبل عجله چندانی ندارد، زیرا پیش‌فرض او این است که سایت‌های هسته‌ای ایران آسیب دیده و در حال حاضر فعال نیستند. هرچند ذات شخصیتی ترامپ با صبر و حوصله چندان سازگار نیست. اینکه مذاکرات با چه چهارچوب و ترتیبی آغاز شود و تفاهمات مقدماتی چگونه شکل بگیرد، در تعیین سرعت و مسیر گفت‌وگوها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اگر به موضوعات به‌صورت مرحله‌ای، آن طور که ترکیه پیشنهاد می‌کند، پرداخته شود، ممکن است زمان‌بندی کوتاه‌تری برای هر یک از موضوعات مطرح باشد و اساساً بعد از نتیجه گرفتن در مورد موضوع هسته‌ای، بقیه موضوعات در عمل مسکوت بماند. اما در صورت طرح همزمان چند پرونده، مذاکرات طبیعتاً زمان‌برتر خواهد شد. اگر مذاکرات مانند دوره قبل، به‌صورت غیرمستقیم و با تمرکز صرف بر موضوع غنی‌سازی از سر گرفته شود، ممکن است نیل به پیشرفت چشمگیری دشوار باشد. ترامپ معمولاً برای نمایندگان خود دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه‌ای تعیین می‌کند و با توجه به روحیات شخصی‌اش، فضای مانور چندانی برای آنها باقی نمی‌گذارد. او سیاست خارجی آمریکا را به‌شدت شخصی‌سازی کرده و تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً به‌صورت مستقیم و لحظه‌ای توسط خود او انجام می‌شود؛ به همین دلیل نیز رهبران جهان ترجیح می‌دهند مستقیماً با ترامپ وارد گفت‌وگو شوند. تجربه دوره قبل نشان داد که در غیاب یک چهارچوب روشن و انعطاف‌پذیر، مذاکرات در عمل به انتقال پیام‌ها از طریق واسطه‌ها محدود شد و با تغییر مداوم مواضع ترامپ، امکان دستیابی به پیشرفت واقعی از بین رفت. اگر قرار است این بار مسأله به‌طور جدی حل‌وفصل شود، ضروری است تحولی در شیوه مذاکره و نحوه مدیریت گفت‌وگوها ایجاد شود.

نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دومرحله‌ای

مناقصه شماره PIDIDC-1404/362

شرکت پتروشیمی ارغوان گسترایلام (سهامی عام) در نظر دارد به منظور تأمین مواد شیمیایی مورد نیاز مجتمع خود به شرح زیر نسبت به برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای و عقد قرارداد با یک شرکت واجد شرایط اقدام نماید.

۱. موضوع مناقصه: خرید Anti Oxidant B215 و Anti Oxidant B225
۲. مدت اجرای موضوع مناقصه: ۳ ماه
۳. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۴. انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۴-۲) واریز به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۵. مهلت و نحوه دریافت اسناد مناقصه:
مهلت دریافت اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸.
متقاضیان واجد شرایط برای دریافت اسناد مناقصه، مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال را به حساب شماره IR۷۹۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۳۰۶۸۲۵۷۷۱ واریز کرده و رسید پرداخت را به ایمیل agipc.comm@pididc.com ارسال نمایند. اسناد مناقصه پس از دریافت رسید، به‌صورت الکترونیکی به ایمیل متقاضیان ارسال خواهد شد.
۶. محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی:
تهران، ضلع غربی میدان شیخ بهایی، برج رایان ونک، واحد ۵۰۱- واحد کمیسیون معاملات- تا ساعت ۱۵- مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸.
تذکر ۱- به پیشنهادهایی که فاقد سپرده با امضاء مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر ۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
این آگهی در پرتال الکترونیکی پتروشیمی ارغوان گستر ایلام به آدرس WWW.PIDIDC.COM در قسمت مناقصات/ مزایدات قابل رؤیت می‌باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۸۶۰۹۲۸۶۲ داخلی ۲۰۶ تماس حاصل فرمایید.

نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دومرحله‌ای

مناقصه شماره PIDIDC-1404/360

شرکت پتروشیمی ارغوان گسترایلام (سهامی عام) در نظر دارد به منظور تأمین Nitrogen Tank مورد نیاز مجتمع خود نسبت به برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای و عقد قرارداد با یک شرکت واجد شرایط اقدام نماید.

۱. موضوع مناقصه: خرید Nitrogen Tank
۲. مدت اجرای موضوع مناقصه: ۴ ماه شمسی
۳. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۷،۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۴. انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۴-۲) واریز به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۵. مهلت و نحوه دریافت اسناد مناقصه:
مهلت دریافت اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸.
متقاضیان واجد شرایط برای دریافت اسناد مناقصه، مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال را به حساب شماره IR۷۹۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۳۰۶۸۲۵۷۷۱ واریز کرده و رسید پرداخت را به ایمیل agipc.comm@pididc.com ارسال نمایند. اسناد مناقصه پس از دریافت رسید، به‌صورت الکترونیکی به ایمیل متقاضیان ارسال خواهد شد.
۶. محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی:
تهران، ضلع غربی میدان شیخ بهایی، برج رایان ونک، واحد ۵۰۱- واحد کمیسیون معاملات - تا ساعت ۱۵- مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸.
تذکر ۱- به پیشنهادهایی که فاقد سپرده با امضاء مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر ۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
این آگهی در پرتال الکترونیکی پتروشیمی ارغوان گستر ایلام به آدرس WWW.PIDIDC.COM در قسمت مناقصات/ مزایدات قابل رؤیت می‌باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۸۶۰۹۲۸۶۲ داخلی ۲۰۶ تماس حاصل فرمایید.

نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دومرحله‌ای

مناقصه شماره PIDIDC-1404/361

شرکت پتروشیمی ارغوان گسترایلام (سهامی عام) در نظر دارد به‌منظور تأمین DONOR-C مورد نیاز مجتمع خود نسبت به برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای و عقد قرارداد با یک شرکت واجد شرایط اقدام نماید.

۱. موضوع مناقصه: خرید DONOR-C
۲. مدت اجرای موضوع مناقصه: ۳ ماه
۳. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۴. انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۴-۲) واریز به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۵. مهلت و نحوه دریافت اسناد مناقصه:
مهلت دریافت اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸.
متقاضیان واجد شرایط برای دریافت اسناد مناقصه، مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال را به حساب شماره IR۷۹۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۳۰۶۸۲۵۷۷۱ واریز کرده و رسید پرداخت را به ایمیل agipc.comm@pididc.com ارسال نمایند. اسناد مناقصه پس از دریافت رسید، به‌صورت الکترونیکی به ایمیل متقاضیان ارسال خواهد شد.
۶. محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی:
تهران، ضلع غربی میدان شیخ بهایی، برج رایان ونک، واحد ۵۰۱- واحد کمیسیون معاملات - تا ساعت ۱۵- مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸.
تذکر ۱- به پیشنهادهایی که فاقد سپرده با امضاء مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر ۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
این آگهی در پرتال الکترونیکی پتروشیمی ارغوان گستر ایلام به آدرس WWW.PIDIDC.COM در قسمت مناقصات/ مزایدات قابل رؤیت می‌باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۸۶۰۹۲۸۶۲ داخلی ۲۰۶ تماس حاصل فرمایید.

آگهی مزایده عمومی

IMPASCO
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران

شماره ۱۴۰۴/۱۱-۱۴۹ ت

نوبت اول

شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در نظر دارد مزایده عمومی با موضوع " فروش ۵۰ هزار تن باطله‌های دانه بندی شده (حاصل از فرآوری ماده معدنی) معدن سنگ آهن اسکارن صاحب سقز واقع در استان کردستان " را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به‌شماره ثبت ستاد ۱۰۰۴۰۰۱۰۲۸۰۰۰۰۲۰ و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده و با تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۸۷۵،۰۰۰،۰۰۰ (هشتصد و هفتاد و پنج میلیون ریال)(واریز نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی) برگزار نماید.

تاریخ انتشار مزایده در سامانه ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ و **مهلت زمانی دریافت اسناد مزایده** از سایت تا ساعت ۱۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ و **مهلت زمان ارائه پیشنهادات** حداکثر تا ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ می‌باشد.

علاقه‌مندان شرکت در مزایده می‌بایست جهت دریافت اسناد و همچنین جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی با شماره ۱۴۵۶ تماس حاصل نمایند و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
ضمنا جلسه بازگشایی پاکت‌های مزایده صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰ برگزار می‌گردد.

نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی

GT-1404-030

شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس (سهامی خاص)

موضوع مناقصه: خرید قطعات موتوری NIGATA 6L26HLX
نام مناقصه‌گزار: شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس
میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (هفتصد میلیون ریال) به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به‌نام (شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس) یا به‌صورت فیش نقدی واریزی به‌حساب سپرده به‌شماره ۰۲۱۲۶۷۱۳۹۹۰۰۶ نزد بانک صادرات شعبه ممتاز میرداماد کد شعبه ۴۳۳۹ تهیه و تسلیم نمایند.
مدت اجرای پروژه: زمان ارائه شده توسط فروشنده
محل پروژه: بندر شهید رجایی
مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد و نشانی مناقصه‌گزار: واجدین شرایط می‌توانند به‌صورت غیر حضوری با ثبت‌نام در پایگاه اطلاع‌رسانی جامع معاملات شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس، اسناد را دریافت نمایند.
نحوه تحویل اسناد مناقصه: مناقصه‌گران پس از دریافت اسناد مناقصه، حداکثر براساس جدول زمانی ذیل اسناد مربوطه را تکمیل و در پاکت در بسته و مهر و موم شده، به نشانی مناقصه‌گزار به‌صورت فیزیکی تحویل و رسید دریافت دارند.
شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس (مناقصه‌گزار) در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.
هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

جدول زمانی انجام مناقصه

شروع توزیع اوراق مناقصه	از ساعت: ۰۸:۰۰ صبح روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴
پایان توزیع اوراق مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه	راس ساعت: ۱۷:۰۰ بعدازظهر روز: چهارشنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی

GT-1404-032

شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس (سهامی خاص)

موضوع مناقصه: خرید قطعات موتوری NIGATA 6L22HLX
نام مناقصه‌گزار: شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس
میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (هفتصد میلیون ریال) به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به‌نام (شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس) یا به‌صورت فیش نقدی واریزی به‌حساب سپرده به‌شماره ۰۲۱۲۶۷۱۳۹۹۰۰۶ نزد بانک صادرات شعبه ممتاز میرداماد کد شعبه ۴۳۳۹ تهیه و تسلیم نمایند.
مدت اجرای پروژه: زمان ارائه شده توسط فروشنده
محل پروژه: بندر شهید رجایی
مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد و نشانی مناقصه‌گزار: واجدین شرایط می‌توانند به‌صورت غیر حضوری با ثبت‌نام در پایگاه اطلاع‌رسانی جامع معاملات شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس، اسناد را دریافت نمایند.
نحوه تحویل اسناد مناقصه:
مناقصه‌گران پس از دریافت اسناد مناقصه، حداکثر براساس جدول زمانی ذیل اسناد مربوطه را تکمیل و در پاکت در بسته و مهر و موم شده، به نشانی مناقصه‌گزار به‌صورت فیزیکی تحویل و رسید دریافت دارند.
شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس (مناقصه‌گزار) در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.
هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

جدول زمانی انجام مناقصه

شروع توزیع اوراق مناقصه	از ساعت: ۰۸:۰۰ صبح روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴
پایان توزیع اوراق مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه	راس ساعت: ۱۷:۰۰ بعدازظهر روز: چهارشنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی

GT-1404-033

شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس (سهامی خاص)

موضوع مناقصه: خرید قطعات موتوری CAT C32
نام مناقصه‌گزار: شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس
میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (هفتصد میلیون ریال) به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به نام (شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس) یا به‌صورت فیش نقدی واریزی به حساب سپرده به شماره ۰۲۱۲۶۷۱۳۹۹۰۰۶ نزد بانک صادرات شعبه ممتاز میرداماد کد شعبه ۴۳۳۹ تهیه و تسلیم نمایند.
مدت اجرای پروژه: زمان ارائه شده توسط فروشنده
محل پروژه: بندر شهید رجایی
مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد و نشانی مناقصه‌گزار: واجدین شرایط می‌توانند به‌صورت غیر حضوری با ثبت‌نام در پایگاه اطلاع‌رسانی جامع معاملات شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس، اسناد را دریافت نمایند.
نحوه تحویل اسناد مناقصه: مناقصه‌گران پس از دریافت اسناد مناقصه، حداکثر براساس جدول زمانی ذیل اسناد مربوطه را تکمیل و در پاکت در بسته و مهر و موم شده، به نشانی مناقصه‌گزار به‌صورت فیزیکی تحویل و رسید دریافت دارند.
شرکت خدمات دریایی هدایت کشتی خلیج‌فارس (مناقصه‌گزار) در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.
هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

جدول زمانی انجام مناقصه

شروع توزیع اوراق مناقصه	از ساعت: ۰۸:۰۰ صبح روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴
پایان توزیع اوراق مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا ساعت: ۱۶:۰۰ بعد از ظهر روز: سه‌شنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه	راس ساعت: ۱۷:۰۰ بعدازظهر روز: چهارشنبه	مورخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

شبکه الجزیره به بهانه تحولات اخیر در تحلیلی به ناکامی تحقق پیش بینی‌های چند دهه ای غرب برای فروپاشی جمهوری اسلامی پرداخت

واقعیت ایران؛ تاب آوری است نه زوال

تحلیل

سامی العریان
مدیر مرکز مطالعات اسلامی و جهانی دانشگاه صباح الدین در ترکیه

بیش از نیم قرن است که نوشته‌های استراتژیک غربی پیوسته یک شکل ادبی خاص را ایجاد کرده‌اند: نوشتن آگهی‌های ترحیم پیش از وقوع واقعی مرگ. از ایران و گواتمالا در دهه ۱۹۵۰ تا شیلی در سال ۱۹۷۳ و سپس عراق در سال ۲۰۰۳، زبان به ندرت تغییر می‌کند: «حکومت در حال پوسیدن است»، «نخبگان در حال تجزیه هستند»، «فروپاشی به تدریج در حال وقوع است و سپس ناگهان سقوط خواهد کرد.» این روایت‌ها فرض می‌کنند که تاریخ در کنار کسانی است که مرگ آن را پیش‌بینی می‌کنند.

مقاله افشون استوار، استاد دانشکده تحصیلات تکمیلی نیروی دریایی ایالات متحده که در ژانویه ۲۰۲۶ در نشریه فارن افرز منتشر شد، در مورد چگونگی فروپاشی حکومت ایران، به وضوح به این سنت تعلق دارد.

اگرچه این اثر به عنوان یک تحلیل بی‌طرفانه ارائه شده، اما اساساً متنی سیاسی است و در زمره مجموعه‌ای طولانی از نوشته‌ها قرار می‌گیرد که هدف‌شان درک جوامع غیرغربی در تضاد با غرب، به‌ویژه ایالات متحده نیست، بلکه در پی فراهم کردن زمینه اخلاقی برای عاری کردن آنها از انسانیت‌شان، به منظور آماده‌سازی برای برچیدن آنهاست.

این متون نه تنها روابط قدرت را توضیح می‌دهند، بلکه استفاده از آنها را علیه طرف‌های ضعیف‌تر نیز مجاز می‌دانند. آنها تحریم‌ها، بی‌ثبات‌سازی، کودتاها و جنگ‌ها را مشروعیت می‌بخشند.

فروپاشی به عنوان یک تکنیک سیاسی

پیش‌بینی فروپاشی رژیم‌ها یک پیش‌بینی بی‌طرفانه نیست، بلکه ابزاری برای کنترل است. این پیش‌بینی، دولت‌ها را قبل از هرگونه اقدامی، نامشروع جلوه می‌دهد، دولت‌ها را یاغی، قانون‌شکن یا تروریست معرفی می‌کند، به مردم داخلی اطمینان می‌دهد که فشار مؤثر است و اقدامات قهری - مانند خفقان اقتصادی، عملیات مخفیانه، حملات نظامی و تغییر رژیم - را به عنوان پاسخ‌های مشروع به یک سیستمِ ظاهراً در حال مرگ، عادی جلوه می‌دهد.

این الگو قدیمی است. در سال ۱۹۵۳ کرمیت روزولت، افسر سیا، دولت محمد مصدق در ایران را در آستانه فروپاشی ظرف چند روز توصیف کرد، پیش از آنکه عملیات آژاکس را ترتیب دهد که منجر به سرنگونی نخست‌وزیر منتخب دموکراتیک و بازگرداندن شاه به قدرت شد.

در سال ۱۹۷۰ هنری کیسینجر ماه‌ها قبل از تصویب طرح بی‌ثبات‌سازی، نسبت به «پوسیدگی» حکومت سالوادور آلنده در شیلی هشدار داد و راه را برای کودتای نظامی هموار کرد.

در سال ۲۰۰۲، نخبگان سیاسی و اطلاعاتی آمریکا ماه‌ها پیش از حمله به عراق با عملیات نظامی مبتنی بر مفهوم «شوک و بهت»، فروپاشی قریب‌الوقوع رژیم صدام را پیش‌بینی کردند. در سال ۲۰۱۱، تحلیلگران غربی هفته‌ها پیش از آنکه ناتو بمباران لیبی را برای سرنگونی حکومت آغاز کند، رهبری این کشور را اهریمنی جلوه دادند.

روایت‌های فروپاشی، تاریخ را پیش‌بینی نمی‌کنند، بلکه مقدم بر مداخله هستند. آنچه مقاله استوار را به طور خاص افشا می‌کند، انتقاد او از رهبری ایران نیست، بلکه تقریباً حذف کامل مسئولیت غرب در قبال واقعیت ایران است.

در این روایت‌ها، بحران ایران به عنوان یک فرآیند خودویرانگر ناشی از فساد، سرکوب، تضاد نسلی و فرسودگی ایدئولوژیک ارائه می‌شود. با این حال، تحریم‌ها فقط به صورت گذرا مورد اشاره قرار می‌گیرند. دهه‌ها تلاش برای بی‌ثبات‌سازی، از جمله جنگ اقتصادی، ترورهای سیاسی، تلاش برای فروپاشی دولت بر اساس خطوط قومی، حملات سایبری، عملیات مخفی، انزوای دیپلماتیک و سیاست‌های تغییر رژیم آشکار، نادیده گرفته می‌شوند. این یک سهل‌انگاری تصادفی نیست؛ بلکه یک طراحی استراتژیک برای سیاست تغییر رژیم با کمترین هزینه است.

محاصره اقتصادی به طور مداوم مطالبات اجتماعی را به ابزارهای استراتژیک خارجی برای دستکاری و فشار سیاسی تبدیل کرده است، نه به مسیرهای اصلاحات واقعی.

ساختار محاصره و فشار ایران

از سال ۱۹۷۹ ایالات متحده اهداف آشکار تغییر رژیم در ایران را دنبال کرده است. در دهه ۱۹۸۰ واشنگتن از حمله صدام حسین به ایران حمایت کرد و حتی زمانی که رژیم از سلاح‌های شیمیایی علیه مخالفان خود استفاده می‌کرد، پوشش اطلاعاتی و سیاسی در اختیار او قرار داد.

در سال ۱۹۸۸ نیروی دریایی ایالات متحده پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر را سرنگون کرد و ۲۹۰ غیرنظامی را کشت. در سال ۱۹۹۶ کنگره تحریم‌هایی علیه ایران و لیبی تصویب کرد که انزوای اقتصادی ایران را تشدید کرد و همزمان تنش‌های قومی و تمایلات جدایی‌طلبانه‌ای را که لفاظی‌های غربی پیوسته تشویق می‌کرد، دامن زد.

در سال ۲۰۰۶ واشنگتن جنگ مالی چندجانبه خود را تشدید کرد و ایران را از سیستم‌های بانکی جهانی قطع کرد. از سال ۲۰۰۹، سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده و اسرائیل با استفاده از ویروس استاکس‌نت عملیات خرابکاری سایبری انجام داده و به تأسیسات نطنز و سایر سایت‌های هسته‌ای آسیب رسانده‌اند. در همین دوره، چندین دانشمند هسته‌ای ایران در سراسر کشور ترور شدند.

در سال ۲۰۱۸ دولت ترامپ با وجود پایبندی مستند ایران به توافق هسته‌ای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) از این توافق خارج شد و تحریم‌های «فشار حداکثری» را اعمال کرد. بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، ایران صدها میلیارد دلار درآمد نفتی و دسترسی به بازارهای جهانی را از دست داد. در ژانویه ۲۰۲۰، ایالات متحده ژنرال قاسم سلیمانی، معمار استراتژی بازدارندگی منطقه‌ای ایران را در بغداد ترور کرد.

کشورهای کمی در تاریخ مدرن در برابر فشارهای مشابه بدون فروپاشی مقاومت کرده‌اند. انسجام سیاسی مداوم ایران در سال ۲۰۲۶ گواهی بر زوال نیست، بلکه نشان‌دهنده تاب‌آوری برای برچیدن آنهاست.

فلسطین به عنوان یک مرکز استراتژیک

مقاله استوار این سؤال را مطرح نمی‌کند که چرا برخی از نزدیک‌ترین متحدان منطقه‌ای واشنگتن، مانند برخی رژیم‌های منطقه‌ای که ده‌ها هزار زندانی سیاسی دارند، مشمول ادبیات «فروپاشی رژیم» نمی‌شوند. همچنین به برخی دیگر از متحدان منطقه‌ای خود که در آنها مخالفت سیاسی جرم تلقی می‌شود و احزاب مخالف ممنوع هستند، نمی‌پردازد. این کشورها از نظر غرب کاندیدای تغییر رژیم نیستند، زیرا عامل تعیین‌کننده در این موارد سرکوب یا فساد نیست، بلکه موضع‌گیری در مورد مسأله فلسطین است.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ ایران تنها قدرت بزرگ منطقه‌ای بوده که مقاومت فلسطین را در مرکز استراتژی منطقه‌ای خود قرار داده است. پس از حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، ایران به تشکیل حزب‌الله کمک کرد که اسرائیل را مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان در ماه مه ۲۰۰۰ کرد.

در سال ۲۰۰۶، حزب‌الله در جنگی ۳۳ روزه اسرائیل را شکست داد و افسانه برتری نظامی اسرائیل را درهم شکست. از اوایل دهه ۱۹۹۰، ایران پس از آنکه پیمان اسلو مقاومت مسلحانه را به حاشیه راند، از حماس و جهاد اسلامی حمایت کرده است. پس از پیروزی حماس در انتخابات ۲۰۰۶، ایران به غزه کمک کرد تا در برابر محاصره همه‌جانبه اسرائیل که در سال ۲۰۰۷ اعمال شد، مقاومت کند.

از سال ۲۰۱۲، فناوری موشکی ایران برای اولین بار از غزه به شهرهای اسرائیل رسیده است. پس از حمله اکتبر ۲۰۱۳ حماس که با جنگ ویرانگر اسرائیل علیه غزه مواجه شد، ایران از طریق حزب‌الله در لبنان، انصارالله در یمن و گروه‌های مسلح در عراق، موضع بازدارندگی منطقه‌ای خود را تقویت کرد. ایران به دلیل آنچه سرکوبگری خوانده می‌شود، هدف قرار نمی‌گیرد، بلکه به این دلیل هدف قرار می‌گیرد که مانع از هژمونی منطقه‌ای اسرائیل می‌شود و به حاشیه راندن مداوم آرمان فلسطین را رد می‌کند.

تحلیلگران غربی بارها فروپاشی ایران را در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۹، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲ پیش‌بینی کردند. هر بار، آنها فروپاشی را «قریب‌الوقوع» می‌دانستند و هر بار دولت در برابر این هجوم مقاومت کرد و حکومت سقوط نکرد.

غزه و فروپاشی اقتدار اخلاقی

جنگ اسرائیل علیه غزه، ساختار نظم منطقه‌ای را با وضوح بی‌سابقه‌ای آشکار کرده است. بین اکتبر ۲۰۲۳ و ژانویه ۲۰۲۶، کمترین تخمین‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ هزار فلسطینی کشته و بیش از ۱۷۰ هزار نفر زخمی شده‌اند.

تمام محله‌های غزه، خان یونس و رفح ویران شدند. بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مساجد، کلیساها، اردوگاه‌های پناهندگان، بازارها و زیرساخت‌های غیرنظامی به طور سیستماتیک هدف قرار گرفتند.

در ژانویه ۲۰۲۴، دیوان بین‌المللی دادگستری حکم داد که رفتار اسرائیل احتمالاً کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی را نقض کرده است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد بارها خواستار آتش‌بس شد، اما ایالات متحده بارها قطعنامه‌ها را وتو کرد و آلمان نیز کمک‌های مالی به آنروا را به حالت تعلیق درآورد.

هم ایالات متحده و هم بریتانیا به صادرات سلاح ادامه دادند. رژیم‌های عربی روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کردند، در حالی که در مواجهه با غزه فلج و ناتوان باقی ماندند. هیچ سخنرانی در این دوره خواستار تغییر رژیم در تل‌آویو نشد؛ در عوض، از تهران خواست که خویشتنداری کند. این گفتمان، کشتار جمعی را زمانی که عامل آن متحد باشد تحمل می‌کند، در حالی که مقاومت را به هر شکلی محکوم می‌کند. غزه یک استثنای بشردوستانه نیست؛ این اصل سازماندهی یک نظم ناعادلانه بین‌المللی است که ماهیت واقعی آن آشکار شده است.

سابقه‌ای از پیش‌بینی‌های شکست‌خورده

استوار اصرار دارد که ایران صرفاً از طریق سرکوب حکومت می‌کند و مشروعیت خود را از دست داده است. با این کار، او جامعه‌شناسی کشورهای انقلابی را نادیده می‌گیرد. ایران از دل یک انقلاب مردمی گسترده در سال ۱۹۷۹ ظهور کرد که سلطنت تحمیل شده توسط کودتای تحت حمایت سیا در سال ۱۹۵۳ را سرنگون کرد. همچنین درگیر یک جنگ هشت ساله وحشیانه با عراق شد که جان بیش از نیم میلیون ایرانی را گرفت. بنابراین، نهادهای آن به طور خاص برای جلوگیری از کودتاهای نظامی و مداخله خارجی طراحی شده‌اند.

این نهادها نمی‌توانند بر اساس ادعاهای ظلم و ستم بنا شوند، بلکه بر اساس حافظه تاریخی از تهاجم، هدف قرار دادن مستقیم، تلاش برای تحقیر و خیانت و همچنین توانایی استقامت بنا شده‌اند. فشار خارجی، انسجام داخلی را بیش از آنکه تضعیف کند، تقویت می‌کند. میهن‌پرستی ملی و عزم راسخ برای حفظ استقلال و حاکمیت، همواره بر تلاش‌ها برای دستکاری و دخالت خارجی غلبه می‌کند. خطای تحلیلی اساسی افشون استوار در این فرض او نهفته است که تکه‌تکه شدن نخبگان به طور خودکار مقدم بر فروپاشی در کشورهای محاصره شده و هدف قرار گرفته است. با این حال، تاریخ خلاف این را نشان می‌دهد. تحت فشار خارجی مداوم، نخبگان تمایل به تحکیم خود دارند. برای بازیگران داخلی، فروپاشی فرصتی برای آزادی نیست، بلکه یک تهدید وجودی است.

نهادهای حکومتی ایران به عنوان ترتیبات تابع دولت مرکزی ساخته نشده‌اند، بلکه به عنوان سیستم‌های دفاعی ساخته شده‌اند که از طریق انقلاب، جنگ و درگیری با تهدیدات وجودی شکل گرفته‌اند. عدم وجود تکه‌تکه شدن ظاهری مقدمه‌ای برای فروپاشی نیست؛ بلکه گواهی بر نقص خود مدل تحلیلی غربی است.

آرشیو مداخله و بلایا

استوار مداخله آمریکا را به عنوان مسیری ممکن برای تحقق آرمان‌های دموکراتیک خیالی غرب ارائه می‌دهد. اما سابقه روشن است: عراق پس از سال ۲۰۰۳ درگیر جنگ فرقه‌ای شد، لیبی پس از سال ۲۰۱۱ برای همیشه تکه‌تکه شد و افغانستان پس از ۲۰ سال اشغال، به حکومت طالبان بازگشت.

اینها موارد نادری نبودند؛ بلکه نتایج مورد انتظار دکترینی بودند که تخریب و برچیدن دیگری را به نفع یک تحول مصنوعی لیبرال غربی خارج از محیط پرورش آن، با هم ترکیب می‌کند.

جنگ با ایران، خلیج فارس را به آتش خواهد کشید، بازارهای جهانی انرژی را بی‌ثبات خواهد کرد و اقتدارگرایی را در منطقه تثبیت خواهد کرد، در حالی که همان روایتی را که حکومت ایران بر آن بنا شده است، تقویت خواهد کرد.

رویکرد فعلی آمریکا و اسرائیل در قبال ایران به طور خودجوش از آشفتگی داخلی ناشی نشده است، بلکه یک استراتژی آگاهانه بود که در اواخر سال ۲۰۱۵، زمانی که بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در اقامتگاهش در فلوریدا دیدار کرد، تدوین شد. طبق روایت‌های متعدد منطقه‌ای و غربی، این طرح بر چهار ستون به هم پیوسته استوار است:

اول، تشدید جنگ اقتصادی با هدف فروپاشی پول ملی ایران و سوءاستفاده از تورم و سوء مدیریت اقتصادی برای دامن زدن به ناآرامی‌ها. دوم، نفوذ عناصر آموزش‌دیده در تظاهرات مسالمت‌آمیز مردمی برای تحریک خشونت و سوق دادن نیروهای امنیتی به واکنش‌های افراطی و خشونت‌آمیز. سوم، راه‌اندازی یک کمپین تبلیغاتی هماهنگ برای نشان دادن ایران به عنوان کشوری غیرقابل حکومت و بی ثبات و اینکه فروپاشی اجتناب‌ناپذیر است. چهارم، گزینه مداخله نظامی مستقیم آمریکا و اسرائیل از طریق بمباران هدفمند نخبگان و نیروهای امنیتی در حمایت از یک کارزار بی‌ثبات‌سازی داخلی.

با این حال، این استراتژی قبل از اجرای عنصر چهارم شکست خورد. مقامات ایرانی اینترنت را قطع کردند، هزاران خرابکار را دستگیر کردند و شبکه‌های هماهنگی خارجی را که طبق گزارش‌ها به ده‌ها هزار دستگاه استارلینک متکی بودند، مختل کردند.

> تحلیلگران غربی بارها فروپاشی ایران را در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۹، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲ پیش‌بینی کردند. هر بار، آنها فروپاشی را «قریب‌الوقوع» می‌دانستند و هر بار دولت در برابر این هجوم مقاومت کرد و حکومت سقوط نکرد

> کشورهای کمی در تاریخ مدرن در برابر فشارهای مشابه بدون فروپاشی مقاومت کرده‌اند. انسجام سیاسی مداوم ایران در سال ۲۰۲۶ گواهی بر زوال نیست، بلکه نشان‌دهنده تاب‌آوری نهادهایی است که تحت محاصره و فشار مداوم ساخته و تقویت شده‌اند

تحلیلگران سیاسی و کارشناسان بین‌المللی از جمله جان مرشایمر، اسکات ریتر و آلیستر کروک، اظهار کرده‌اند که نهادهای امنیتی ایران این توطئه را - احتمالاً با کمک روسیه و چین - کشف و قبل از اینکه از آستانه تشدید بحران عبور کند، آن را خنثی کردند. در این زمینه، مقاله استوار بیشتر به یک ساختار روایی نزدیک بود که هدفش عادی‌سازی یک کارزار بمب‌گذاری بود تا یک تحلیل.

فرمانبرداری، نه دموکراسی

این مقاله همچنین ادعا می‌کند که دموکراسی در ایران بدون کودتا یا مداخله خارجی غیرممکن است. این موضوع، حد واقعی اصلاحات قابل قبول را آشکار می‌کند: یک ایران دموکراتیک که همچنان در برابر هژمونی اسرائیل مقاومت می‌کند، برای نخبگان حاکم غربی غیرقابل قبول خواهد بود. اطاعت و فرمانبرداری مطلق، نه آزادی یا حکومت دموکراتیک مردمی، استانداردهای غالب در سیستم غربی هستند. به همین دلیل است که رژیم‌های پس از کودتا در کشورهای متحد غرب پاداش می‌گیرند و به همین دلیل است که رژیم‌های منطقه‌ای متحد با هیچ تحریمی روبه‌رو نمی‌شوند. به همین دلیل است که اسرائیل به خاطر جنگ ویرانگر و سرپیچی از قوانین بین‌المللی پاسخگو نیست. مشکل، سرکوب یا فقدان دموکراسی نیست؛ بلکه در خود مفهوم و عمل مقاومت نهفته است.

ایران تغییر خواهد کرد، اما پیشرفت و تغییر واقعی از مردم آن ناشی خواهد شد، نه از تغییر شکل آن توسط ژنرال‌ها، ارتش‌های خارجی یا روایت‌های فروپاشی. تحول از طریق یک فرآیند پیچیده مذاکره داخلی بین جامعه و دولت، بین مفاهیم اصلاحات، حاکمیت و استقلال ملی، و نه از طریق متون امپریالیستی آماده و تحمیل شده از خارج، حاصل خواهد شد.

وسواس پیش‌بینی فروپاشی ایران، بیشتر فرسودگی یک تخیل امپریالیستی و برتری‌جویانه را نشان می‌دهد. امپراطوری‌ها به دلیل فروپاشی دشمنان‌شان سقوط نمی‌کنند، بلکه به این دلیل سقوط می‌کنند که اقتدار اخلاقی خود را از دست می‌دهند.

غزه منادی چنین لحظه‌ای بوده است. با توجیه نسل‌کشی و فروپاشی قوانین بین‌المللی، چهارچوب فکری بین‌المللی که این امر را ممکن ساخت، در مقابل چشمان جهانیان در حال فرسایش است. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، پیش‌بینی‌های غربی در مورد فروپاشی ادامه خواهد داشت؛ و فلسطین همچنان توضیح خواهد داد که چرا.

منبع: Aljazeera

بدون روتوش

محمد محسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

مقصد گردشگری اسرائیلی‌ها کجاست؟

«در کنار مقاصد آشنا، از زمان توافقنامه ابراهیم در سال ۲۰۲۰، ستاره جدیدی به نقشه گردشگری اسرائیل پیوسته است: دوبی. بزرگترین شهر امارات متحده عربی ترکیبی برنده از آب و هوای عالی در فصل سرما، پروازهای مستقیم و فراوانی جاذبه‌های جهانی، خرید و غذاهای لذیذ. سال گذشته ۱/۱ میلیون اسرائیلی به امارات رفتند.»

این بخشی از گزارش کانال ۱۲ حول گردشگری اسرائیلی‌ها در سال ۲۰۲۵ است. قرار گرفتن دوبی با آمار حائز توجه یعنی بیش از یک میلیون سفر، حتماً ذهن‌ها را کنجکاو می‌کند تا به بررسی مقصدها و وضعیت گردشگری اسرائیلی‌ها در سال ۲۰۲۵ بپردازد.

براساس آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار تل آویو، در سال گذشته میلادی ۹/۴ میلیون سفر خروجی در اسرائیل ثبت شده است. آماری که برای یک رژیم متشکل از ۹ میلیون جمعیت بسیار عدد قابل توجهی است. این میزان سفر در سال، با آمار ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نزدیک است و کاهش دو سال اخیر را جبران کرده است.

در یادداشت قبلی ستون بدون روتوش به تفکیک دلیل توریست‌هایی که وارد سرزمین‌های اشغالی می‌شدند، اشاره شد و براساس آمار مشخص شد که نیمی از گردشگرانی که به اسرائیل می‌آیند، برای دیدن فامیل و خانواده‌هایشان هستند و پس از آن گردشگری (تفریح) و تجارت به ترتیب با ۱۲ درصد و ۱۴ درصد بیشترین سهم را داشته‌اند.

این قاعده و محوریت بر «یهودیت» در سفرهای خارجی اسرائیلی‌ها هم برقرار است. در سال ۲۰۲۵، ۴۵ درصد سفرهای خارجی اسرائیلی‌ها برای دیدار با خانواده و آشنایان، ۳۰ درصد برای تفریح و ۱۰ درصد برای تجارت بوده است.

اصلی‌ترین مقصدها یونان در رتبه اول با بیش از ۲/۲ میلیون سفر و سپس قبرس، آمریکا و ایتالیا در رتبه‌های بعدی هر کدام با ۱/۵ تا ۱/۲ میلیون نفر مسافر قرار دارند. امارات با رشد عجیب ۸۰ درصدی در یک سال اخیر با ۱/۱ میلیون نفر به لیست مقصدهای اصلی اضافه شده و توجه‌ها را به خودش جلب کرده است.

گفتنی است بخشی از سفر به آمریکا و قبرس برای طولانی مدت اعم از تحصیل، کار یا سکونت موقت در بحران‌ها (بالاخص قبرس) است و تحلیل در خصوص جمعیت آماری سفرها را سخت می‌کند و باید میان آنها با سفر به امارات، ایتالیا، اسپانیا، لهستان، بلغارستان و... که مقصدهای تفریحی اسرائیلی‌ها هستند، تفکیک کرد.

ابلاغ آگهی

بدین‌وسیله به‌اطلاع **پری چهر صیاد ملاشاهی فرزند احمد** پرستار پیمانی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران می رساند نظر به اینکه رأی قابل پژوهش شماره ۱۴۰۱ به تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر انفصال موقت به مدت یک‌سال صادر گردیده و هیچ‌گونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد. لذا مشارالیها درصورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق می‌توانند به مدیریت منابع انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (نوبت دوم)

آتی ساز

شرکت آتی‌ساز (سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت اجرای کلیه عملیات مربوط به **"آماده‌سازی معابر اراضی شرکت آتی‌ساز واقع در شهرستان شهریار (اراضی فاما بتن)"** براساس فهرست بهای سال ۱۴۰۴ از طریق مناقصه دو مرحله‌ای اقدام نماید. لذا از پیمانکاران و شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد جهت دریافت و تکمیل اسناد به‌شرح ذیل اقدام نمایند:

۱- موضوع: **آماده‌سازی معابر اراضی شرکت آتی‌ساز واقع در شهرستان شهریار (اراضی فاما بتن)**
۲- نوع مناقصه: عمومی دو مرحله‌ای. (مطابق آیین‌نامه معاملات شرکت)
۳- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: تهران- شهرک قدس (غرب)- بلوار خوردین-چهارراه هرمزان شرکت آتی‌ساز و آدرس پروژه: شهریار، فاز یک اندیشه، میدان صیاد شیرازی، اراضی فامابتن.
۴- مدت پیمان: ۱۲ ماه شمسی
۵- نحوه پرداخت: به‌صورت ۶۰٪ تهاتر از سبد املاک آتی‌ساز و ۴۰٪ نقدی و به این قرارداد پیش پرداخت تعلق نمی‌گیرد.
۶- سپرده تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۷۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال (کپی تضمین شرکت در مناقصه روی پاکت اصلی چسبانده شود).
۷- مجوز فعالیت: گواهی‌نامه معتبر، حداقل رتبه ۵ در رشته راه و باند صادره از سازمان برنامه و بودجه کشور
۸- دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از محل دبیر خانه شرکت آتی‌ساز: از ساعت ۰۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ تا ساعت ۱۶:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۱. به‌صورت لوح فشرده.
۹- تحویل پاکت اسناد ارزیابی کیفی و پاکت اسناد مناقصه "پاکت‌های الف، ب و ج" به‌صورت فیزیکی تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ به دبیرخانه شرکت آتی‌ساز در قبال اخذ رسید تحویل شود. (صرفا اسناد خریداری شده)
۱۰- زمان و محل بازگشایی پاکت: ساعت ۰۹:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۵، در سالن اجتماعات شرکت آتی‌ساز.
۱۱- هزینه خرید اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه ستاد ۲۰٫۰۰۰٫۰۰۰ (بیست میلیون ریال) است.
۱۲- شرکت آتی‌ساز در رد یا قبول هر یک و یا تمام پیشنهادها بدون اعلام دلیل مجاز است.
۱۳- پرداخت هر گونه عوارض و مالیات برعهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۴- به پیشنهادهای مشروط و مبهم و پیشنهادهایی که با شرایط مندرج در آگهی اختلاف داشته و یا بعد از مدت مقرر واصل گردد مطلقاً ترتیب اثر نخواهد شد.
۱۵- مناقصه‌گزار مجاز خواهد بود مطابق شرایط قرارداد تا ۲۵ درصد از میزان کار را کاهش و یا افزایش دهد.
۱۶- هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

در صورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۰۹۰۰۳۰ داخلی ۳۰۵ تماس حاصل نمایید.

خبر

رئیس سازمان اورژانس:

سه هزار و ۵۰۳ پایگاه در کشور فعالیت می‌کنند

رئیس سازمان اورژانس کشور اعلام کرد: «برای نوسازی ناوگان، آمبولانس‌های جدید خریداری خواهد شد و پیش‌بینی می‌شود که وضعیت ناوگان آمبولانس‌ها در سال آینده بهبود یابد.» به گزارش ایسنا، دکتر جعفر میعادفر در نشست خبری گفت: «در تلاش هستیم تا در سال جدید، سازمان اورژانس کشور از نظر ناوگانی و پایگاهی به وضعیت بهتری برسد.» او با اعلام اینکه تعداد پایگاه‌های اورژانس به سه هزار و ۵۰۳ پایگاه در سطح کشور رسیده است، توضیح داد: «به جز پایگاه‌های شهری و جاده‌ای، ما سه پایگاه هوایی و دو پایگاه دریایی داریم و تقریباً ۳۰ هزار نیروی انسانی در سراسر کشور فعال هستند.» میعادفر با بیان اینکه ثبت روز اورژانس به عنوان آرزوی نیروهای این سازمان، امسال محقق شد، گفت: «۲۶ شهریور به نام روز سازمان اورژانس در تقویم ثبت شده است.» رئیس سازمان اورژانس کشور با اشاره به اینکه در نیمه دوم سال بیش از ۲۵ میلیون تماس با ۱۱۵ برقرار شد که به انجام ۸ میلیون مأموریت انجامید، گفت: «در این ایام چهار هزار و ۵۱۲ عملیات اورژانس هوایی انجام شد که این مأموریت‌ها گران اما بسیار ارزشمند هستند.» او با این توضیح که سه پایگاه اورژانس هوایی تعطیل شده بود که مجدداً راه‌اندازی شد، گفت: «همچنین بزودی در یکی از محروم‌ترین مناطق کشور در خور و بیابانک در مسیر طبس، اصفهان و یزد پایگاه هوایی راه‌اندازی می‌شود.» میعادفر با بیان اینکه ۹۵ پد نشست و برخواست هوایی راه‌اندازی و سه آشیانه اورژانس هوایی نیز افتتاح شد، گفت: «سه پایگاه نیز بزودی ساخته می‌شود. همچنین امسال طرح خرید مشارکتی آمبولانس توسط چند استانداری ازجمله گیلان، یزد و اصفهان آغاز شد که به‌زودی این آمبولانس‌ها نیز وارد چرخه می‌شوند.» میعادفر گفت: «هر استانداری که آمادگی داشته باشد، می‌تواند با ما تفاهم کند و هزینه‌ها به صورت ۵۰ درصد اورژانس و ۵۰ درصد استانداری تأمین می‌شود.» او با اشاره به اینکه تاپایان سال دیگر بیش از ۲ هزار آمبولانس به ناوگان ما اضافه می‌شود، گفت: «امسال ۶۱ دستگاه تحویل شده و ۱۵۰ دستگاه در حال خرید است و به‌زودی به ناوگان اضافه می‌شود. این خریدها غیر از یک هزار و ۵۰۰ وسیله‌ای هستند که خریداری شده‌اند. همچنین ۵۰۰ دستگاه آمبولانس توسط وزارت بهداشت خریداری شده که ۴۰۰ دستگاه آن وارد و توزیع شده است.» رئیس سازمان اورژانس کشور توضیح داد: «اتفاقات خوبی در لایحه بودجه امسال افتاد و سال آینده هم عدد قابل قبولی خواهیم داشت. تاکنون ۱۰.۵ همت بودجه تأیید شده است که این عدد مجدد قرار است افزایش یابد تا آمبولانس‌های بیشتری تهیه کنیم.»

رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور در گفت‌وگو با «ایران»:

وارد فاز سالمندی شده‌ایم

گزارش خبری

سمیه افشین فر
گروه اجتماعی

کشورمان وارد فاز سالمندی جمعیت شده است. به گفته رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور، ۱۴ درصد جمعیت را سالمندان تشکیل می‌دهند. بر اساس تقسیم‌بندی جمعیت‌شناختی، اگر یک کشور ۷ درصد جمعیت بالای ۶۰ سال داشته باشد، به آن جمعیت جوان می‌گویند. اگر این درصد بین ۷ تا ۱۴ درصد باشد، در حال ورود به سالمندی است. اگر سالمندی ۱۴ تا ۲۱ درصد باشد، آن جامعه سالمند است. اگر درصد سالمندان بین ۲۱ تا ۲۷ درصد باشد، جامعه سالخورده است و اگر بالای ۲۷ درصد بود، به آن جامعه خیلی سالخورده گفته می‌شود. ما در حال حاضر به سالمندی ورود پیدا کرده‌ایم و حدود ۱۴ درصد جمعیت کشور بالای ۶۰ سال است. اما از آن مهم‌تر، در سرعت رشد به سمت سالمندی و شدیداً سالخوردگی جزو حداقل ۵ کشور اول دنیا هستیم؛ یعنی در سال ۱۴۳۰، ۳۱ درصد جمعیت کشور بالای ۶۰ سال خواهند بود. با این اوصاف سالمندان تنها و مجرد یکی از مشکلات حوزه سالمندی خواهد بود.

جمعیت سالمندان تنهای کشورمان در حال افزایش است

دکتر مجید فولادیان رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور با بیان این مطلب به «ایران» می‌گوید: «به لحاظ جمعیتی بیش از ۱۳ تا ۱۴ درصد جمعیت ایران را سالمندان تشکیل می‌دهند. در حال حاضر این وضعیت جمعیت سالمندی ایران است و رسماً وارد فاز سالمندی شده ایم. همچنین با توجه به آمارها سالمندی در ایران به سمت زنانه شدن می‌رود.» افزایش سالمندان مجرد و لزوم سیاست‌گذاری در این حوزه نکته مهم دیگری است که در حوزه سالمندی فولادیان به آن اشاره می‌کند. او با بیان اینکه در توضیح این مسأله باید مواردی را در نظر بگیریم، می‌گوید: «اولاً باید توجه کنیم که چرا این اتفاق در حال وقوع است، یعنی چرا سالمندان تنها در ایران به سرعت در حال افزایش است. جامعه ایران در سال‌های گذشته تحولات بسیار عمیقی را پشت سر گذاشته است، به نظرم مشخص‌ترین تحول این است که الگوی خانواده تغییر پیدا کرده است یعنی از خانواده گسترده پرجمعیت به خانواده هسته‌ای کم جمعیت با زندگی آپارتمانی رسیده‌ایم. خانواده‌هایی که فرزندان مسئولیت مراقبت از والدین را به سختی می‌پذیرند، در زندگی آپارتمانی به خصوص در دهه گذشته نگهداری از سالمندان با مشکلاتی مواجه شده است.»

مهاجرت، عامل افزایش سالمندان تنها

فولادیان موضوع مهاجرت فرزندان را یکی از دلایل دیگر تنهایی سالمندان عنوان می‌کند: «متأسفانه الگوی مهاجرت در ایران بدون بازگشت است یعنی افراد می‌روند که برنگردند، در حالی که الگوی مهاجرت در خیلی از کشورهای دنیا الگوی رفت و برگشت است. متأسفانه این الگو در ایران یک طرفه است و باعث می‌شود سالمندان تنها بمانند. البته منظور از مهاجرت فقط مهاجرت به خارج از کشور نیست ما با مهاجرت داخلی و عزیمت فرزندان از روستاها به شهرها هم مواجه هستیم که آن هم باعث می‌شود سالمندان در روستا تنها بمانند و با سالمند تنها مواجه باشیم و متأسفانه موج سالمندان تنها در روستاها در حال شکل گیری است.» به گفته این متخصص امور سالمندان عامل مهم دیگر کاهش تعداد فرزندان است. در گذشته تعداد فرزندان زیاد عاملی بود که باعث می‌شد نگهداری از والدین سالمند بین همه تقسیم شود، اما امروز بیشتر خانواده‌ها تک فرزند هستند و همه نوع انتظاری هم از این فرزند دارند.

افزایش طلاق در سالمندان

فولادیان با اشاره به بحث افزایش طلاق در میان سالمندان می‌گوید: «طلاق در میان سالمندان و میانسالان هم در حال افزایش است. طلاق در این سنین که افراد فرصت چندانی برای ازدواج ندارند هم به تنهایی سالمندان منجر می‌شود، مشکلات اقتصادی نیز باعث می‌شود تا فرزندان توان مراقبت از سالمندان را نداشته باشند. در حقیقت مشکلات اقتصادی باعث می‌شود که به لحاظ عاطفی ارتباطات کمرنگ شود، دیدارها کوتاه‌تر شده و همه این عوامل بحران ایجاد می‌کند.» او با تأکید بر اینکه از نظر فرهنگی خانه سالمندان در فرهنگ ما مفهومی منفی است، توضیح می‌دهد: «از طرف دیگر در ایران به لحاظ فرهنگی خانه‌های سالمندان و زندگی سالمند خارج از خانواده مفاهیم منفی است. خدمات اجتماعی محله محور هم ضعیف است یعنی اساساً تاکنون در مورد این قضیه کاری نکرده‌ایم که محله‌هایمان الگوهای خدمات اجتماعی باشند. این موضوع باعث می‌شود که سالمند تنها بماند. به جز خانواده، گروه‌های جایگزینی هم برای او طراحی نکرده‌ایم. همه این عوامل ما را با افزایش سالمندان مجرد و تنها مواجه می‌کند.» اما اینکه چرا سالمندان از هم جدا می‌شوند، به گفته فولادیان بحث بسیار مفصلی است و به دلایل طلاق در کشورمان برمی‌گردد. دلایل طلاق در ایران در حال خارج شدن از دلایل سنتی است. اساساً جامعه ایران مخصوصاً در حوزه زنان تحول جدی را از سر گذرانده است بنابراین زن‌ها خواسته‌هایی دارند. این مفهوم که «با لباس سفید بیا و با کفن برو» در حال تغییر است یا از بین رفته است همه این موارد تا سالمندی هم خودش را نشان می‌دهد.

> منظور از گروه‌های جایگزین، خانه سالمندان نیست، منظور خانه‌هایی است که خود سالمندان بتوانند در آنها به شکل اشتراکی زندگی کنند

الگوهای جایگزین برای رفع مشکلات سالمندان تنها

اما برای رفع این مشکل چه راه‌حلی داریم؟ این موضوعی است که فولادیان در پاسخ به آن می‌گوید: «باید در ایران مثل بقیه کشورها عمل کنیم، یعنی اصلاً قرار نیست چرخ را دوباره اختراع کنیم. ما باید همانند همه کشورهای دنیا در حوزه سالمندی کار کنیم. یعنی ببینیم بقیه دنیا چه‌کار کرده‌اند، چه الگوی جایگزینی داشته‌اند، چه بحران‌هایی را گذرانده‌اند و... بیشتر کشورها همین مسیر را رفته‌اند، آنها به سراغ خانواده‌های جایگزین رفته‌اند تا افراد سالمند بتوانند کنار هم زندگی کنند یا مجموعه‌ها و فضاهای اجتماعی برای با هم بودن سالمندان در نظر گرفته‌اند. فضاهای اجتماعی متعددی در شهرها برای سالمندان در کنار بقیه اقشار جامعه وجود دارد و آنها می‌توانند در جامعه حضور و مشارکت داشته باشند. متأسفانه در ایران به طور جدی و نهادمند به سمت این موارد نرفته‌ایم، اما برنامه‌هایی در این زمینه‌ها داریم تا بتوانیم حداقل ادبیات و گفتمان آن را وارد عرصه سالمندی کشور کنیم.» به اعتقاد رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور منظور از گروه‌های جایگزین، خانه سالمندان نیست، منظور خانه‌هایی است که خود سالمندان بتوانند در آنها به شکل اشتراکی زندگی کنند، الگوهای زیادی وجود دارد مثلاً مردان سالمند کنار هم باشند و سالمندان زن هم کنار هم. مسأله اصلی این است که چند سالمند در کنار هم زندگی کنند، خودشان مشکلات هم را حل کنند و بتوانند تنهایی شان را پر کنند، این الگوی اول است. در الگوی دوم سالمندان باید بتوانند به شکل پاره وقت در کنار هم باشند. بنابراین باید پاتوق‌ها و کلوپ‌هایی در فضای اجتماعی شهری برای آنها در نظر داشته باشیم که این افراد بتوانند روزشان را آنجا در کنار هم بگذرانند. این راهکارها باعث کاهش میزان تنهایی سالمندان می‌شود.»

برش

آخرین وضعیت سند ملی سالمندان

سال‌هاست که قرار است سند ملی سالمندان نقشه‌راه سالمندی در کشور باشد، رئیس دبیرخانه شورای سالمندان کشور در مورد آخرین وضعیت این سند به «ایران» می‌گوید: «سند ملی سالمندان در حال بازنویسی است و تا چند وقت دیگر سند جدید آماده می‌شود، اما مشکل اصلی سر جای خود قرار دارد. اساساً، هر مجموعه‌ای اطلاعات را دست خودش گرفته و به عنوان ابزاری برای خودش می‌خواهد آن را در اختیار داشته باشد، یعنی حاضر نیست اطلاعاتش را با بقیه به اشتراک بگذارد. این باعث می‌شود که نتوانیم در کشورمان تعامل و برنامه‌ریزی بین‌بخشی انجام دهیم. کارهای جدی و بزرگی در کشورمان انجام شده و به لحاظ کار عقب نیستیم، اما بسیاری از کارها بدون نتیجه مانده است. وزارت بهداشت، وزارت رفاه و سایر دستگاه‌ها همه کارهای بسیار بزرگی انجام داده‌اند، اما برای مجموعه خودشان. اگر امور انجام شده مجموعه ها در کنار هم قرار می‌گرفتند قطعاً شاهد هم‌افزایی بیشتری بودیم. برای همین است که با مشکل در حوزه سالمندی مواجه هستیم. امیدواریم در جلسات آتی شورای ملی سالمندان بتوانیم مسئولان ذیربط را متقاعد کنیم کنار هم قرار بگیرند و اطلاعات را با هم به اشتراک بگذارند. تا این روند شکل نگیرد، اتفاق جدی در حوزه سیاست‌گذاری سالمندان نخواهد افتاد.»

آگهی ارزیابی کیفی
نوبت دوم
کد فراخوان ۲۰۰۴۰۹۲۰۵۲۰۰۰۰۲۳
شرکت ملی صنایع پتروشیمی
شرکت ملی صنایع پتروشیمی در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار واجد صلاحیت جهت انجام امور مورد نیاز به‌شرح ذیل اقدام نماید. لذا بدینوسیله از کلیه شرکت‌های معتبر مورد تایید سازمان حراست صنعت نفت دارای گواهینامه‌های ذکر شده در این فراخوان جهت شرکت در این فرآیند دعوت به‌عمل می‌آید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا تحویل آنها و اعلام نتایج از طریق درگاه سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) انجام می شود.
۱- مناقصه‌گزار: شرکت ملی صنایع پتروشیمی
۲- آدرس مناقصه‌گزار: تهران- خیابان شیخ بهائی شمالی- پلاک ۱۴۴- ساختمان مرکزی شرکت ملی صنایع پتروشیمی
۳- موضوع: انتخاب پیمانکار خدمات نگهبانی و حراستی پشتیبانی-تخصصی شرکت ملی صنایع پتروشیمی (تهران-عسلویه)
۴- گواهینامه صلاحیت و زمینه تخصصی مورد نیاز: متقاضیان می‌بایست جهت شرکت در مناقصه در لیست شرکت های مورد تایید سازمان حراست صنعت نفت بوده و همچنین هم‌زمان دارای گواهینامه های صلاحیت زیر باشند:
- گواهینامه معتبر در زمینه خدمات حفاظتی و مراقبتی و نگهبانی از مرکز انتظام پلیس پیشگیری فراجا
- گواهینامه معتبراز وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با کد (۴) بدون محدودیت در زمینه نگهبانی و حداقل رتبه ۵
روش انتخاب پیمانکار: انتخاب پیمانکار به روش مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی می‌باشد.
۵- امتیاز ارزیابی کیفی و حداقل امتیاز قابل قبول: کلیه شرکت‌کنندگان در مناقصه پس از ارزیابی کیفی و درصورت کسب حداقل امتیاز لازم، مجاز به شرکت در مراحل بعدی فرآیند مناقصه می‌باشند.
- روش ارزیابی به‌صورت وزنی براساس امتیازات تعیین شده صورت خواهد پذیرفت.
- حداقل امتیاز مورد قبول در ارزیابی کیفی ۶۰ می‌باشد.
۶- تاریخ، مهلت، نشانی و نحوه دریافت اسناد: متقاضیان می توانند از تاریخ انتشارآگهی نوبت اول ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ لغایت ساعت۱۹ تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ صرفاً با مراجعه به درگاه سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی اقدام نمایند.
۷- نحوه‌ی دریافت اسناد:
- دریافت اسناد صرفاً از طریق درگاه ستاد به آدرس www.setadiran.ir امکان‌پذیر بوده و متقاضیان درصورت تمایل می‌توانند به درگاه مزبور مراجعه نمایند.
- درصورت عدم عضویت قبلی، لازم است مراحل ثبت‌نام در سایت یاد شده تا دریافت گواهی امضای الکترونیکی جهت شرکت درفرآیند ارزیابی توسط متقاضی محقق شود. (اطلاعات تماس (۱۴۵۶))
- درصورت نیاز به دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد می توانید با شماره‌های ۰۲۱۸۴۹۹۳۶۲۶ و ۰۲۱۸۴۹۹۲۵۷۵ (دفتر مدیریت حراست مناقصه‌گزار) تماس بگیرید.
- این آگهی در تارنمای شرکت ملی صنایع پتروشیمی به آدرس www.nipc.ir در دسترس و قابل رؤیت می‌باشد.
۸- تاریخ، مهلت و نشانی محل تحویل اسناد: اسناد ارزیابی کیفی می‌بایست تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۹ توسط متقاضیان صرفاً از طریق درگاه ستاد ایران به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری و ارسال گردد.
روابط عمومی شرکت ملی صنایع پتروشیمی
شناسه ۲۱۰۸۸۸۲

تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۸۲۶/۱۴۰۳/۲۶
نوبت دوم
شرکت پالایش گاز سرخون و قشم در نظر دارد کالای موضوع مناقصه با مشخصات زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) WWW.SETADIRAN.IR و برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای تأمین نماید.
موضوع مناقصه: خرید کابل خشک، مربوط به تقاضای شماره ۳۰۲۱۸۰۳۰۶۲
مدت زمان تحویل کالا: حداکثر ۳ ماه شمسی
برآورد مناقصه: چهل و دو میلیارد ریال (۴۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال)
مبلغ تضمین فرآیند ارجاع کار دو میلیارد و یکصد میلیون ریال (۲,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال) می‌باشد که می‌بایست به‌صورت نقدی یا به‌صورت تضمین مطابق ماده ۴ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی باشد. چنانچه تضمین نقدی باشد، رسید بانکی واریز شده به حساب سیبا این شرکت به‌شماره IR79-0100-0040-0101-1906-3787-14 به‌نام تمرکزوجوه سپرده و به‌نام شرکت پالایش گاز سرخون و قشم با شناسه واریز ۲۵۵۶۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ نزد بانک مرکزی واریز و حواله آن همراه با اسناد مناقصه ارسال گردد. لذا از کلیه مناقصه‌گران واجد شرایط دعوت می‌گردد از تاریخ انتشار آگهی و طبق برنامه زمانی جدول ذیل با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی مناقصه‌گران و سایراسناد و مدارک مناقصه اقدام نمایند. پس از تکمیل فرم‌های ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، به‌همراه کلیه مدارک و اسناد خواسته شده در بند «هـ» فراخوان مناقصه که می‌بایست ابتدا توسط صاحبان امضای مجاز، مهر و امضا شوند در موعد مقرر در سامانه ستاد بارگذاری گردد.

ردیف	شرح	
۱	انتشارآگهی وبارگذاری اسناد ارزیابی کیفی مناقصه در سامانه ستاد توسط مناقصه‌گزار	۱۴۰۴/۱۱/۰۵ لغایت ۱۴۰۴/۱۱/۱۱
۲	دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد توسط مناقصه‌گر	---- لغایت ۱۴۰۴/۱۱/۱۹
۳	بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد توسط مناقصه‌گر	---- لغایت ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
۴	ارزیابی کیفی (انجام ارزیابی و اخذ مصوبه)	۱۴۰۴/۱۲/۰۳ لغایت ۱۴۰۴/۱۲/۱۲
۵	بارگذاری اسناد مناقصه و ارسال دعوت‌نامه توسط مناقصه‌گزار	۱۴۰۴/۱۲/۱۳ لغایت ۱۴۰۴/۱۲/۲۱
۶	دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستادتوسط مناقصه‌گر	---- لغایت ۱۴۰۴/۱۲/۲۸
۷	بارگذاری اسناد مناقصه در سامانه ستاد توسط مناقصه‌گرو تحویل اصل تضمین	---- لغایت ۱۴۰۵/۰۱/۲۴
۸	بازگشایی پاکات مناقصه (تضمین و پیشنهاد فنی)	۱۴۰۵/۰۱/۲۵
۹	بازگشایی پیشنهادات مالی	متعاقبا اعلام می‌گردد.

معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه‌گران:
توان مالی: ۲۰ امتیاز | ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت: ۳۰ امتیاز | استانداردهای تولید: ۱۱ امتیاز
حسن سابقه: ۱۵ امتیاز | داشتن تجربه و دانش درزمینه موردنظر: ۲۹ امتیاز | تضمین کیفیت خدمات و محصولات: ۵ امتیاز
حداقل امتیاز کیفی قابل قبول ۶۰ امتیاز می‌باشد.
امضای الکترونیکی کلیه اسناد در تمامی مراحل مناقصه الزامی است.
نام و نشانی مناقصه‌گزار: بندرعباس، کیلومتر ۲۰ جاده میناب، دور برگردان دوم به سمت بندرعباس، بعد از پلیس راه، سمت راست، بلوار شهید حسن ذاکری، شرکت پالایش گاز سرخون و قشم
تلفن‌های تماس جهت برقراری ارتباط: ۴۰ و ۰۷۶-۳۲۱۹۲۲۳۰ و ۰۷۶-۳۲۱۹۲۲۶۰
فراخوان مناقصه در پورتال‌های زیر قابل مشاهده خواهد بود:
WWW.NIGC-SQGC.IR WWW.SHANA.IR WWW.IETS.MPORG.IR WWW.SETADIRAN.IR
روابط عمومی شرکت پالایش گاز سرخون و قشم
شناسه ۲۱۱۰۲۱۶

آگهی مناقصه عمومی
شماره (م/۷۳/۱۴۰۴) نوبت‌دوم
وزارت جهاد کشاورزی
شرکت پشتیبانی امور دام کشور
۱-مناقصه‌گزار: شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۷۷۱۷۳۶ و شماره اقتصادی ۴۱۱۱۱۳۶۷۳۷۷۱ به نشانی: تهران-میدان ونک-خیابان برزیل شرقی-پلاک ۳۳- طبقه همکف- کمیسیون معاملات
۲- موضوع فرآیند ارجاع کار: قرارداد خرید، نصب و راه‌اندازی دیزل ژنراتور ساختمان دفتر مرکزی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد)به‌شماره مناقصه ۲۰۰۴۰۰۱۰۱۴۰۰۰۳۵۱
۳- نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: اصل فیش واریزی وجه نقد به شماره حساب شبا IR ۹۰۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۹۸۰۶۳۷۰۵۶۴ باکدشناسه شماره ۹۳۱۲۰۳۹۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۱ خزانه بانک مرکزی قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران و سایر بانک‌های مجاز یا ضمانت‌نامه بانکی به‌نام مناقصه‌گزار (به‌جز بانک‌های سرمایه و ایران زمین)و یا اوراق مشارکت بی‌نام تضمین شده بانکها و دولت با قابلیت بازخرید قبل از سررسید (موضوع قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت) را ضمن درج تصویر آن در سامانه ستاد، در پاکت الف لاک و مهر شده تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ جداگانه به مناقصه‌گزار تسلیم و رسید دریافت نمایند.
۴-مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (نه میلیارد ریال)
به نام شرکت پشتیبانی اموردام کشور با حداقل ۳ ماه اعتبار از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول
۵- زمان دریافت اسناد، ارائه پیشنهاد و گشایش پیشنهادهای مالی:
۵-۱- مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد: تا ساعت ۱۹روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
۵-۲- مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه ستاد: تا ساعت ۱۹روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹
۵-۳- مهلت تحویل پاکت الف محتوی اصل تضمین: تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹
۵-۴-زمان گشایش پیشنهادها واقع در نشانی مناقصه‌گزار: ساعت ۱۰صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
۶- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۳می باشد.
۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
تاریخ انتشار نوبت اول مناقصه روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۳می باشد.
تاریخ انتشار نوبت دوم مناقصه روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ می‌باشد.
روابط عمومی

در راستای اقتصاد دریا محور و با نقش آفرینی بخش خصوصی

شهر جدید «مکران مرکزی» ساخته می‌شود

گزارش

سهیلا یادگاری
گروه اقتصادی

ساخت شهرهای جدید در سواحل جنوبی، یکی از برنامه‌های اولویت‌دار در راستای سیاست توسعه دریامحور است. از ۲۷ سکونتگاه جدیدی که در سواحل جنوبی ساخته می‌شود ۱۳ سکونتگاه در منطقه ساحلی مکران واقع است. روز گذشته در نوزدهمین جلسه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران با حضور فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، ساخت یکی از این سکونتگاه‌ها با نام شهر جدید مکران مرکزی به تصویب رسید.

تسهیل‌گری برای ساخت

وزیر راه و شهرسازی در نشست شورای عالی معماری و شهرسازی در خصوص احداث شهر جدید ساحلی مکران مرکزی گفت: «همه دستگاه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند و تأکید دارند که احداث این شهر باید انجام شود، در این راستا انتظار می‌رود آنچه کمیته فنی شورای عالی معماری و شهرسازی مصوب کرده به صورت تسهیل‌گرانه تحریر شود.»

وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: «برای اولین بار است که شهر جدیدی ساخته می‌شود که فرآیند ساخت آن با سایر شهرها متفاوت است. در این راستا به بخش خصوصی و کنسرسیومی که شکل گرفته، اعتماد کرده‌ایم و انتظار می‌رود تسهیل‌گری لازم را نیز از سوی دستگاه‌ها داشته باشیم. باید اراضی را از سازمان منابع طبیعی تحویل گرفته و به بخش خصوصی و سرمایه‌گذار واگذار کنیم.»

وی با اشاره به تجربه عسلویه، گفت: «باید آثار سنگین زیست‌محیطی و همچنین به خطر افتادن زندگی و معیشت بومیان را در این شهر جدید به خوبی لحاظ کنیم و پیش از شکل‌گیری اشتغال و سکونت، با انجام مطالعات لازم هر دو مورد را با هم ببینیم.»

توسعه در افق ۲۰ ساله

بر اساس این گزارش، غلامرضا کاظمیان، معاون معماری وزیر راه و شهرسازی نیز در نشست روز گذشته، گفت: «با تصویب امکان سنجی و مکان‌یابی شهر جدید مکران مرکزی، ساخت این شهر در فرآیند تکمیل و مراحل عملیاتی قرار خواهد گرفت و این مهم با حفظ تعادل بین اشتغال، جمعیت، محیط زیست و مساحت شهری محدوده و به صورت فازبندی اتفاق خواهد افتاد.»

وی افزود: «به عنوان تجربه اول از این دست در کشور، نیاز است تا دقت نظر زیادی هم به لحاظ فنی و هم به لحاظ نظام نهادی، مدیریتی و مباحث حقوقی انجام شود و هر اندازه اشتغال و جمعیت در محدوده شکل بگیرد، زمین آن نیز تأمین خواهد شد.»

وی گفت: «وزیر راه و شهرسازی نیز تأکید داشت که مصوبات شورای عالی معماری و شهرسازی با نگاه تسهیل‌گرایانه شکل بگیرد و دستگاه‌ها کمک کنند تا این شهر جدید در آن منطقه شکل بگیرد. این مهم در چهارچوب سیاست کلان نظام و دولت برای توسعه اقتصاد دریا محور در مناطق ساحلی جنوب است.»

به گفته کاظمیان، با حمایت و پیگیری که شرکت عمران شهرهای جدید انجام خواهد داد، بخش خصوصی زمین و اراضی لازم را به صورت فازبندی شده از سازمان منابع طبیعی دریافت خواهد کرد و به موازات آن، مطالعات طرح جامع و طرح‌های تفصیلی آماده‌سازی خواهد شد.

وی گفت: «تعادل بین اشتغال، جمعیت و زمین در کنار توسعه دریامحور، مباحثی است که در اجرایی شدن ساخت شهر جدید ساحلی مکران مرکزی در دستور کار قرار خواهد گرفت. فلسفه وجودی این شهر دریاست و با توجه به اینکه عمده نیازهای منطقه باید از طریق دریا تأمین شود، باید بندر و اسکله لازم نیز در آن شکل بگیرد.»

به گفته کاظمیان، ساخت و توسعه شهر جدید مکران مرکزی، در یک افق ۲۰ ساله برنامه‌ریزی شده است، سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز نیز به‌تدریج و گام به گام اتفاق خواهد افتاد.

وی گفت: «به هر میزان که در این منطقه اشتغال شکل بگیرد، جمعیت ساکن خواهند شد و باید فضاهای شهری برای استقرار آن جمعیت تأمین شود. براین اساس سرمایه‌گذاران و کنسرسیومی از شرکت‌های ایرانی در ساخت شهر جدید ساحلی مکران مرکزی حضور دارند و با استفاده از سرمایه‌هایی که خودشان در اختیار دارند، متعهد به اجرای این طرح هستند.»

اتصال مکران مرکزی به ریل

مهران قربانی، معاون حمل‌ونقل و وزیر راه و شهرسازی نیز در نشست شورای‌عالی معماری و شهرسازی در خصوص برنامه‌های توسعه حمل‌ونقل برای شهر جدید مکران مرکزی گفت: «تمام شقوق حمل‌ونقل در این شهر فعال خواهد بود.»

معاون حمل‌ونقل وزیر راه و شهرسازی خاطرنشان کرد: «شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران، ساخت فرودگاه در شهر جدید مکران مرکزی را تصویب کرده است. ساخت خط ریلی بندرعباس به مرز ریمدان در این منطقه و دسترسی مستقیم مکران مرکزی و صنایع مستقر در آن به ریل در برنامه است.»

به گفته قربانی مکران مرکزی، یک بندر محلی با قابلیت جابه‌جایی بار سالیانه ۵ میلیون تن خواهد بود. در کناراین شهر، همچنین سازمان بنادر و دریانوردی، مطالعات طرح جامع ساخت «مجتمع بندری جنوب کشور» در مجاورت «کوه مبارک» را مصوب کرده است.

> شهر جدید ساحلی مکران مرکزی در جایگاه قطب بندری اقتصادی پیشرفته و یکی از اصلی‌ترین دروازه‌های تجاری و ترانزیتی ایران به‌عنوان قطب گردشگری و کانون چند عملکردی در سواحل مکران ساخته می‌شود

برش

مکران در افق ۱۴۲۵

شهر جدید ساحلی مکران مرکزی در جایگاه قطب بندری اقتصادی پیشرفته و یکی از اصلی‌ترین دروازه‌های تجاری و ترانزیتی ایران به‌عنوان قطب گردشگری و کانون چند عملکردی در سواحل مکران ساخته می‌شود. در افق سال ۱۴۲۵، شهر مکران مرکزی با جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و اتکا به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، به نمونه‌ای پیشرو از شهرهای نسل نویی و هوشمند ایران تبدیل می‌شود و نقش مهمی در رشد اقتصادی، اشتغالزایی و ارتقای کیفیت زندگی در سطح ملی ایفا می‌کند. این شهر با میزبانی رویدادهای ملی و بین‌المللی و توسعه فضاهای عمومی، هویت فرهنگی پویایی ایجاد کرده و هم زمان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با شکل‌دهی به شبکه‌های تجاری، همکاری‌های علمی و مسیرهای ترانزیتی قدرتمند، به کانونی استراتژیک برای نوآوری و تعاملات اقتصادی پایدار بدل می‌شود.

برنامه های تعاون روستایی برای مواجهه با کم‌آبی تشریح شد

از کشت قراردادی تا توسعه گلخانه‌ای

گزارش

گروه اقتصادی

در نشستی خبری در وزارت جهاد کشاورزی، مدیرعامل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، با اشاره به چالش کم‌آبی و اقلیم خشک کشور، راهکارهای این سازمان برای عبور از بحران آب و افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی را ارائه داد.

«محمدرضا طلایی» در پاسخ به پرسش خبرنگار «روزنامه ایران» درخصوص راهکارهای افزایش بهره‌وری و کاهش ضایعات محصولات کشاورزی در شرایط کم آبی و اقلیم خشک کشور با تأکید بر اهمیت مدیریت مصرف آب، از تشکیل تعاونی‌های آب‌بران به عنوان یکی از اقدامات محوری دولت چهاردهم نام برد. این تعاونی‌ها که اعضای آن از میان کشاورزان انتخاب می‌شوند، مسئولیت دریافت آب از سدها و توزیع آن میان بهره‌برداران را برعهده دارند.

به گفته وی، تنها در استان خوزستان بیش از ۳۸ تعاونی آب‌بران تشکیل شده و در سطح ملی نیز حدود ۲ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی تحت پوشش پروژه‌های لوله‌گذاری، انتقال آب و آبیاری تحت فشار قرار گرفته است.

محمدرضا طلایی افزود: «در قانون برنامه هفتم، قوانین بهره‌وری و در قانون توزیع عادلانه آب هم صراحتاً اعلام شده تشکل آب‌بران از بین خود مصرف‌کنندگان آب تشکیل شود و این تعاونی درخصوص گرفتن آب از سدها و وزارت نیرو و توزیع آن بین کشاورزان فعالیت می‌کند.»

توسعه کشت قراردادی و یکپارچه

طلایی از کشت قراردادی به عنوان یکی دیگر از اقدامات مؤثر در کاهش مصرف آب و افزایش بهره‌وری نام برد و اعلام کرد که در سال گذشته حدود ۳۴ هزار هکتار کشت یکپارچه در قالب این نظام اجرایی شده است. وی نمونه‌ای از باغ‌های زیتون یکدست را مثال زد که با مشارکت ۸۰ تا ۹۰ بهره‌بردار در قالب یک تعاونی تولید مدیریت می‌شود و به گفته او، این روش علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف آب، استفاده از مکانیزاسیون و افزایش بهره‌وری را ممکن ساخته است.

احیای قنات‌ها و توسعه گلخانه‌ها

مدیرعامل سازمان تعاون روستایی با اشاره به برنامه‌های احیای قنات‌ها و بهینه‌سازی شبکه‌های آبی، تأثیر مثبت این اقدامات را در کاهش مصرف آب بخش کشاورزی قابل توجه خواند.

همچنین توسعه گلخانه‌ها به عنوان یکی از اولویت‌های این سازمان مطرح شد. طلایی از برنامه‌ریزی برای ایجاد تعاونی تولید گلخانه‌داران در دشت مغان خبر داد و گفت: «هدف ما انجام کارهایی در حوزه آب است که به نفع کل بخش کشاورزی باشد.»

تأمین کالاهای اساسی برای ماه رمضان و عید

در بخش دیگری از این نشست، طلایی به موضوع تأمین کالاهای اساسی برای ماه رمضان و عید پرداخت و گفت: «از مردادماه خرید میوه شب عید از کشاورزان و تشکل‌ها آغاز شده است.»

وی با اشاره به ذخیره‌سازی دو و نیم برابری میوه و پنج برابری خرما نسبت به سال گذشته، اطمینان داد که برای ایام پیش رو هیچ مشکلی در تأمین این محصولات وجود نخواهد داشت.

این گزارش نشان می‌دهد سازمان تعاون روستایی با تمرکز بر مدیریت مشارکتی آب، توسعه کشت یکپارچه و تقویت زنجیره تأمین، درصدد ارائه الگویی برای مقابله با کم‌آبی و افزایش تاب‌آوری کشاورزی در ایران است.

> در قانون برنامه هفتم، قوانین بهره‌وری و در قانون توزیع عادلانه آب هم صراحتاً اعلام شده تشکل آب‌بران از بین خود مصرف‌کنندگان آب تشکیل شود و این تعاونی درخصوص گرفتن آب از سدها و وزارت نیرو و توزیع آن بین کشاورزان فعالیت می‌کند

دعوت به مجمع عمومی فوق العاده شرکت شیمیایی لاوان (سهامی خاص)

شماره ثبت: ۲۴۳۴۵۹ و شناسه ملی: ۱۰۸۶۴۰۲۰۶۵۲

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران، نماینده و یا نمایندگان اشخاص حقوقی و وکلا اشخاص حقیقی، شرکت شیمیایی لاوان (سهامی خاص) دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که رأس ساعت ۱۰ صبح روزشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ به آدرس، تهران، خیابان سعادت‌آباد، بالاتر از میدان شهید تهرانی مقدم (کاج)، خیابان عبقری، کوچه دوم شمالی، پلاک ۱۵، طبقه ۴، تشکیل می‌گردد حضور به‌هم‌رسانند. دستورجلسه: ۱- افزایش سرمایه

هیات‌مدیره شرکت شیمیایی لاوان (سهامی خاص)

آگهی مناقصه

شماره ۲۱۰۴۱۸۸ نوبت دوم

شرکت ملی صنایع مس ایران

شرکت ملی صنایع مس ایران با عنوان مناقصه‌گزار در نظر دارد "طراحی، تأمین، نصب، اجرا، تست و راه‌اندازی سیستم هوادهی سلول‌های رافر کارخانه فلوتاسیون دره‌زار مجتمع مس سرچشمه به‌صورت EPC" را به شرکت‌ها یا مؤسسات واجد صلاحیت واگذار نماید. مقتضی است جهت کسب اطلاعات بیشتر به وب‌سایت‌های رسمی این شرکت به‌شرح ذیل مراجعه نمایید.

www.nicico.com
www. sarcheshmeh.nicico.com
www.dargah.nicico.com

آگهی مناقصه عمومی پارسیان سازه اصفهان

شماره آگهی: 1404/K/261

شرکت پارسیان سازه در نظر دارد نسبت به تأمین اقلام ذیل اقدام نماید. لذا از شرکت‌های واجد شرایط که دارای توانایی و سوابق کاری مرتبط می‌باشند، دعوت به‌عمل می‌آید از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز، جهت دریافت اسناد مناقصه به معاونت بازرگانی مراجعه و اسناد را دریافت و تکمیل نمایند.

۱- تأمین انواع گرد استیل 304L به میزان ۱۳,۴۷۴ کیلوگرم

ضمانت شرکت در مناقصه: ۵ درصد مبلغ کل پیشنهادی

ضمانت‌نامه بانکی یا ۱۰ درصد مبلغ سفته و چک صیادی ثبت‌شده در سامانه (۵ درصد سفته و ۵ درصد چک)

* هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آدرس: اصفهان - زرین شهر- کیلومتر ۷ جاده مبارکه - مجتمع صنایع دفاع اصفهان - پارسیان سازه - معاونت بازرگانی

تلفن: ۰۹۹۳۳۲۱۹۶۴۴ ایتا شرکت فکس: ۰۳۱-۵۲۳۲۲۲۳۰

روابط عمومی پارسیان سازه

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۶ت۱۴۰۴

نوبت دوم

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
شرکت سهامی
آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک

آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک در نظر دارد خرید هزار بسته (یکصد عددی) فیلتر دستگاه اکستراکشن آسفالت به‌شماره فراخوان (سیستمی) ۲۰۰۴۰۰۱۰۵۰۰۰۰۰۰۸ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به‌عمل آورند.

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ ساعت ۱۲
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: روزسه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ ساعت ۱۳
- مهلت ارسال پیشنهادات: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ ساعت ۱۳
- زمان بازگشایی پاکت ها: روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ ساعت ۹

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ضمانت‌نامه بانکی یا فیش بانکی (وجه نقد) به مبلغ سه میلیارد و پانصد میلیون ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: تهران - خیابان کارگر شمالی - بالاتر از تقاطع جلال آل احمد - بین خیابان پانزدهم و شانزدهم - پلاک ۱۴۶۴

- شماره تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۰۷۹۵۳

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

نوبت دوم

شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

۱- مناقصه‌گزار: شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران به نشانی تهران میدان جهاد شماره ۱۲ به‌شماره ثبت: ۲۵۵۲۰ و شناسه: ۱۰۱۰۰۷۰۹۸۲۶

۲- موضوع مناقصه: واگذاری فعالیتهای پشتیبانی و خدمات عمومی (۵۴ نفر)

۳- زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند اسناد مناقصه را از تاریخ بارگذاری و همچنین انتشار آگهی تا مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir دریافت نمایند.

۴- هزینه تهیه اسناد: واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب بانک مرکزی به‌شماره شبا IR ۷۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۸۲۰۴۰۰۵۹۱۱ و شناسه ۳۹۷۰۵۸۲۸۲۲۹۴۲۱۰۰۵۵۹۱۰۰۰۰۰۰۰۰ قابل واریز در کلیه شعب بانک‌ها به‌صورت پایا.

۵- مدت اعتبار پیشنهادها: سه ماه از تاریخ بازگشایی پیشنهاد مالی می‌باشد.

۶- مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: واریز وجه نقد به مبلغ ۱۴,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به‌عنوان سپرده شرکت در مناقصه به‌حساب شماره IR ۳۹۰۱۰۰۰۰ ۴۰۰۱۰۵۸۲۰۶۳۷۳۷۴۷ خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌نام شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران و یا ضمانت‌نامه بانکی بلاقید و شرط ۳ ماهه با تمدید اعتبار ۳ ماه دیگر.

۷- زمان و محل گشایش پیشنهادها: ساعت ۱۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۳ در محل شرکت به نشانی: تهران- خیابان فاطمی- نبش حجاب- شماره ۲۲۵- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران (ساختمان شماره ۲)- طبقه دوم سالن جلسات خواهد بود.

۸- نحوه تکمیل و تنظیم پاکات مناقصه: مناقصه‌گران می‌بایست بر طبق شرایط و دستورالعمل شرکت در مناقصه نسبت به تکمیل و تنظیم و ارسال پاکات اقدام نمایند.

۹- زمان و نحوه ارسال پاکات مناقصه: مناقصه‌گران می‌بایست اسناد مناقصه شامل پاکات الف و ب و ج را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir درج و در عین حال فیزیک پاکت الف را تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲ به نشانی تهران- میدان جهاد- شماره ۱۲- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران - طبقه هفتم - دبیرخانه محرمانه حراست تحویل و رسید دریافت نمایند.

۱۰- مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌بایست مراحل ثبت‌نام در سایت www.setadiran.ir را انجام و گواهی امضای الکترونیکی دریافت نمایند.

۱۱- متقاضیان شرکت در مناقصه درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۸۴۳۹۹۷۴۲ تماس و همچنین آگهی فراخوان را از طریق نشانی اینترنتی www.gtc-portal.com ملاحظه نمایند. ضمناً اطلاعات تماس سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) جهت انجام مراحل عضویت در سامانه به‌شرح زیر می‌باشد.

مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴ - دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

- اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استانها، در سایت سامانه بخش «ثبت‌نام/ پروفایل تأمین کننده / مناقصه‌گر» موجود است.

شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

فراخوان عمومی دعوت به مشارکت در ساخت

رویا ساختمان آریا

گروه توسعه ساختمان آریا

نام پروژه	کاربری/ پهنه	مساحت عرصه (مترمربع)		تعداد طبقات	زیربنای کل تقریبی (مترمربع)	زمان اجرا (ماه)	تضمین شرکت در فراخوان (ریال)	وضعیت پروژه و مجوزات
		طبق سند	پس از استعلام					
ارکیده	خدماتی تجاری m1/	۱،۴۲۵	۱،۱۰۸	شامل ۱۴ طبقه به شرح: ۳ طبقه زیر زمین طبقه همکف و نیم طبقه، ۸ طبقه روی همکف، به انضمام انباری روی پشت بام	۹،۵۰۲	۱۸	۳۸،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	دارای پروانه ساختمانی و در حال ساخت (سفتکاری تکمیل و در حال اجرای تاسیسات)

نشانی: استان گلستان، گرگان، بلوار ناهار خوران، نبش خیابان عدالت ۴۲

شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص) جهت ساخت و ساز در قالب قرارداد مشارکت در ساخت بر روی یک قطعه زمین، واقع در شهر گرگان مطابق مشخصات به شرح جدول فوق از کلیه سرمایه گذاران توانمند و متخصص در امر ساختمان دعوت به همکاری می نماید.

شرایط شرکت در فراخوان:

- ارائه تضمین شرکت در فراخوان بصورت چک تضمین شده بانکی، واریز به حساب و یا ضمانتنامه معتبر بانکی الزامی می باشد.
- آخرین مهلت ارائه پیشنهادات تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ خواهد بود.
- تضمین اجرای کامل تعهدات قرارداد مشارکت در ساخت معادل ۵% آورده مالک در پروژه بوده که همزمان با انعقاد قرارداد از متقاضی مشارکت اخذ می گردد.
- شرکت در رد یا قبول پیشنهادهای ارائه شده مختار است و به پیشنهادهای مبهم، مخدوش، مشروط، ناقص و یا پیشنهاداتی که پس از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر نخواهد داد.
- متقاضیان محترم می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ لغایت ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ (به غیر از ایام تعطیل و پنجشنبه ها) طی ساعات اداری جهت خرید اسناد فراخوان به واحد دبیرخانه و جهت کسب اطلاعات تکمیلی به مدیریت مشارکت و فروش شرکت رویا ساختمان آریا به نشانی تهران، میدان ونک خیابان برزیل شرقی، خیابان شمس لاهیجانی، بن بست ۱۲ مراجعه و یا با شماره تلفن ۸۴۳۴۸ (داخلی ۳۲۲) تماس حاصل فرمایند.

همچنین امکان خرید اسناد فراخوان از طریق تارنمای شرکت رویا ساختمان آریا و گروه توسعه ساختمان تدبیر به نشانی های www.tcdgroup.ir و www.arc.co.ir نیز فراهم است.

- هزینه های چاپ آگهی به عهده برنده فراخوان مشارکت می باشد.
- بازدید از ملک با هماهنگی شرکت الزامی است.

www.arc.co.ir www.tcdgroup.ir

در گفت‌وگوی سخنگوی دولت با فعالان اقتصادی بررسی شد

سیاست ارزی زیر ذره‌بین بخش خصوصی

گزارش

گروه اقتصادی

نمایندگان بخش‌خصوصی در جریان برگزاری ششمین جلسه کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران که با حضور ولی‌الله سیف رئیس اسبق بانک مرکزی برگزار شد، با دفاع از تک‌نرخی شدن ارز، خواستار کاهش مداخله دولت، پرهیز از حکمرانی جزیره‌ای و مشارکت فعال فعالان اقتصادی در تصمیم‌سازی‌ها شدند. در این نشست، رئیس سابق بانک مرکزی عنوان کرد که نرخ ارز باید سیگنال درستی به ساختار تولید بدهد. همچنین فعالان اقتصادی اعلام کردند که دولت با بهبود روابط بین‌الملل و اتخاذ سیاست‌های اصلاحی در نظام بودجه‌ریزی، نظام بانکی و کنترل تورم، به بازار ارز ثبات و امکان پیش‌بینی‌پذیری ببخشد. در مقابل، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت نیز عنوان کرد که اولویت دولت حل مشکلات ریشه‌ای و ناترازی‌هاست و می‌خواهد به سمت نظام «ارز شناور مدیریت شده» حرکت کند.

ولی‌الله سیف رئیس اسبق بانک مرکزی با مرور تجربه‌های گذشته، به تبیین مفهوم «نرخ ارز مناسب» در اقتصاد ایران و الزامات کنترل نوسانات درآمدهای ارزی نفتی پرداخت. او تأکید کرد که نرخ ارز در ایران صرفاً یک قیمت نیست، بلکه متغیری راهبردی است که آثار گسترده‌ای بر تورم، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و انتظارات فعالان اقتصادی دارد؛ از این‌رو نحوه تعیین و مدیریت آن یکی از مهم‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی به شمار می‌رود. سیف با اشاره به وابستگی تاریخی اقتصاد ایران به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت توضیح داد که این وابستگی موجب شده شوک‌های ناشی از نوسان قیمت جهانی نفت یا محدودیت‌های صادراتی، به‌سرعت به بازار ارز منتقل شده و سایر متغیرهای کلان را نیز دچار بی‌ثباتی کند. در نبود سازوکارهای تثبیت‌کننده قوی، این شوک‌ها به بی‌ثباتی‌های دوره‌ای و پرهزینه منجر شده‌اند. به اعتقاد او، تبیین ویژگی‌های نرخ ارز مناسب و طراحی سیاست‌هایی برای مهار نوسانات درآمدهای نفتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

به گفته سیف، در ادبیات اقتصاد کلان، نرخ ارز مناسب نرخی است که با متغیرهای بنیادین اقتصاد سازگار باشد؛ متغیرهایی مانند تفاوت تورم داخلی و خارجی، بهره‌وری عوامل تولید، وضعیت تراز پرداخت‌ها و جریان سرمایه. بر این اساس، نرخ ارز مناسب یک عدد دستوری نیست، بلکه باید بازتاب واقعیت‌های اقتصادی باشد. او یادآور شد که تورم داخلی ایران طی دهه‌های گذشته به‌طور متوسط بالاتر از تورم جهانی بوده و همین امر اقتضا می‌کند که نرخ ارز در بلندمدت به‌صورت تدریجی تعدیل شود. اگر این تعدیل به‌موقع و مدیریت شده انجام نشود، معمولاً به شکل جهش‌های ناگهانی و پرهزینه بروز می‌کند.

سیف تجربه تثبیت دستوری نرخ ارز در سطوح پایین‌تر از نرخ تعادلی را ناموفق دانست و توضیح داد که اگرچه این سیاست ممکن است در کوتاه‌مدت به کنترل ظاهری تورم کمک کند، اما در میان‌مدت و بلندمدت ناپایدار است و نهایتاً به جهش ارزی، افزایش تورم و بی‌ثباتی گسترده‌تر می‌انجامد. او همچنین بر نقش نرخ ارز در رقابت‌پذیری تولید داخلی تأکید کرد و گفت پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ ارز، واردات را ارزان و تولید داخلی را تضعیف می‌کند؛ وضعیتی که مشابه پدیده «بیماری هلندی» است و به تضعیف بخش‌های مولد می‌انجامد. از نگاه سیف، نرخ ارز مناسب باید به‌گونه‌ای تعیین شود که صادرات غیرنفتی را سودآور، واردات غیرضروری را محدود و منابع را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کند.

علاوه بر این، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نرخ ارز اهمیت زیادی دارد. ثبات به معنای تثبیت مطلق نیست، بلکه به معنای نوسان محدود، قابل توضیح و قابل پیش‌بینی است؛ چرا که نوسانات شدید، افق برنامه‌ریزی تولید و سرمایه‌گذاری را کوتاه کرده و ریسک فعالیت‌های مولد را افزایش می‌دهد.

او چندنرخی بودن ارز را یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران دانست و تصریح کرد که وجود نرخ‌های رسمی، نیمایی و آزاد، باعث اعوجاج در سیگنال‌های قیمتی، ایجاد رانت، فساد و تخصیص ناکارآمد منابع می‌شود. به باور او، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در صورت لزوم باید از طریق یارانه مستقیم انجام شود، نه از مسیر ارز ترجیحی.

سیف تأکید کرد که ثبات نرخ ارز بدون انضباط پولی و مالی امکان‌پذیر نیست.

> ولی الله سیف، رئیس کل اسبق بانک مرکزی: تورم داخلی ایران طی دهه‌های گذشته به‌طور متوسط بالاتر از تورم جهانی بوده و همین امر اقتضا می‌کند که نرخ ارز در بلندمدت به‌صورت تدریجی تعدیل شود. اگر این تعدیل به‌موقع و مدیریت شده انجام نشود، معمولاً به شکل جهش‌های ناگهانی و پرهزینه بروز می‌کند

رشد بالای نقدینگی و تأمین کسری بودجه از مسیرهای ناپایدار، نهایتاً به بی‌ثباتی ارزی منجر می‌شود. او همچنین به برون‌زا بودن درآمد نفتی اشاره کرد و گفت برای مهار نوسانات، باید بودجه جاری دولت از درآمد نفت تفکیک شود و از قواعد مالی ضدچرخه‌ای و صندوق‌های تثبیت ارزی استفاده شود. این صندوق‌ها باید در دوران رونق نفتی مازاد درآمد را ذخیره و در دوران رکود آزاد کنند. در کنار آن، بانک مرکزی باید با ابزارهای عقیم‌سازی پولی از آثار تورمی تبدیل ارز نفتی به ریال جلوگیری کند.

در نهایت، سیف رژیم «شناور مدیریت شده» را مناسب‌ترین گزینه برای ایران دانست و تأکید کرد که راهکار پایدار کاهش نوسانات ارزی، تنوع‌بخشی به منابع ارزآور و کاهش وابستگی به نفت است. دولت باید در تدوین آیین‌نامه‌ها از بخش‌خصوصی کمک بگیرد.

ملزومات نظام ارز شناور مدیریت شده

در ادامه این نشست، محمود نجفی‌عرب، رئیس اتاق تهران با بیان‌اینکه «بخش‌خصوصی همواره بر تک‌نرخی شدن ارز تأکید داشته است»، گفت: «دولت تصمیم گرفته با حذف ارز ترجیحی، نرخ ارز را واقعی کند اما تجربیات تاریخی نشان می‌دهد که اگر زیرساخت‌های تک نرخی‌شدن فراهم نشود، بار دیگر این طرح شکست می‌خورد و شکاف ارزی ایجاد می‌شود. او با اشاره به آیین‌نامه «تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم» که دهم دی‌ماه سال جاری تصویب شده است، خواستار زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی پررنگ بخش‌خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها شد و گفت: «نمی‌توان تمام بار این سیاست را بر دوش بانک مرکزی گذاشت و رشد نقدینگی، کسری بودجه و فشارهای مالی، عمدتاً از ناحیه دولت به نظام بانکی تحمیل می‌شود.»

او افزود: «تجربه نشان داده که هر بار با پذیرش دیرهنگام شکاف میان نرخ رسمی و نرخ بازار، صرفاً یک نرخ جدید به نظام ارزی اضافه شده و ساختار معیوب گذشته را بازتولید کرده است. نمونه بارز آن را می‌توان در «آیین‌نامه تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم» مشاهده کرد که در آن نظام «ارز شناور مدیریت شده» معرفی و در عمل با تفکیک تالار اول و تالار دوم، یک نرخ جدید دیگر به نظام ارزی کشور افزوده شده است.

به گفته رئیس اتاق تهران، سازوکار روشنی برای جبران فشار مالی تحمیل‌شده به بنگاه‌های اقتصادی و مابه‌التفاوت نرخ ارز پیش‌بینی نشده و این موضوع نگرانی فعالان اقتصادی را از تبعات این طرح افزایش داده است. برآوردها نشان می‌دهد که قیمت‌گذاری دستوری تنها در حوزه بهداشت و درمان و کالاهای اساسی منجر به تحمیل هزینه‌ای در حدود ۸۰۰ میلیون دلار شده است. این در شرایطی است که فضای کسب و کار کشور همزمان با تورم بالا، رکود، رشد شدید نقدینگی، بحران انرژی و قطعی برق در شهرک‌های صنعتی مواجه است و بنگاه‌های اقتصادی توان شوک‌های جدید را ندارند.

او گفت: «اگر قرار است نظام «ارز شناور مدیریت‌شده» عملیاتی شود، لازم است از قیمت‌گذاری دستوری پرهیز و از نظرات بخش‌خصوصی در این زمینه استفاده شود. همچنین، شفافیت در تخصیص منابع ایجاد و نقش بازار در تحولات قیمت ارز پذیرفته شود. در غیر این صورت، خطر بازتولید رانت، تضعیف صادرات و تشدید نااطمینانی فعالان اقتصادی وجود خواهد داشت.

اولویت دولت حل مشکلات ریشه‌ای و ناترازی‌هاست

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت چهاردهم نیز در ششمین جلسه کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران، رویکرد دولت در حوزه سیاست ارزی را عبور تدریجی از وضعیت چندنرخی و ایجاد سازوکارهای مبتنی بر ارز تک‌نرخی عنوان کرد و گفت: «دولت این تصمیم سخت را برای حرکت به سمت نظام ارز شناور مدیریت‌شده اتخاذ کرده است.»

او گفت: «هدف از این رویکرد آن است که مبادلات ارزی، بویژه در حوزه تجارت، به‌صورت شفاف و مبتنی بر واقعیت‌های بازار صورت پذیرند و این مسیر در حال پیگیری است.»

مهاجرانی درخصوص چرایی حذف ارز ترجیحی در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی اینچنین توضیح داد: «در خصوص برخی اقلام مانند دارو و تجهیزات پزشکی، اصلاحات ارزی به‌صورت تدریجی و با ملاحظات اجتماعی انجام خواهد شد. واقعیت این است که در حوزه بهداشت و درمان، تا زمانی که اطمینان کافی از دسترسی عادلانه شهروندان به خدمات درمانی وجود نداشته باشد، امکان رهاسازی کامل سیاست‌های ارزی وجود ندارد.»

او تصریح کرد: «با وجود تمامی محدودیت‌ها، دولت، اصلاحات ارزی و اقتصادی را در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخی کشور آغاز کرده است. اولویت دولت حل ریشه‌ای مشکلات و ناترازی‌ها است. در این مسیر، استقلال و شأن بانک مرکزی به‌عنوان رکن اصلی سیاست پولی و ارزی کشور، مورد تأکید جدی دولت قرار دارد؛ بازگشت بانک مرکزی به جایگاه حرفه‌ای خود، مستلزم آن است که از تحمیل مستمر کسری‌ها، تسهیلات تکلیفی و فشارهای بودجه‌ای بر نظام بانکی پرهیز شود. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که هر بار دولت‌ها در مواجهه با تنگنای مالی، به منابع بانکی متوسل شده‌اند، نتیجه‌ای جز تشدید تورم، تضعیف ارزش پول ملی و آسیب به تولید نداشته است.»

سخنگوی دولت، انضباط بودجه‌ای را یکی از پیش‌نیازهای موفقیت سیاست ارزی عنوان و تأکید کرد: «انضباط بودجه‌ای به‌طور جدی در دستور کار سازمان برنامه و بودجه قرار گرفته و اصلاح ساختار بودجه، کاهش وابستگی به منابع ناپایدار و مدیریت هزینه‌ها، برای پایداری نظام ارز شناور مدیریت‌شده در حال پیگیری است.»

او با اشاره به اثر تحریم‌ها در شکل‌گیری این محدودیت‌ها گفت: «دولت مسیر دیپلماسی را در کنار اصلاحات داخلی دنبال می‌کند و بر این باور است که ترکیب اصلاحات ساختاری در داخل و کاهش تنش‌های خارجی، تنها راه خروج پایدار از وضعیت کنونی است.

سیاست ارزی دولت نه بر مداخله‌گری گسترده، بلکه بر کاهش تدریجی نقش دولت در قیمت‌گذاری، تقویت سازوکار بازار و مدیریت هوشمندانه گذار به نظام ارز شناور استوار است. دولت این مسیر را نه بهترین، بلکه بهینه‌ترین گزینه در شرایط دشوار کنونی می‌داند و صراحتاً تأکید دارد که بدون مشارکت فعال بخش‌خصوصی، شنیدن نقدها و اصلاح مستمر سیاست‌ها، دستیابی به ثبات ارزی و اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود.»

IKK
IRAN KHODRO KHORASAN
ایران خودرو خراسان

آگهی تمدید مناقصه عمومی با ارزیابی فنی بازرگانی پیمانکاران

شماره: ۱۷۰/م/۱۴۰۴-۳۶۷۹

شرکت ایران خودرو خراسان در نظر دارد خرید، نصب، راه‌اندازی و پشتیبانی یک‌ساله ۱۱۰۰ لایسنس نرم‌افزار آنتی ویروس BITDEFENDER را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
سپرده شرکت در مناقصه ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.
متقاضیان می‌توانند جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ به‌شرح ذیل اقدام نمایند:
۱- نحوه دریافت اسناد مناقصه: به‌صورت حضوری از واحد بازرگانی ایران خودرو خراسان در روزهای کاری از ساعت۸ الی۱۵ و یا از طریق سایت اینترنتی www.ikkco.ir و یا تماس با شماره‌های تلفن(۰۵۱-۳۳۵۶۳۰۵۰) ، (۰۵۱-۳۳۵۶۳۰۴۳) و (۰۵۱-۳۳۵۶۳۵۰۱-۹ داخلی (۴۳۳۰-۴۰۲۱))
۲-محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: شرکت ایران خودرو خراسان، کیلومتر ۵۵ جاده مشهد-نیشابور دبیرخانه کمیسیون معاملات در روزهای کاری از ساعت۸ الی۱۵
لازم به توضیح است تاریخ بازگشایی پاکات الف و ب در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ ساعت ۰۹:۰۰ صبح می‌باشد
(شرکت ایران خودروخراسان در رد یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است)
(هزینه درج آگهی روزنامه بر عهده شرکت ایران خودرو خراسان است)
ارتباطات و امور بین‌الملل

مزایده املاک و اموال تملیکی و مازاد بانک ملی استان خراسان شمالی
شماره ۱۴۰۴/۰۴

بانک ملی ایران در نظر دارد تعدادی از اموال مازاد خودرا از طریق مزایده الکترونیکی در سامانه تدارکات دولت (ستاد ایران) به‌صورت نقد و اقساط به‌فروش برساند.
- تاریخ برگزاری و انتشار مزایده از ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۹ لغایت ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ می‌باشد.
- مهلت دریافت اسناد مزایده از ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۹ تا ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ می‌باشد.
- مهلت ارائه پیشنهاد و شرکت در مزایده از ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۹ تا ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ می‌باشد.
- تاریخ بازگشایی پاکت‌های الکترونیکی ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ خواهد بود.
توجه: امکان شرکت در مزایده بدون دریافت/دانلود اسناد مزایده میسر نمی‌باشد لذا متقاضیان شرکت در مزایده حتما می‌بایست جهت شرکت در مزایده تا قبل از اتمام تاریخ مهلت دریافت اسناد مزایده (ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۸) نسبت به دریافت اسناد مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) اقدام نمایند.
متقاضیان خرید برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند از طرق ذیل اقدام نمایند.
۱- تماس تلفنی با شماره تلفن ۰۵۸۳۲۷۲۰۴۱۶
۲- مراجعه به سایت بانک ملی ایران به آدرس www.bmi.ir بخش مناقصه و مزایده ⇐ مزایده سراسری (نوبت ۱۴۰۴/۰۴ اموال غیرمنقول) اموال تملیکی و مازاد بانک ملی ایران - استان خراسان شمالی
۳- مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) www.setadiran.ir مزایده ⇐ مزایده دستگاه اجرایی ⇐ مزایده گر ⇐ (مزایده شماره ۲۰۰۴۰۰۳۲۳۲۰۰۰۰۰۴ اموال غیرمنقول)
۴- مراجعه حضوری به اداره امور و شعب بانک ملی ایران در استان خراسان شمالی
م الف ۴۱۱۶ شناسه ۲۱۱۰۸۵۱

نوبت دوم
تجدید آگهی فراخوان عمومی
مزایده شماره: AK-T-P-04-03
شرکت پتروشیمی امیرکبیر
مزایده‌گزار: شرکت پتروشیمی امیرکبیر
موضوع مزایده: عبارت است از فروش کانتینرهای ۲۰ فوت و ۴۰ فوت
متن کامل آگهی فوق در سایت شرکت پتروشیمی امیرکبیر به آدرس www.akpc.ir قابل رؤیت می‌باشد. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۱-۵۲۱۷۴۹۶۵ و ۰۶۱-۵۲۱۷۴۹۶۲ تماس حاصل نمایند.
درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای دستگاه مزایده‌گزار ایجاد نمی‌نماید.
شرکت پتروشیمی امیرکبیر

نوبت دوم
تجدید آگهی فراخوان عمومی
مزایده شماره: AK-T-P-04-04
شرکت پتروشیمی امیرکبیر
مزایده‌گزار: شرکت پتروشیمی امیرکبیر
موضوع مزایده: عبارت است از فروش اقلام لیفتراک‌های دستی و برقی
متن کامل آگهی فوق در سایت شرکت پتروشیمی امیرکبیر به آدرس www.akpc.ir قابل رؤیت می‌باشد. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۱-۵۲۱۷۴۹۶۵ و ۰۶۱-۵۲۱۷۴۹۶۲ تماس حاصل نمایند.
درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای دستگاه مزایده‌گزار ایجاد نمی‌نماید.
شرکت پتروشیمی امیرکبیر

I.T.D.C
شرکت توسعه گردشگری ایران

تجدید آگهی مزایده عمومی فروش واحد تجاری (مغازه)

شرکت توسعه گردشگری ایران در نظر دارد یک واحد تجاری خود به شرح ذیل را از طریق مزایده عمومی جهت فروش به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.
۱- محل دریافت اسناد مزایده: متقاضیان می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ تا ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ به سامانه تدارکات الکترونیک دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده (شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۲۵۰۷۰۰۰۰۰۲) اقدام نمایند. لازم است شرکت‌کنندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.
۲- مبلغ سپرده شرکت در مزایده معادل ۵٪ درصد قیمت پایه ملک می‌باشد که می‌بایست به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر در وجه شرکت توسعه گردشگری ایران یا واریز سپرده به شماره حساب ۴۰۰۱۰۲۶۲۰۴۰۱۷۸۷۱ با شماره شناسه ۳۳۰۰۲۶۲۷۴۲۹۵۲۶۰۸۱۰۰۰۰۰۰۶۵۴۳۲۶ به‌نام تمرکز درآمد خزانه وزارت میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری (شرکت توسعه گردشگری ایران) واریز نماید.
۳- زمان ارائه پیشنهادات به مدت ۱۰ روز از پایان تاریخ دریافت اسناد مزایده تا آخر وقت اداری روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۳۰ در سامانه بارگذاری گردد.
۴- فروش ملک به‌صورت نقدی مطابق شرایط مندرج در سامانه تدارکات الکترونیک می‌باشد.
۵- ملک عرضه شده با وضعیت موجود بدون وسایل و تجهیزات جانبی (دکور، قفسه‌ها و...)، با پارکینگ و بدون انباری به‌فروش می‌رسد و بازدید از محل با هماهنگی قبلی امکان‌پذیر می‌باشد.
۶- پیشنهادات بارگذاری شده در محل دفتر مرکزی شرکت در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ با حضور اعضای کمیسیون معاملات، بررسی و برنده در همان روز ساعت ۱۴:۰۰ همان روز اعلام خواهد شد.
۷- شرکت‌کنندگان می‌بایست اصل ضمانت‌نامه را تا پایان وقت اداری تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۳۰ ساعت ۱۶:۰۰ به‌نشانی تهران - ولنجک- خیابان امیرآبادی- کوچه یاسمن یکم- پلاک ۱۵، تحویل مدیریت امور حقوقی و قراردادها و تصویر آن را در سامانه تدارکات الکترونیک دولت بارگذاری نمایند.
۸- سایر شرایط مزایده مطابق با فرم الف و ب که در سایت سامانه ستاد الکترونیک دولت به‌صورت پی دی اف بارگذاری گردیده لحاظ می‌گردد. شرکت‌کنندگان می‌بایست این اسناد را پرینت و پس از مهر و امضا در سامانه بارگذاری نمایند.
۹- بازگشایی پیشنهادات و تصمیم‌گیری با هر تعداد از متقاضیان انجام گرفته و قابل قبول می‌باشد.
۱۰- هزینه چاپ آگهی و کارشناسی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.
۱۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ثابت ۰۲۱۲۶۸۰۸۲۵۴ داخلی: ۲۲۱ و تلفن همراه ۰۹۱۲۴۹۳۲۸۴۸ تماس حاصل فرمایید.
۱۲- شرکت در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار خواهد بود.

یک باب مغازه در کرج به مشخصات و نشانی ذیل

ردیف	عنوان	کاربری	موقعیت واحد	مساحت تقریبی (مترمربع)	نشانی	قیمت پایه/ریال	میزان سپرده شرکت در مزایده/ ریال
۱	یک باب مغازه- دارای پلاک ثبتی: شماره فرعی: ۱۷۸۷۵/ اصلی: ۱۵۴/ مفروز و مجزی از: ۱۳۰۷۴	تجاری	مغازه شماره: ۳۶۹ قطعه ۳۵۸ طبقه: دوم	۳۹,۶۸	کرج- عظیمیه- بلوار نبوت- میدان نبوت- مجتمع تجاری مهستان	۱۵۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰

شرکت توسعه گردشگری ایران (سهامی خاص)

TÜV
گروه توسعه ساختمان آریا
رویا ساختمان آریا

فراخوان عمومی دعوت به مشارکت در ساخت

نام پروژه	کاربری/ پهنه	مساحت عرصه (مترمربع) طبق سند	مساحت عرصه (مترمربع) پس از استثنا	تعداد طبقات	زیربنای کل تقریبی (مترمربع)	زمان اجرا (ماه)	تضمین شرکت در فراخوان (ریال)	وضعیت پروژه و مجوزات
اقاقیا	خدماتی تجاری m1/	۱,۴۰۷	۱,۰۹۴	شامل ۱۴ طبقه به شرح: ۳ طبقه زیر زمین، طبقه همکف و نیم طبقه، ۸ طبقه روی همکف، به انضمام انباری روی پشت بام	۹,۳۸۶	۱۸	۳۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	دارای پروانه ساختمانی و در حال ساخت (سفتکاری تکمیل و در حال اجرای تاسیسات)

نشانی: استان گلستان، گرگان، بلوار ناهار خوران، نرسیده به خیابان عدالت ۴۲

شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص) جهت ساخت و ساز در قالب قرارداد مشارکت در ساخت بر روی یک قطعه زمین، واقع در شهر گرگان مطابق مشخصات به شرح جدول فوق از کلیه سرمایه گذاران توانمند و متخصص در امر ساختمان دعوت به همکاری می نماید.
شرایط شرکت در فراخوان:
• ارائه تضمین شرکت در فراخوان بصورت چک تضمین شده بانکی، واریز به حساب و یا ضمانتنامه معتبر بانکی الزامی می باشد.
• آخرین مهلت ارائه پیشنهادات تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ خواهد بود.
• تضمین اجرای کامل تعهدات قرارداد مشارکت در ساخت معادل ۵% آورده مالک در پروژه بوده که همزمان با انعقاد قرارداد از متقاضی مشارکت اخذ می گردد.
• شرکت در رد یا قبول پیشنهادهای ارائه شده مختار است و به پیشنهادهای مبهم، مخدوش، مشروط، ناقص و یا پیشنهاداتی که پس از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر نخواهد داد.
• متقاضیان محترم می توانند از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ لغایت ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ (به غیر از ایام تعطیل و پنجشنبه ها) طی ساعات اداری جهت خرید اسناد فراخوان به واحد دبیرخانه و جهت کسب اطلاعات تکمیلی به مدیریت مشارکت و فروش شرکت رویا ساختمان آریا به نشانی تهران، میدان ونک خیابان برزیل شرقی، خیابان شمس لاهیجانی، بن بست ۱۲ مراجعه و یا با شماره تلفن ۸۴۳۴۸ (داخلی ۳۲۲) تماس حاصل فرمایند.
همچنین امکان خرید اسناد فراخوان از طریق تارنمای شرکت رویا ساختمان آریا و گروه توسعه ساختمان تدبیر به نشانی های www.tcdgroup.ir و www.arc.co.ir نیز فراهم است.
• هزینه های چاپ آگهی به عهده برنده فراخوان مشارکت می باشد.
• بازدید از ملک با هماهنگی شرکت الزامی است.
www.arc.co.ir www.tcdgroup.ir

عکس: سجاد صفری/ ایران

بازگشت امید به سهام

نمای بورس سبزپوش شد

گزارش

حبیب آرین
گروه بورس

بازار سهام روز معاملاتی گذشته را با جهشی خیره‌کننده آغاز و به پایان رساند تا شاهد رشد ۹۳ هزار واحدی و پس‌گیری کانال ۴ میلیون واحدی توسط شاخص کل بورس باشیم. در این روز، شاخص کل بورس و شاخص هموزن با رشدی هماهنگ و پرقدرت همراه شدند. بررسی تابلوهای معاملاتی نشان می‌دهد بازار تحت تأثیر ارزندگی قیمت‌ها و افزایش امیدها در فضای دیپلماسی، روزی کاملاً صعودی و پرقدرت را پشت سر گذاشته است. ورود پول سنگین به سهام و خروج همزمان نقدینگی از صندوق‌های طلا و درآمد ثابت، به وضوح نشان از بهبود انتظارات و افزایش ریسک‌پذیری معامله‌گران دارد. تمام نشانه‌های کلیدی در روز گذشته، از رشد شاخص‌ها گرفته تا ورود پول هوشمند و چربش قدرت خریداران، تصویری مثبت و صعودی را پیش روی سرمایه‌گذاران ترسیم کرد.

نبض معاملات؛ برتری قاطع خریداران حقیقی

بررسی آمارهای معاملاتی و چارت‌های وضعیت بازار، تصویر روشنی از تسلط خریداران بر فضای تالار شیشه‌ای ارائه می‌دهد. طبق داده‌های موجود، حدود ۷۹ درصد از نمادهای بازار در محدوده مثبت معامله شدند و تنها ۲۱ درصد نمادها در محدوده منفی قرار داشتند. نکته قابل توجه، تمرکز بیش از ۴۴۵ نماد در محدوده قیمتی مثبت ۲ تا مثبت ۳ درصد است که نشان از قدرت نقدینگی در قیمت‌های فعلی دارد.

در بخش صف‌های خرید و فروش، ارزش صف‌های خرید به عدد ۱۳۳۶.۶ میلیارد تومان رسید که در مقابل آن، صف‌های فروش با افت چشمگیر تنها ۶۰۱.۳ میلیارد تومان را ثبت کردند. این فاصله معنادار، فشار تقاضا را به رخ می‌کشد. همچنین در بررسی رفتار بازیگران، حقیقی‌ها سهمی ۷۶ درصدی در خریدها داشتند، در حالی که در بخش فروش، ۶۴ درصد از عرضه توسط حقیقی‌ها و ۳۶ درصد توسط حقوقی‌ها انجام شد. این آمار نشان می‌دهد که اعتماد به بازار در میان سهامداران خرد بازگشته و خروج پول هوشمند به حداقل رسیده است. در همین حال، صندوق‌های درآمد ثابت که در روزهای پرریسک پناهگاه امن سرمایه‌گذاران بودند، امروز با خروج نقدینگی مواجه شدند؛ چرا که معامله‌گران ترجیح دادند منابع خود را به سمت دارایی‌های پربازده‌تر یعنی سهام سوق دهند. در عین حال حدود ۹۴۲ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد. این در حالی است که صندوق‌های درآمد ثابت که معمولاً در روزهای پرریسک پناهگاه امن محسوب می‌شوند، با خروج نقدینگی مواجه شدند؛ چرا که معامله‌گران با اطمینان از ارزندگی سهام، منابع خود را به سمت بازار سرمایه سوق دادند.

> استقبال بی‌نظیر از ابزارهای اهرمی، پیام روشنی به بازار مخابره کرد: انتظارات برای رشد بورس در کوتاه‌مدت بسیار بالاست

دیپلماسی؛ اکسیژن تازه برای ریه‌های بورس

یکی از محرک‌های اصلی که باعث شد بازار سرمایه پس از مدت‌ها نفس راحتی بکشد، کاهش ملموس تنش‌های ژئوپلتیک در منطقه و انتشار اخبار امیدوارکننده در حوزه سیاست خارجی بود. پس از انتشار گمانه‌زنی‌ها درباره آغاز دور جدید مذاکرات، منابع خارجی از ایجاد ساختارهای جدی برای گفت‌وگو و احتمال مذاکرات مقامات ایرانی و آمریکایی در هفته جاری خبر دادند. خبرگزاری تسنیم نیز به نقل از یک منبع آگاه، این اخبار را تأیید کرد. انعکاس این تحولات دیپلماتیک بلافاصله در تالار شیشه‌ای دیده شد؛ چرا که کاهش ریسک‌های سیستماتیک همواره اولین جرقه برای صعود بازارهای مالی و کاهش انتظارات تورمی است.

چشمک اهرمی‌ها

بررسی وضعیت صندوق‌های اهرمی در معاملات روز گذشته، به خوبی آینه تمام‌نمای هیجان مثبت و بازگشت اعتماد به تالار شیشه‌ای بود. این صندوق‌ها که به دلیل خاصیت اهرمی خود، همواره مورد توجه نوسان‌گیران و معامله‌گران جسور بازار هستند، روزی کاملاً سبز را پشت سر گذاشتند. تمامی نمادهای این گروه در محدوده مثبت ۳ تا ۴ درصد معامله شدند که نشان‌دهنده پیش‌بینی معامله‌گران از تداوم روند صعودی شاخص کل است. ارزش سفارش‌های خرید در پنج خط اول این صندوق‌ها با اختلافی فاحش نسبت به سفارش‌های فروش، عدد ۳۱۸.۴ میلیارد تومان را ثبت کرد که حکایت از صف‌نشینی خریداران برای تصاحب واحدهای اهرمی دارد. اگرچه آمارها خروج جزئی پول حقیقی (حدود ۶۲ میلیارد تومان) را از این صندوق‌ها نشان می‌دهند، اما نگاهی به سرانه فروش ۲۲۱ میلیون تومانی در مقابل سرانه خرید ۱۶۷ میلیون تومانی و همچنین مشارکت ۸۵ درصدی حقیقی‌ها در سمت خرید، ثابت می‌کند که جابه‌جایی‌های بزرگی در مالکیت این واحدها رخ داده و بخش بزرگی از عرضه حقوقی‌ها توسط خریداران مشتاق حقیقی بلعیده شده است. این استقبال بی‌نظیر از ابزارهای اهرمی، پیام روشنی به بازار مخابره کرد: انتظارات برای رشد بورس در کوتاه‌مدت بسیار بالاست.

سایه سنگین اونس جهانی بر صندوق‌های طلا

در حالی که بازار سهام روزی درخشان را پشت سر گذاشت، بازار طلا با شوکی جدی مواجه شد. صندوق‌های طلای بورسی که تا هفته‌های پیش با تقاضای انباشته همراه بودند، امروز شاهد خروج سنگین نقدینگی و افت قیمت بودند. این تغییر فاز ناشی از دو عامل کلیدی بود؛ اول افت اندک و مدیریت‌شده قیمت دلار در بازارهای داخلی که تحت تأثیر اخبار مثبت مذاکرات رخ داد، و دوم، سقوط تاریخی و بی‌سابقه اونس جهانی طلا.

قیمت طلا در بازارهای جهانی روز دوشنبه با افتی خیره‌کننده، بیش از ۴ درصد از ارزش خود را از دست داد و با کاهش ۲۰۴ دلاری، به رقم ۴۶۸۳ دلار در هر اونس رسید. این ریزش سنگین که ادامه‌دهنده فشار فروش جلسات قبل بود، عمدتاً تحت‌تأثیر تشدید انتظارات نسبت به سیاست‌های پولی انقباضی فدرال رزرو آمریکا و افزایش نرخ بهره رخ داد. همچنین موج شناسایی سود توسط معامله‌گران بزرگ پس از یک دوره رشد پرشتاب، به این اصلاح دامن زد. تغییر فضای انتظارات پیرامون فدرال رزرو در کنار خروج سرمایه‌های سفته‌بازانه از معاملات مومنتومی، باعث شد فلز زرد یکی از سنگین‌ترین اصلاح‌های کوتاه‌مدت خود را تجربه کند که ترکش‌های آن مستقیماً به بازار داخلی و صندوق‌های طلا اصابت کرد. در مجموع، به نظر می‌رسد جابه‌جایی بزرگی در سبد دارایی سرمایه‌گذاران در حال وقوع است؛ جایی که طلا جای خود را به سهام می‌دهد.

بیشتر نمادهای صندوق‌های طلا در محدوده منفی معامله شدند و اکثر صندوق‌ها افت قیمتی بین ۲ تا ۴ درصد را تجربه کرده‌اند و تقریباً هیچ نمادی در محدوده مثبت نبوده است. بررسی جریان پول اشخاص حقیقی نشان‌دهنده خروج سنگین پول از این صندوق‌هاست. تا زمان تنظیم این گزارش ۱۸ میلیارد تومان پول خرد در خارج کردن نقدینگی از صندوق‌های طلا بوده‌اند.

خبر

نقش بازار سرمایه در شرایط تعلیق اقتصادی

حسین عبده تبریزی، پیشکسوت بازار سرمایه، در همایش «فرصت‌های تأمین مالی از طریق بازار سرمایه در وضعیت رکود و انتظار» با توصیف شرایط کنونی اقتصاد ایران، تأکید کرد که اقتصاد کشور نه در وضعیت رکود معمول و نه در یک بحران کوتاه‌مدت، بلکه در شرایطی عمیق‌تر با عنوان «تعلیق» قرار دارد. به گفته او، تعلیق به معنای از کار افتادن سازوکارهای عادی تصمیم‌گیری اقتصادی است؛ وضعیتی که در آن افق سرمایه‌گذاری کوتاه می‌شود، محاسبات ریسک اعتبار خود را از دست می‌دهد و فعالان اقتصادی تصمیم‌های بزرگ را به تعویق می‌اندازند. در چنین فضایی، منطق بقا جایگزین منطق بهینه‌سازی می‌شود. عبده تبریزی نشانه‌های این وضعیت را کاملاً عینی دانست و گفت: «افزایش تمایل مردم به نگهداری دارایی‌های امن مانند طلا و ارز، ناتوانی بانک‌ها در اعطای تسهیلات مؤثر، عقب‌نشینی دولت از نقش حمایتی به دلیل کسری بودجه مزمن و حتی کاهش فعالیت ابزارهای نوین مالی مانند لنتک‌ها و صندوق‌های تأمین مالی جمعی، همگی بیانگر شکل‌گیری یک «فضای ایست» در اقتصاد هستند؛ فضایی که در آن تحرک اقتصادی به حداقل می‌رسد. او در تشریح نقش بازار سرمایه در چنین شرایطی تأکید کرد که بازار سرمایه قادر به انجام معجزه نیست، اما می‌تواند نقش «طراح» را ایفا کند. به باور او، مزیت اصلی بازار سرمایه نسبت به بانک‌ها و دولت، نه در حجم منابع، بلکه در انعطاف‌پذیری ابزارهای مالی است. این بازار می‌تواند با طراحی ابزارهای نوین، بخشی از نقدینگی سرگردانی را که امروز به سمت دارایی‌های غیرمولد می‌رود، به سمت تولید هدایت کند؛ مشروط بر آنکه بتواند بازدهی و امنیت ذهنی قابل رقابت برای سرمایه‌گذاران ایجاد کند. عبده تبریزی در این میان، بورس کالای ایران را نهادی کلیدی دانست و گفت، بورس کالا می‌تواند نقشی فراتر از یک بازار خام‌فروشی ایفا کند. به گفته او، این بورس ظرفیت آن را دارد که تولید فلزات و مواد معدنی را به ابزارهای مالی تبدیل کند و به پلی میان نیاز بنگاه‌ها به نقدینگی و نیاز سرمایه‌گذاران به حفظ ارزش دارایی تبدیل شود. در بخش پایانی سخنان خود، عبده تبریزی بزرگ‌ترین اصلاح نهادی برای خروج از وضعیت تعلیق را «مردمی‌سازی واقعی» صنعت نفت و گاز دانست. او پیشنهاد داد شرکت ملی نفت ایران به یک هلدینگ بزرگ سهامی عام با مالکیت شفاف تبدیل شود و سهام آن به‌صورت عادلانه میان مردم توزیع شود. به گفته او، در چنین مدلی، نمایندگان واقعی مردم در هیأت‌مدیره درباره قیمت‌گذاری، مصرف و صرفه‌جویی تصمیم‌گیری خواهند کرد و تمرکز مالکیت و ابهام مسئولیت که منشأ بسیاری از کشمکش‌های اقتصادی امروز است، از میان خواهد رفت. عبده تبریزی تأکید کرد، اگر تجربه‌هایی مانند سهام عدالت با طراحی و مدیریت صحیح اصلاح شوند، این مسیر می‌تواند یکی از مهم‌ترین اصلاحات نهادی اقتصاد ایران باشد و اقتصاد نفتی را از مالکیت دولتی به مالکیت مردمی منتقل کند.

نفت و گاز سرو

فراخوان عمومی تأمین مواد اولیه شیمیایی و معدنی

شرکت توسعه صنایع نفت و گاز سرو در نظر دارد به‌منظور تأمین اقلام و مواد شیمیایی مورد نیاز خود، اقدام به شناسایی و ارزیابی تأمین‌کنندگان واجد صلاحیت نماید. لذا از کلیه شرکت‌های توانمند، دارای سوابق مرتبط و مجوزهای لازم دعوت به‌عمل می‌آید در این فراخوان عمومی شرکت نمایند.

◀ موضوع فراخوان: تأمین مواد و اقلام شیمیایی به‌شرح جدول ذیل:

ردیف	نام ماده	اطلاعات فنی اولیه	ردیف	نام ماده	اطلاعات فنی اولیه
۱	اکسید آلومینیوم خردایش شده	ترکیبی از فازهای آلفا و گاما- ۱۵ میکرون - سطح ویژه $35\text{-}45\ \frac{m2}{g}$	۴	کربنات سدیم	سبک با خلوص بالا
			۵	اکسید روی درجه یک	با درجه خلوص ۹۹/۸ درصد
۲	هیدروکسید آلومینیوم خردایش شده	۱۵ میکرون	۶	محلول آمونیاک	۲۵ درصد
			۷	سولفات آهن	هفت آبه (کریستال)
۳	هیدروکسید سدیم (سود)	پرک با خلوص بالا	۸	اکسید منیزیم خردایش شده	DBM ۱۵ میکرون - بالای ۹۵ درصد

◀ شرایط و الزامات برای متقاضیان:
۱- برخورداری از شخصیت حقوقی ثبت شده
۲- داشتن مجوزهای قانونی مرتبط (پروانه بهره‌برداری تولید و مجوز واردات مواد مذکور)
۳- دارا بودن توانایی تأمین مستمر و منظم مواد اولیه مورد نیاز
۴- برخورداری از امکانات مناسب نگهداری و انبارش مواد شیمیایی
۵- تعهد به رعایت الزامات ایمنی، زیست‌محیطی و مقررات HSE شرکت کارفرما.
۶- ارائه سوابق فعالیت در پروژه‌های مشابه در سه سال اخیر
۷- توانایی ارائه برگه اطلاعات ایمنی مواد (MSDS) و آنالیز فنی برای اقلام

◀ مدارک مورد نیاز:
۱- رزومه و سوابق کاری مرتبط
۲- مدارک ثبتی شرکت (روزنامه رسمی، گواهی ثبت شرکت، اساسنامه و ...)
۳- فهرست اقلام قابل تولید / تأمین به‌همراه مشخصات فنی و برند محصول
۴- گواهی‌نامه‌ها و مجوزهای قانونی
۵- اطلاعات تماس و نشانی کارخانه، دفتر مرکزی و انبار
• بدیهی است مدارک مذکور می‌بایست به‌صورت مکاتبه رسمی ارسال گردد.

◀ نحوه ارسال مدارک:
شرکت‌ها می‌توانند نسبت به ارسال مدارک، به یکی از روش‌های زیر اقدام نمایند:
• به‌صورت حضوری به آدرس: تهران ونک خیابان ملاصدرا خیابان شیخ بهایی شمالی خیابان معصومی پلاک ۴۴ کدپستی ۱۹۹۱۷۱۳۶۶۰ - واحد بازرگانی
• از طریق پست سفارشی به آدرس پستی فوق
• به‌صورت الکترونیکی از طریق ایمیل رسمی شرکت توسعه صنایع نفت و گاز سرو: info@Sarvco.ir

◀ توضیحات تکمیلی: برای اطلاعات بیشتر می‌توانید با واحد بازرگانی شرکت به‌شماره ۰۲۱-۸۸۶۱۹۳۰۰ داخلی ۱۲۱۷ تماس حاصل فرمایید.

نوبت اول

آگهی فراخوان

۷۷۰۰۴۰۴۳۲۴ / ت ک م ع / ۲۳۳۹

شرکت پالایش نفت تهران (سهامی عام)

لوازم یدکی اتوسمپلر دستگاه دانسیتومتر DMA 5000

آخرین مهلت ارسال مدارک، طبق بند ۴ صفحه ۲ اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ می‌باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت (www.torc.ir) بخش فراخوان‌ها مراجعه فرمایید.

TORC TENDERS

روابط عمومی شرکت پالایش نفت تهران

نوبت اول

آگهی تجدید فراخوان

۰۴۸۰۲۵۸ / ت ک م ع / ۲۳۲۴

شرکت پالایش نفت تهران (سهامی عام)

FISHER CONTROLS LEVEL

آخرین مهلت ارسال مدارک، طبق بند ۴ صفحه ۲ اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ می‌باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت (www.torc.ir) بخش فراخوان‌ها مراجعه فرمایید.

TORC TENDERS

روابط عمومی شرکت پالایش نفت تهران

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
(نوبت دوم انتشار)

مجتمع تحقیقاتی و صنعتی شهید حسین پور در نظر دارد ازطریق آگهی روزنامه نسبت به واگذاری انجام موضوع زیر اقدام نماید:

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ تضمین شرکت درمناقصه
۶۸۲۱/۷۳/۰۴/م ع/۲۴	تأمین متریال، ساخت، تست و تحویل دهی مجموعا ۴۲ عدد چراغ دید در شب مورد نظر کارفرما (با انواع زاویه‌های ۱۳۰ تا ۳۶۰ درجه)	۴،۰۹۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال

معیارهای کلی ارزیابی مناقصه‌گر: ۱ دانش، تجربه و سابقه اجرایی مرتبط با موضوع مناقصه ۲ توانایی مالی، فنی و تجهیزاتی ۳ حسن سابقه ۴ پروانه بهره‌برداری/ جواز کسب/مجوز فعالیت از اصناف مربوطه ۵ وضعیت موقعیت مکانی مناقصه‌گر ۶ وضعیت گواهی‌نامه سمتا

◀ مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ الی ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ غیر ازپنج‌شنبه و ایام تعطیل رسمی از ساعت ۸:۰۰ تا ۱۶:۰۰ ◀ مهلت تکمیل و تحویل پاکت‌های پیشنهاد: از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ الی ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ در محل کارفرما ◀ تاریخ گشایش پاکت‌های پیشنهاد: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ ◀ مبلغ فروش اسناد مناقصه: مبلغ ۱۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال واریز به‌شماره شبا IR ۰۹۰۱۵۰۰۰۰۰۰۰۹۸۷۸۰۰۳۶۵۵۱۱ بانک سپه شعبه مرکزی شاهین شهر(فیش واریزی بانکی باید هنگام دریافت اسناد مناقصه ارائه گردد)قبل از واریز بایستی "شناسه پرداخت" از مدیریت بازرگانی -امور قراردادهای مجتمع دریافت گردد. ◀ مناقصه‌گزار اختیار رد هریک یا تمام پیشنهادهای مناقصه‌گران را برای خود محفوظ می‌داند. ◀ پرداخت هزینه درج آگهی در روزنامه به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
◀ تمامی جزئیات و شرایط شرکت در مناقصه در اسناد مناقصه ذکر شده است.
◀ نشانی و تلفن: شاهین شهر- خیابان شهید بهشتی- نبش میدان مسرور- مجتمع تحقیقاتی و صنعتی شهید حسین پور

تلفن واحد بازرگانی: ۰۳۱۴۵۲۲۲۰۱۰- داخلی ۸۵۸۸۵ و فکس: ۰۳۱۴۵۲۳۰۷۰۱

نوبت دوم

موضوع مناقصه شماره ۲۰۰۴۰۰۱۰۶۳۰۰۰۰۲۹:
انجام پروژه احداث کریدور اتصالی بین سالن‌های ۸/۹ و ۱۰/۱۱ نمایشگاه بین المللی تهران

موضوع مناقصه شماره ۲۰۰۴۰۰۱۰۶۳۰۰۰۰۳۰:
اصلاح و تعمیر اساسی دو دستگاه پکیج ۱۳۰ تن و یک دستگاه چیلر ۴۰ تن سالن ۵ نمایشگاه بین المللی

شرکت سهامی نمایشگاه بین‌المللی ج.ا.ایران در نظر دارد مناقصات عمومی فوق الذکر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری از دریافت اسناد مناقصات تا ارائه پیشنهادات مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تضامین شرکت در مناقصات:
شماره مناقصه: ۲۰۰۴۰۰۱۰۶۳۰۰۰۰۲۹ : به مبلغ ۳/۵۱۹/۹۳۲/۸۹۹ ریال
شماره مناقصه: ۲۰۰۴۰۰۱۰۶۳۰۰۰۰۳۰ : به مبلغ ۴/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
ضمانت‌نامه بانکی به نفع مناقصه‌گزار (شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی) طبق فرمت مندرج در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ هیأت وزیران) که اعتبار آن کمتر از سه ماه نبوده و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.(درج شود جهت شرکت در مناقصه) و یا فیش واریزی

آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد ایران:	ساعت: ۱۵	روز: شنبه	تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
آخرین مهلت تحویل پاکات در سامانه ستاد ایران:	ساعت: ۱۵	روز: شنبه	تاریخ: ۱۴۰۴/۱۲/۲

آدرس: تهران- بزرگراه شهید چمران- خیابان سئول -شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی- تلفن: ۲۱۹۱۲۷۹۰-۲۱۹۱۲۵۹۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۱۴۵۶ . دفتر ثبت نام: ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷

شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی ج.ا.ایران

نوبت دوم

وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان

P.M.O

آگهی اخطار به مالك یا مالکین شناور مغروقه

به‌اطلاع می‌رساند لاشه مغروقه‌ای در مجاورت حوضچه بندر شهید حقانی- بندرعباس در حدود مختصات جغرافیایی E 16.658 056 و N 10.192 27 شناسایی گردیده است. به‌اطلاع مالک یا مالکین یا مدعیان مالکیت احتمالی می‌رساند ضرورت دارد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ نشر این آگهی نسبت به ارائه اسناد مالکیت و یا احکام قطعی مراجع قضایی دال بر اثبات مالکیت به این اداره کل (اداره حقوقی) ارائه و یا ارسال نمایند در غیر اینصورت این اداره کل در راستای وظایف قانونی خود و براساس ماده ۳۷ قانون دریایی و دستورالعمل اجرایی آن اقدام‌های لازم را به‌عمل آورده و هزینه‌های ناشی از خارج‌سازی و همچنین هزینه‌های تبعی از قبیل حمل، انبارداری و نگهداری و سایر هزینه‌های مرتبط را وفق مقررات از طریق برگزاری مزایده عمومی فروش لاشه مغروقه به نفع دولت وصول خواهد نمود.

نشانی: بندرعباس- مجتمع بندر شهید رجایی- ساختمان مرکزی اداره کل- اداره حقوقی و قراردادها- کدپستی ۸۳۷۹۷-۷۹۱۷۱

روابط عمومی اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان
شناسه: ۲۰۹۹۴۲۲

کوتاه از فناوری

■ محققان دانشگاه هیوستون با یک روش نوین مدیریت حرارتی که مانند یک «دیود حرارتی» عمل می‌کند، راهکاری برای مقابله با داغ کردن گوشی پیدا کردند. به این ترتیب گرما فقط در یک جهت جریان پیدا می‌کند و می‌تواند به دستگاه‌های الکترونیکی کمک کند نقاط داغ را بهتر کنترل کنند.

تازه‌های موبایل

■ گزارش‌ها حاکی است درحالی که هنوز تاریخ انتشار مشخصی برای اولین آیفون تاشو مشخص نشده، ولی اپل به دومین آیفون تاشوی خود فکر می‌کند که کوچک‌تر از نمونه تاشوی اول است. ممکن است این آیفون، یک گوشی تاشو با تاشوندگی افقی باشد.

روبات

■ یک استارتاپ آمریکایی از اولین روبات انسان‌نمای خود با نام «اسپروت» با ارتفاع یک متر رونمایی کرد. این روبات که با الهام از شخصیت‌های انیمیشن‌ها طراحی شده، برای زندگی در خانه‌ها، مدارس و فضاهای اجتماعی کارآمد است. بدن «اسپروت» با پوششی نرم و از جنس فوم به رنگ سبز پوشانده شده و کودکان می‌توانند به‌راحتی با آن ارتباط چشمی برقرار کنند.

علم

■ یک پژوهش علمی جدید نشان می‌دهد افرادی که روزانه بیش از سه ساعت تلویزیون تماشا می‌کنند و در یک نوبت بیش از چهار قسمت از یک سریال را می‌بینند، بیش از دیگران در معرض احساس تنهایی و شکل‌گیری الگوهای اعتیادآور تماشای پشت سرهم قرار دارند.

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ بتازگی یک شبکه اجتماعی با نام «Moltbook» طراحی شده که تنها هوش مصنوعی در آن فعالیت دارد و انسان‌ها فقط نظاره‌گر هستند. این پلتفرم دنیایی را نشان می‌دهد که ایجنت‌های هوش مصنوعی با سرعتی باورنکردنی در آن تعامل می‌کنند.

■ پژوهشگران با طراحی سامانه هوش مصنوعی «MOSAIC» فرآیند سنتز شیمیایی را به طرز چشمگیری ساده‌تر و سریع‌تر کرده‌اند. پژوهشگران با استفاده از این سامانه می‌توانند تا ۳۵ ترکیب را با پتانسیل تبدیل شدن به محصولاتی مانند داروها، مواد شیمیایی کشاورزی یا محصولات آرایشی تولید کنند بدون آنکه نیازی به جست‌وجوی بیشتر یا اصلاح شرایط باشد.

امروز همزمان با روز ملی فناوری فضایی از ۳ پروژه جدید رونمایی می‌شود

اولین‌های فضایی در دولت چهاردهم

فاوا

میترا جلیلی
دبیر گروه علم و فناوری

۱۷ سال از نامگذاری ۱۴ بهمن‌ماه به‌عنوان روز ملی فضایی ایران می‌گذرد؛ روزی که «سفیر» به‌عنوان اولین موشک ماهواره‌بر ایران، سکوت آسمان را شکست و اولین ماهواره ساخت داخل با نام «امید» را در مدار نزدیک زمین قرار داد؛ هرچند این ماهواره پس از حدود سه ماه فعالیت در مدار و انجام مأموریت‌های محوله، به کار خود پایان داد اما ایران را با وجود تحریم‌ها، به نهمین کشور جهان با توانمندی ارسال ماهواره به فضا تبدیل کرد. این، تازه آغاز این مسیر بود و نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که حالا دیگر صنعت فضایی کشور به مرحله تثبیت و کاربردی شدن رسیده و توسعه اقتصاد فضا در دستور کار قرار گرفته است؛ مسیری که نشان می‌دهد تحریم‌ها حریف نخبگان ایران نشده و به گفته رئیس سازمان فضایی، ایران حالا دیگر با بهره گرفتن از منابع انسانی متخصص و تکیه بر دانش بومی، زنجیره کاملی از طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره و ساخت ماهواره‌بر را در اختیار دارد؛ چرخه‌ای که پیش از این تنها در اختیار حدود ۱۰ کشور جهان از جمله آمریکا، روسیه، چین، کشورهای اروپایی، فرانسه، ژاپن و هند قرار داشت. امروز (۱۴بهمن‌ماه) همزمان با روز ملی فناوری فضایی، با حضور رئیس‌جمهوری، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و رئیس سازمان فضایی، از پروژه‌های جدید فضایی ماهواره، تصاویر ماهواره‌ای و پایگاه جدید فضایی رونمایی می‌شود.

رونمایی از یک ماهواره منظومه شهید سلیمانی

امروز ایران در حال ورود به ساخت منظومه ماهواره‌ای است و یکی از دستاوردهایی که قرار است امروز در هفدهمین روز ملی فناوری فضایی ایران رونمایی شود، اولین نمونه ابعاد اصلی یکی از ماهواره‌های منظومه شهید سلیمانی است. این منظومه که قرار است در قالب ۲۴ ماهواره راهی فضا شود، بر توسعه خدمات اینترنت اشیا با بهره‌گیری از دانش بومی تمرکز دارد. به گفته رئیس سازمان فضایی ایران، قرار است تا پایان سال جاری، پرتاب‌هایی هم از پایگاه چابهار با پرتابگرهای داخلی انجام شود. البته حسن سالاریه یادآور شد: «انجام تست‌های سازگاری میان ماهواره و ماهواره‌بر، فرآیند تحویل و همچنین آزمون‌های نهایی پیش از پرتاب، باید با دقت و حساسیت بالا انجام شود. این مراحل ممکن است زمان‌بر باشد اما تلاش داریم با تکمیل کامل فرآیندهای فنی، پرتاب ماهواره‌ها با پرتابگرهای داخلی تا پایان سال محقق شود.» او تأکید کرد: «به محض تکمیل ماهواره و پرتابگر مربوطه، اولین پرتاب از پایگاه چابهار انجام خواهد شد.»

انتشار عمومی تصاویر ماهواره «پایا»

انتشار تصاویر ماهواره «پایا» به صورت عمومی برای اولین‌بار و همچنین بهره‌برداری از مرکز فضایی و کنترل ماهواره سلماس، بخشی دیگر از دستاوردهایی است که امروز از آن رونمایی می‌شود. سه ماهواره «ظفر۲»، «پایا» و «کوثر» که در دی‌ماه پرتاب شدند، در حال حاضر در وضعیت مناسبی قرار دارند. طبق گزارش سازمان فضایی ایران، عملکرد همه زیرسامانه‌های ماهواره پایا که توسط «صاایران» طراحی شده، مورد تأیید قرار گرفته است. نشانه‌روی ماهواره، با کیفیت و دقت لازم به سمت زمین انجام و تصویربرداری نیز چند هفته‌ای است که آغاز شده و این تصاویر، امروز برای اولین‌بار رونمایی خواهد شد.

> امروز در روز ملی فناوری فضایی علاوه بر اولین ماهواره منظومه شهید سلیمانی، از تصاویر ماهواره پایا و همچنین مرکز فضایی کنترل ماهواره سلماس رونمایی می‌شود

حمایت معاونت علمی از تولید بار اول سه ماهواره ملی

حمایت از نخبگان حوزه فضا تنها به سازمان فضایی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات محدود نمی‌شود و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهوری هم به این حوزه ورود کرده و از حمایت از تولید بار اول سه ماهواره ملی خبر داده است. حسین افشین، معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رئیس‌جمهوری بتازگی از انعقاد قراردادهای تولید بار اول با شرکت دانش‌بنیان «امید فضا» خبر داده و یادآور شده است: «دو ماهواره کوثر نسخه ۱.۶ و یک ماهواره کوثر نسخه ۱.۷ با حمایت معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری ساخته می‌شود و با پشتیبانی سازمان فضایی کشور در مدار قرار خواهد گرفت. این سه ماهواره، گام اول برای تکمیل فناوری‌های کلیدی مورد نیاز جهت شکل‌گیری منظومه ماهواره‌ای بومی در مقیاس بزرگ‌تر به شمار می‌روند.» معاون علمی رئیس‌جمهور با اشاره به حمایت هدفمند دولت از توسعه صنعت فضایی با نقش‌آفرینی شرکت‌های دانش‌بنیان عنوان کرد: «امروز صنعت فضایی به‌عنوان یکی از پیشران‌های راهبردی اقتصاد دانش‌بنیان، نقشی کلیدی در اقتدار ملی، توسعه فناوری‌های پیشرفته، ایجاد اشتغال تخصصی و حضور مؤثر در زنجیره ارزش جهانی ایفا می‌کند.»

رئیس بنیاد ملی نخبگان ادامه داد: «بر همین اساس، دولت با تمرکز بر تجاری‌سازی فناوری‌های فضایی، توسعه ماهواره‌های بومی، تقویت زیست‌بوم نوآوری و افزایش مشارکت بخش خصوصی، برنامه‌ریزی منسجمی را برای شتاب‌دهی به این حوزه در دستور کار قرار داده است.»

نگاهی به کارنامه اقدامات دولت

برش

- انجام تست‌های نهایی و پرتاب موفق ماهواره چمران۱ توسط ماهواره‌بر قائم ۱۰۰
- انجام تست‌های نهایی و پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره‌های «کوثر» و «هدهد» توسط ماهواره‌بر «سایوز»
- انجام تست‌های نهایی و پرتاب چندگانه موفق بلوک انتقال مداری سامان۱، ماهواره فخرا و یک محموله تحقیقاتی توسط ماهواره‌بر سیمرغ
- رونمایی از ۳ ماهواره «ناوک»، «پارس۱» و «پارس۲» توسط وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در مراسم روز ملی فناوری فضایی ۱۴۰۳
- پرتاب ماهواره مخابراتی ناوک با وزن ۴۰ کیلوگرم توسط نمونه ارتقایافته پرتابگر سیمرغ در بهمن ۱۴۰۳
- پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره مخابراتی ناهید ۲ توسط پرتابگر سایوز در مرداد ۱۴۰۴
- توسعه و بهسازی زیرساخت‌های سامانه رصد اپتیکی اجرام فضایی در شهریور ۱۴۰۴
- انجام آزمون زیرمداری ماهواره‌بر سیمرغ ارتقایافته (ماهواره هاتف۲) در شهریور ۱۴۰۴
- آزمون زیرمداری ماهواره‌بر ذوالجناح (ماهواره شریف ست-دوستی) شهریور ۱۴۰۴
- پیشرفت بیش از ۹۵ درصدی عملیات عمرانی فاز اول پایگاه فضایی چابهار مهرماه ۱۴۰۴
- پیشرفت بیش از ۹۷ درصدی فرآیند ساخت ایستگاه‌های زمینی سلماس و چناران مهرماه ۱۴۰۴
- پیشرفت ۵۵ درصدی احداث مرکز تست و تجمیع ماهواره کلاس یک تن مهرماه ۱۴۰۴
- پرتاب همزمان ماهواره‌های پایا، ظفر۲ و نمونه دوم کوثر دی‌ماه ۱۴۰۴

آگهی مناقصه عمومی
شماره (م/۱۴۰۴/۷۴) نوبت اول

جهاد کشاورزی
وزارت جهاد کشاورزی
شرکت پشتیبانی امور دام کشور

۱- مناقصه‌گزار: شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۷۷۱۷۳۶ و شماره اقتصادی ۴۱۱۱۱۳۶۷۳۷۷۱ به نشانی: تهران-میدان ونک-خیابان برزیل شرقی-پلاک ۳۳- طبقه همکف- کمیسیون معاملات

۲- موضوع فرآیند ارجاع کار: خرید ۲۰۰ هزار تن ذرت وارداتی
از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به‌شماره مناقصه ۲۰۰۴۰۰۱۰۱۴۰۰۰۳۵۲

۳- نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: اصل فیش واریزی وجه نقد به شماره حساب شبا IR ۹۰۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۹۸۰۶۳۷۰۵۶۴ باکدشناسه شماره ۹۳۱۲۰۳۹۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۱ خزانه بانک مرکزی قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران و سایر بانک‌های مجاز یا ضمانت‌نامه بانکی به‌نام مناقصه‌گزار (به‌جز بانکهای سرمایه و ایران زمین) و یا اوراق مشارکت بی‌نام تضمین شده بانکها و دولت با قابلیت بازخرید قبل از سررسید (موضوع قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت) را ضمن درج تصویر آن در سامانه ستاد، در پاکت الف لاک و مهر شده تا ساعت ۱۵ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ جداگانه به مناقصه‌گزار تسلیم و رسید دریافت نمایند.

۴- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۹۲۰/۰۶۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال (نهصد و بیست میلیارد و شصت و دو میلیون ریال)
به نام شرکت پشتیبانی اموردام کشور با حداقل ۳ ماه اعتبار از تاریخ انتشار اگهی نوبت اول

۵- زمان دریافت اسناد، ارائه پیشنهاد و گشایش پیشنهادهای مالی:
۵-۱- مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد: تا ساعت ۱۹روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
۵-۲- مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه ستاد: تا ساعت ۱۹روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
۵-۳- مهلت تحویل پاکت الف محتوی اصل تضمین: تا ساعت ۱۵ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
۵-۴- زمان گشایش پیشنهادها واقع در نشانی مناقصه‌گزار: ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

۶- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ می‌باشد.
۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
تاریخ انتشار نوبت اول مناقصه روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ می‌باشد.
تاریخ انتشار نوبت دوم مناقصه روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ می‌باشد.

روابط عمومی

آگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای
اجاره فضای باشگاه ورزشی (بدنسازی) مجموعه چندمنظوره پارک فناوری پردیس

PARDIS Technology Park IRAN MICRON VALLEY

پارک فناوری پردیس در نظر دارد مزایده «اجاره فضای باشگاه ورزشی (بدنسازی) مجموعه چندمنظوره پارک فناوری پردیس» به‌شماره ۵۰۰۴۰۰۴۵۶۴۰۰۰۰۰۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.
تاریخ انتشار فراخوان در سامانه از ساعت: ۱۸:۰۰ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۹ می‌باشد.

- **مهلت زمانی دریافت اسناد مزایده از سایت:** تا ساعت ۱۹:۰۰ روزشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ فقط از طریق سامانه ستاد قابل تهیه می‌باشد.
- **مهلت زمانی ارائه پیشنهاد:** ساعت ۰۸:۰۰ روزسه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
- **زمان بازگشایی پاکت‌ها:** ساعت ۰۹:۰۰ روزسه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

سایر شرایط:
- **مبلغ تضمین شرکت در مزایده:** ۱۸۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
- **مدت انجام کار:** مدت قرارداد اجاره ۱۲ ماهه شمسی
- **اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار:** جهت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مزایده و ارائه پاکات:
تهران، کیلومتر ۲۰ جاده دماوند، پارک فناوری پردیس، مجتمع سراج، کدپستی ۱۶۵۴۱۲۰۸۳۷ تلفن: ۷۶۲۵۰۲۵۰-۰۲۱ جناب آقای بنار ۲۴۳۴ - ۲۴۳۵ نمابر: ۷۶۲۵۰۱۰۰-۰۲۱

وزارت نیرو
شرکت مدیریت منابع آب ایران
شرکت آب منطقه‌ای تهران

تجدید فراخوان مناقصه عمومی

شرکت آب منطقه‌ای تهران در نظر دارد انجام خدمات عمومی پشتیبانی، بهره برداری، تعمیرات و نگهداری تاسیسات سد و نیروگاه امیرکبیر را با جزئیات مندرج در اسناد مناقصه ، با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار ذیصلاح دارای گواهینامه صلاحیت انجام کار معتبر در حداقل پایه(۲) رشته بهره برداری، نگهداری و تعمیرات نیروگاههای برقابی از سوی وزارت نیرو(شرکت مدیریت منابع آب ایران) یا گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر در حداقل رتبه ۵ رشته نیرو یا رتبه ۵ رشته تاسیسات و تجهیزات یا رتبه ۵ رشته آب از سازمان برنامه و بودجه کشور واگذار نماید. لذا کلیه واجدین شرایط میتوانند جهت اطلاع از شرایط و دریافت احجام کار و مشخصات موضوع مناقصه با کد شناسه ۲۰۰۴۰۰۱۰۲۵۰۰۰۰۳۴ به وب گاه سامانه مذکور به نشانی: www.setadiran.ir مراجعه و نسبت به ارائه پیشنهاد خود با رعایت موارد ذیل اقدام نمایند:

- مبلغ برآورد انجام کار به میزان ۴۵۷،۴۲۰،۲۳۰،۲۲۷ ریال بر مبنای نرخ حقوق و دستمزد سال ۱۴۰۴ ابلاغی از سوی وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تاکسیرانی می باشد. ضمنا مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار معادل ۲۲،۸۷۱،۰۱۱،۵۱۱ ریال می باشد.
- برگزاری مناقصه صرفا از طریق سامانه مناقصه های الکترونیکی دولت بوده و کلیه مراحل فرایند مناقصه از دریافت مجموعه اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه، ارائه پیشنهاد و رمزگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) انجام خواهد شد. لذا کلیه شرکت کنندگان در مناقصه می بایست صرفا ظرف مهلت های تعیین شده در سامانه مذکور و با استفاده از امضای الکترونیکی، نسبت به ثبت پیشنهاد خود اقدام نمایند.
- مناقصه گران می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) با مرکز پشتیبانی سامانه مذکور به شماره ۱۴۵۶ تماس حاصل نمایند. سایر جزئیات و اطلاعات مربوطه در اسناد مناقصه درج شده، همچنین مناقصه گران میتوانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۹۵۲۱۶۳ (دستگاه مناقصه گزار) تماس حاصل نموده یا به سایتهای اطلاع رسانی به نشانی www.thrw.ir , www.iets.mporg.ir مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت آب منطقه‌ای تهران

آب هست، نه برای همیشه...

م الف ۴۱۴۳ شناسه ۲۱۱۲۰۲۴

آگهی مزایده فروش املاک مازاد

بانک گردشگری در نظر دارد در راستای اجرای ماده ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴، دستورالعمل نحوه واگذاری اموال مازاد بانک‌ها مصوب ۱۳۹۹/۰۳/۲۷ شورای پول و اعتبار، دستورالعمل اصلاحی مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ و همچنین دستورالعمل سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار بانک مرکزی، سیاست‌ها و الزامات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران درخصوص فروش اموال تملیکی و با استناد به آیین‌نامه معاملات بانک، نسبت به‌فروش و واگذاری املاک به‌شرح زیر با وضعیت موجود و بر مبنای قیمت پایه مزایده به‌صورت نقد و اعمال مفاد ماده ۱۴ دستورالعمل فوق‌الذکر مطابق شرایط و جداول پیوست اسناد مزایده، اقدام نماید.

لذا، از تمامی متقاضیان خرید دعوت می‌گردد:
حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰، جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد با شماره ۲۳۹۵۳۱۶۴-۲۳۹۵۳۱۶۶-۲۳۹۵۳۱۶۸ تماس حاصل نموده و درخواست خود را در پاکات دربسته حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ به دبیرخانه مرکزی بانک گردشگری (سهامی عام) به آدرس تهران، بلوار فرهنگ پایین‌تر از میدان فرهنگ، نبش بن‌بست نور، پلاک ۶ ساختمان مرکزی بانک گردشگری به کدپستی ۱۹۹۷۷۳۴۴۵۹ ارسال نمایند.
درخواست متقاضیان می‌بایست شامل نحوه تسویه ثمن معامله (نقدی، اقساط، و...) و موارد ذیل باشد:

- پیشنهادات فاقد تضمین شرکت در مزایده، مخدوش، مبهم و مشروط، مردود است.
- برای اشخاص حقوقی، امضای درخواست توسط یکی از صاحبان امضای مجاز ضروری است.
- تضمین شرکت در مزایده معادل ۵ درصد مبلغ پایه مزایده هر ملک است که پیشنهاد دهنده می‌بایست به یکی از دو صورت زیربه‌همراه سایر اسناد مزایده در پاکات پیشنهاد تحویل نماید.

الف) پرداخت نقدی در وجه شماره حساب ۱۱۰-۳۱۱۰-۱۰۰۰۰۰۳ به‌نام سپرده شرکت در مزایده نزد شعبه مرکزی بانک گردشگری.

ب) ارائه ضمانت‌نامه شرکت در مزایده براساس نمونه مندرج در اسناد مزایده می‌باشد.

- ضمنا تاریخ بازگشایی پاکات و اسناد مزایده روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ می‌باشد

توضیحات مهم:

۱. مبنای قیمت پایه مزایده و انجام معامله به‌صورت نقدی براساس ارزش‌گذاری توسط کارشناسان رسمی خواهد بود.
۲. بانک در پذیرش یا عدم پذیرش هریک یا تمامی درخواست‌ها و پیشنهادات مختار است.

الف: مزایده فروش املاک مازاد

ردیف	نشانی ملک	مساحت عرصه	مساحت اعیان	کاربری	نوع ملکیت	شهر	پلاک ثبتی	قیمت پایه به‌صورت نقدی (ریال)
۱	مشهد- بلوار وحدت - بلوار امیرالمومنین - نبش امیرالمؤمنین ۳- برج بین‌المللی کوثر	۳,۶۲۷	۳۴,۵۳۴	تجاری-اقامتی	۱۴۷ سهم مشاع از ۶۰۰ سهم	مشهد	۱/۶۹۶۹	۱۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲	تبریز-چهارراه آبرسان - نبش کوچه مهرگان		۱,۲۷۲	تجاری	۶ دانگ	تبریز	۴۲۴۰۱	۱,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳	بلوار سجاد - چهارراه گلریز طبقه دوم		۲۴۱	تجاری	۶ دانگ	مشهد	۱۳۷۰۱/۴	۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۴	بلوار سجاد - چهارراه گلریز طبقه سوم		۲۴۱	تجاری	۶ دانگ	مشهد	۱۳۷۰۱/۴	۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۵	بلوار سجاد - چهارراه گلریز طبقه چهارم		۲۴۱	تجاری	۶ دانگ	مشهد	۱۳۷۰۱/۴	۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۶	تهران-خیابان شهید فیاضی(فرشته)- بعد از خیابان شبدیز-پلاک ۵۱ مجتمع تجاری-اداری داریوش		۲۴۴	تجاری	۶ دانگ	تهران	پلاک‌های ثبتی به‌شماره ۳۴۶۳ /۴_۳۴۶۳ /۲_۳۳۷۴ /۲_۳۴۶۵	۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۷	لواسان کوچک-قریه احمد آباد	۲,۳۸۸		باغ	۲,۷۱ دانگ مشاع از ۶ دانگ عرصه	تهران	۳۳/۱۴	۲,۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۸	لنگرود-چمخاله-نبش کوچه جورابچی	۵۸	۵۸	تجاری	۶ دانگ	گیلان	۱۳۲۱/۳۹	۷۴,۷۶۳,۰۰۰,۰۰۰
۹	تهران-بازار مبل ایران بافت آباد		۱۲۲	تجاری	۶ دانگ	تهران	۴۹۲۰۰/۳	۷۳۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۰	تهران-بازار مبل ایران بافت آباد		۵۵	تجاری	۶ دانگ	تهران	۴۹۰۷۷/۳	۳۸۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۱	تبریز-شهرک باغچیان - خیابان نور - خیابان شفا - ۱۲متری-جنب پلاک ۱۰۴	۱۶۹	۳۳۶	زمین	۳۰ سهم از ۹۶ سهم عرصه و اعیان	تبریز	۲۶۷۳/۱۲	۵۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۲	شهرستان گنبد کاووس -قریه ایمر	۵۰۰,۰۰۰		مزروعی	۶,۲۵ هکتار از ۵۰هکتار-عرصه	گنبد کاووس	۸/۳	۷۵,۶۲۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳	کرج - ماهدشت-خیابان سرداران- بین خیابان ۵ و ۶ جنوبی	۶,۹۳۴		زمین	۱۷ سهم مشاع از ۱۰۰ سهم عرصه و اعیان	کرج	۲۳۱۱/۹	۱۳۵,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۴	تبریز-نصف راه -روبه‌روی اداره گاز -کرامت -پلاک ۴۵	۱۶۹	۵۲۴	زمین	۶۳ سهم از ۹۶ سهم عرصه و اعیان	تبریز	۴۰/۶۰۰۷	۱۱۲,۶۱۲,۵۰۰,۰۰۰
۱۵	تبریز - قراملک - پشت بانک تجارت - پلاک ۳۲	۱۳۸	۱۱۲	مسکونی	۲۸ سهم از ۹۶ سهم عرصه و اعیان	تبریز	۳۸/۶۹۷۰	۱۴,۰۸۷,۵۰۰,۰۰۰
۱۶	کرمان- بلوار ۲۲ بهمن	۲۰۵	۱۲۳	مسکونی	۲۹ سهم از ۹۶ سهم اعیان	کرمان	۳۷۳/۳۹۸۹	۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۷	دماوند، روح افزا بالاتر از حمام پلاک ۸۸		۸۸	مسکونی	۰,۷۹ سهم از ۶سهم	دماوند	۱۸۲۱/۶۸	۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۸	تهران، بزرگراه رسالت، خیابان هنگام، حد فاصل زین الدین و استقلال، کوچه فرشید، پلاک ۶		۸۱	مسکونی	۶ دانگ	تهران	۲۹۴۹/۶۷۲۰	۷۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۹	نیاوران خ پور ابتهاج-انتهای خداوردی خ صادقین غربی اقاقیا- کوچه بهمنش-پلاک ۳	۱۷۸	۸۶۶	آپارتمان	۶ دانگ	تهران	۱۱۴۲/۴/۱۳۹	۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۰	ژله، جزیره کیش اراضی شرقی نوار توسعه سیاحتی قطعه TS-۳۹ (پیشرفت فیزیکی۴۰درصد)	۲,۰۲۵	۱۳۴۱۶,۶۳	تجاری	۶ دانگ	کیش	TS-۳۹	۱۷,۴۵۹,۴۲۲,۰۰۰,۰۰۰
۲۱	تهران، خیابان شهید فیاضی، خیابان آقابزرگی، خیابان صحرا، پ۲۴ مجتمع نگین صحرا طبقه چهاردهم و پانزدهم آپارتمان دوبلکس غربی واحد ۴۰		۵۷۶,۵۸	مسکونی	۶ دانگ	تهران	۱۶۹۴فرعی از ۳۳۳۵ اصلی مفروز و مجزی از ۴۸۲ قطعه ۴۰ بخش	۲,۰۵۴,۰۶۶,۲۵۰,۰۰۰
۲۲	ملک تهران دریا نو خیابان زنجان شمالی، خیابان اقبال آشتیانی پلاک ۱ ط ۴		۹۸,۵		۶ دانگ	تهران	۴۰۵۳۲۹/۲۳۹۵	۶۲,۴۶۳,۸۰۰,۰۰۰
۲۳	بابلسر بلوار طالقانی کوچه سنبل ساختمان سنبل		۱۲۱,۱۶	مسکونی	۶ دانگ	بابلسر	۱۹۸۵۸/۱	۵۶,۷۰۳,۴۰۰,۰۰۰
۲۴	درکه، خیابان احمد پور سید مفیدی بالاتر از شاه چراغی برج آمیتیس		۲۰۱	مسکونی	۶ دانگ	تهران	۳۹۲۳/۶۹/۲۳۰	۳۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۵	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۴۲	۹۶۶		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۵۹-۱۱۶	۲,۲۵۳,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۶	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۴۳	۱,۰۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۶۰-۱۱۶	۲,۳۳۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۷	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۴۱	۱,۰۳۴		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۵۸-۱۱۶	۲,۴۱۰,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۸	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۵۱	۱,۰۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۷۱-۱۱۶	۲,۲۶۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲۹	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۵۲	۱,۰۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۷۲-۱۱۶	۲,۲۶۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۰	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۴۰	۱,۰۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۷۳-۱۱۶	۲,۳۳۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۱	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۴۴	۱,۲۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۶۱-۱۱۶	۲,۸۷۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۲	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۴۸	۱,۲۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۹۳-۱۱۶	۲,۸۷۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۳	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۵۰	۱,۰۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۹۴-۱۱۶	۲,۲۶۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۴	پونک کوچه پونه ۴ خیابان ۱۲ متری یک پلاک۱- قطعه ۴۹	۱,۰۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران	۱۸۹۲-۱۱۶	۲,۲۶۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۵	ولنجک تهران ولنجک خیابان ۱۶ متری نبش امیرآبادی		۸۷۲	مسکونی	۶ دانگ	تهران	۱۴۱۸۰۶۷	۵,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۶	تهران فرحزادی کوی ثقفی جنب ساختمان شقایق پلاک ۱۱۶ (درختی)	۲,۷۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران		
۳۷	تهران فرحزادی کوی ثقفی جنب ساختمان شقایق پلاک ۱۱۶ (درختی)	۴۳۱		زمین	۶ دانگ	تهران		۳۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۸	تهران فرحزادی کوی ثقفی جنب ساختمان شقایق پلاک ۱۱۶ (درختی)	۲,۴۶۳		زمین	۶ دانگ	تهران		
۳۹	کاشانک تهران نیاوران خیابان پور ابتهاج (کاشانک) خیابان صبوری		۴۸۷,۲	مسکونی	۶ دانگ	تهران	۲۰۲۹/۵	۲,۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۴۰	تهران محمودیه خیابان جوانان خیابان ب بین خیابان دوم و چهارم	۵۰۰		زمین	۶ دانگ	تهران	۳۷۶۵-۵۰	۵,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۴۱	پاسداران نبش گل نبی مجتمع تجاری اداری پاس واحد ۴۰۶	۶,۶۸۹	۱۰۱	اداری	۶ دانگ	تهران	۴۰-۹۳۰	۳۴۸,۸۱۲,۲۵۰,۰۰۰
۴۲	پاسداران نبش گل نبی مجتمع تجاری اداری پاس واحد ۴۰۷	۶,۶۸۹	۱۰۰	اداری	۶ دانگ	تهران	۴۰-۹۳۰	۳۴۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۴۳	پاسداران نبش گل نبی مجتمع تجاری اداری پاس واحد ۴۰۸	۶,۶۸۹	۱۹۵	اداری	۶ دانگ	تهران	۴۰-۹۳۰	۶۷۲,۳۳۶,۰۰۰,۰۰۰
۴۵	پاسداران نبش گل نبی مجتمع تجاری اداری پاس واحد ۶۱۶	۶,۶۸۹	۶۶	اداری	۶ دانگ	تهران	۴۰-۹۳۰	۲۳۶,۰۰۳,۰۰۰,۰۰۰
۴۶	پاسداران نبش گل نبی مجتمع تجاری اداری پاس واحد ۶۱۷	۶,۶۸۹	۱۱۸	اداری	۶ دانگ	تهران	۴۰-۹۳۰	۴۲۰,۲۴۲,۲۰۰,۰۰۰
۴۷	پاسداران نبش گل نبی مجتمع تجاری اداری پاس واحد ۷۱۵	۶,۶۸۹	۱۱۱	اداری	۶ دانگ	تهران	۴۰-۹۳۰	۴۰۱,۷۷۱,۴۷۵,۰۰۰
۴۸	پاسداران نبش گل نبی مجتمع تجاری اداری پاس واحد ۷۱۶	۶,۶۸۹	۹۱	اداری	۶ دانگ	تهران	۴۰-۹۳۰	۳۲۸,۵۹۶,۹۷۵,۰۰۰
۴۹	پاسداران نبش گل نبی مجتمع تجاری اداری پاس واحد ۷۱۹	۶,۶۸۹	۱۲۱	اداری	۶ دانگ	تهران	۴۰-۹۳۰	۴۳۶,۷۲۸,۶۰۰,۰۰۰
۵۰	کیش بلوار لوپ دیدار برج صدف قطعه ۸۶ طبقه ۱۲ واحد ۸۶	۵۱,۶۰۰	۱۴۷	مسکونی	۶ دانگ	کیش	T.W.O.N1	۵۵۳,۸۸۷,۵۶۸,۴۱۶
۵۱	دماوند، مشا، جیلارد قطعه ۲۰۹	۵۸۵		زمین	۶ دانگ	دماوند	۵۶-۲۴۷۲	۴۰۸,۵۵۳,۶۹۹,۲۲۹
۵۲	کیش مجتمع مسکونی مینا رزیدنس قطعه VC-۳۰۸-۳۰۷ شماره ۰۴۰۰۴C		۱۷۰	مسکونی	۶ دانگ	کیش	VC۳۰۸-۳۰۷	۶۱۸,۸۰۷,۳۷۰,۹۲۸
۵۳	دماوند، مشا، بلوار دشت قطعه ۲۱۰	۶۱۱		زمین	۶ دانگ	دماوند	۵۶-۲۴۷۳	۴۵۱,۷۸۵,۷۱۵,۴۳۶
۵۴	مازندران، عباس آباد قطعه ۲	۴۳۱		زمین	۶ دانگ	مازندران	۱۴۴-۲۲۳۳	۱۹۵,۷۲۰,۲۳۳,۴۴۷
۵۵	مازندران، عباس آباد قطعه ۱۴	۴۴۰		زمین	۶ دانگ	مازندران	۱۴۴-۲۲۳۵	۲۰۰,۲۰۶,۹۵۶,۷۱۷
۵۶	مازندران، عباس آباد قطعه ۱۳	۴۱۸		زمین	۶ دانگ	مازندران	۱۴۴-۲۲۴۴	۱۸۹,۸۷۸,۸۵۶,۱۴۰
۵۷	مازندران بابلسر شهرک ساحلی خیابان شهید محبوبی محبوبی ۲۰ قطعه ۲۶۸	۲۳۳		زمین	۶ دانگ	مازندران	۱-۱۱۳۰۵	۳۲۸,۵۷۱,۴۲۸,۵۷۱
۵۸	مازندران عباس آباد قطعه ۵	۴۱۹		زمین	۶ دانگ	مازندران	۱۴۴-۲۲۳۶	۱۹۰,۳۷۸,۸۹۶,۲۲۰

ب. مجتمع خدماتی میکانوپلازا به آدرس: جزیره کیش منطقه ۳ اقتصادی، میرمهنا، فاز۲، قطعه۵ com

ردیف	طبقه	واحد	کاربری	متراژ	قیمت پایه به‌صورت نقدی (ریال)
۱	همکف	۲	خدماتی	۵۷,۷۳	۳۳۶,۸۱۹,۹۱۲,۰۰۰
۲	همکف	۶	خدماتی	۶۳,۹۹	۳۷۳,۳۴۳,۲۵۶,۰۰۰
۳	همکف	۱۰	خدماتی	۱۱۹,۵	۶۶۵,۵۱۹,۴۰۰,۰۰۰
۴	همکف	۱۱	خدماتی	۱۲۳,۵۱	۶۷۶,۹۳۳,۶۰۸,۰۰۰
۵	اول	۱۰۴	خدماتی	۱۸۹,۶	۷۶۹,۷۷۶,۰۰۰,۰۰۰
۶	اول	۱۰۶	خدماتی	۶۷,۷۹	۲۹۰,۴۱۲,۳۶۰,۰۰۰
۷	اول	۱۰۷	خدماتی	۷۹,۱۸	۳۶۹,۳۵۸,۸۶۴,۰۰۰
۸	اول	۱۱۱	خدماتی	۱۳۴,۶۶	۶۰۲,۵۲۲,۷۰۴,۰۰۰
۹	اول	۱۱۲	خدماتی	۱۳۲,۳۹	۵۹۱,۹۱۸,۳۷۶,۰۰۰
۱۰	دوم	۲۰۸	خدماتی	۷۹,۱۸	۳۲۳,۰۵۴,۴۰۰,۰۰۰
۱۱	دوم	۲۱۲	خدماتی	۱۳۴,۵۸	۵۶۶,۱۵۰,۴۷۱,۱۰۰
۱۲	دوم	۲۱۴	خدماتی	۸۰,۵۸	۳۲۸,۷۶۶,۴۰۰,۰۰۰
۱۳	سوم	۳۰۴	خدماتی	۱۳۷,۹	۴۲۱,۹۷۴,۰۰۰,۰۰۰
۱۴	سوم	۳۰۵	خدماتی	۶۸,۶	۲۷۹,۸۸۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۵	سوم	۳۰۸	خدماتی	۷۹,۱۸	۲۹۰,۷۴۸,۹۶۰,۰۰۰
۱۶	سوم	۳۰۹	خدماتی	۶۸,۹۹	۲۵۳,۳۳۱,۲۸۰,۰۰۰
۱۷	سوم	۳۱۲	خدماتی	۱۹۲,۵۵	۶۴۶,۸۱۳,۹۶۰,۰۰۰
۱۸	همکف	۸	خدماتی	۶۸,۷	۴۱۰,۶۸۹,۶۹۹,۲۰۰
۱۹	همکف	۱۲	خدماتی	۱۳,۸۵	۷۷,۷۷۷,۶۱۱,۲۰۰
۲۰	اول	۱۰۳	خدماتی	۹۶,۹۱	۴۵۸,۵۷۱,۳۳۶,۳۰۰
۲۱	اول	۱۱۰	خدماتی	۷۹,۹۱	۴۰۲,۹۱۸,۵۴۷,۶۳۶
۲۲	دوم	۲۰۷	خدماتی	۶۹,۵۹	۳۱۸,۳۹۴,۲۰۸,۴۱۲
۲۳	دوم	۲۱۳	خدماتی	۹۸,۸۸	۴۳۸,۸۵۱,۵۸۹,۱۲۰
۲۴	سوم	۳۰۱	خدماتی	۱۰۸,۷	۴۸۲,۴۳۴,۹۴۸,۸۰۰
۲۵	سوم	۳۰۲	خدماتی	۵۷,۷۳	۲۴۳,۴۰۷,۷۳۷,۹۴۴
۲۶	سوم	۳۰۳	خدماتی	۹۶,۸۳	۴۰۸,۲۶۵,۵۶۸,۴۲۴
۲۷	سوم	۳۰۶	خدماتی	۹۳,۲۳	۴۱۳,۷۷۵,۶۲۳,۵۲۰
۲۸	سوم	۳۱۱	خدماتی	۷۹,۹۱	۳۳۶,۹۲۵,۵۵۵,۸۴۸
۲۹	سوم	۳۱۳	خدماتی	۹۷,۷۷	۳۲۵,۴۴۳,۸۷۰,۳۶۰

بانک گردشگری
TOURISM BANK

بانک گردشگری - مدیریت امور پشتیبانی و املاک

ایران
Iran Newspaper
سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۸۹۵۲
irannewspaper irannewspapper

راهکارهای سید جواد میری، جامعه‌شناس برای عبور از التهابات اخیر

ایران به مثابه ملک مشاع

می‌توان از دل همین رخدادهای تلخ هم پنجره‌هایی تازه به روی آینده گشود

تکثر و تنوع، امتیاز و فرصت ایران است از پذیرش آن هراس نداشته باشیم

عکس: رضا مصطفوی | ایران

روزنامه ایران در یکی دو هفته اخیر، ناظر بر بررسی و تحلیل ناآرامی‌های کشور، سلسله گفت‌وگوهایی را با اندیشمندان و صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف، به‌خصوص علوم اجتماعی، داشته است. در این مدت، تحلیل‌های مختلفی هم درباره ناآرامی‌ها، مطرح شده است. برخی بعد خارجی و تأثیرگذاری عوامل خارجی را در این اتفاقات بررنگ‌تر دیدند و برخی هم زمینه‌های بروز این اعتراضات را در عوامل داخلی جست‌وجو کردند. با اینکه تحلیل شما از بروز این اتفاقات را خواهیم داشت، بیشتر بحث‌مان ناظر بر این است که چرا اعتراضات در ایران به خشونت کشیده می‌شود و چه راهکارها یا پیشنهادهایی می‌تواند ارائه شود که وجه خشونت را از اعتراضات جدا کند. ابتدا تحلیل مختصر شما از اعتراضات را داشته باشیم.

قبل از اینکه به این بحث ورود کنم و بگویم که زمینه‌های این اتفاقات و اعتراضاتی که به زبان شما به خشونت هم کشیده شده چیست، لازم است به چند نکته اشاره کنم. یکی اینکه فرهنگ عمومی ما ایرانیان به‌گونه‌ای است که گویی از بروز اختلاف، تفاوت‌ها، تکثرها و بیان آنها ترس و واهمه وجود دارد. وقتی اتفاقی می‌افتد که به خیابان می‌کشد و به خیابان می‌آید از او سؤال می‌کند که شما چرا مثلاً بی‌خانمان شدی؟

ما در سال‌های اخیر و گرفتار، یک‌دفعه بلند نمی‌شویم بگوییم تقصیر مثلاً نیکسون یا تقصیر ریگان است یا تقصیر یک فلسفه لیبرالیسم است. گفت من کار می‌کردم، تعدیل نیرو کردند و ما کارمان را از دست دادیم. گفت ضب، چرایی سحر حالا آمدی و صبحِ خیابان؟ می‌گوید ضب من یک وام گرفته بودم از بانک، باید به وام بانک را پرداخت می‌کردم. وقتی تعدیل کردند، نتوانستم وام بانک را بدهم. باز هم پرسید چرا آمدی وسط صبح خیابان؟ می‌منظورتو که چه چیز بزرگ‌تری بگوید؛ گفت هیچی دیگر، بانک هم آمد دارایی خودش را برداره، بیمه من قطع شد، من نتوانستم کاری بکنم، همسرم جدا شد، بچه‌ها را هم برداشت برد. آن‌قدر سلسله مراتب وجود داشت که اصلاً که کاخ سفید نمی‌رسید. اینجا مسئولان و معماران حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارسال شود تا این گزینه‌های تهدیدآمیز بی‌اثر شود یا از روی میز برداشته شود؟ آنچه به نظر می‌رسد این است که شاید جامعه نیازمند یک شوک جدی اصلاحی و آگاه‌کننده باشد؛ شوکی که نه ویرانگر، بلکه بیدارکننده و سامان‌دهنده باشد.

امروز حتی زمینه‌های این تحول با شوک بزرگ اصلاحی هم فراهم شده است. اجازه بدهید یک مثال ساده توضیح بدهم. فرض کنید در یک خبرگزاری یا روزنامه، حدود ۲۰ یا ۳۰ نفر مشغول به کار هستند. شما مدیرمسئول هستید و طبیعی است که همه این افراد از حضورشان در این مجموعه بهره می‌برند؛ هم بهره فرهنگی، هم منفعت اقتصادی. حال تصور کنید که ناگهان از میان این ۳۰ نفر ۲۵ یا ۲۸ نفر را کنار بگذارید. چند روز بعد به همان افرادی که اخراج شده‌اند، بگویید: «ما می‌خواهیم این روزنامه را به یک قطب بزرگ خبری در سطح جهانی تبدیل کنیم؛ بیایید و به ما کمک کنید.» در واقع به آنها می‌گویید: کمک کنید شهرت و درآمد ما بالا برود، اما شما هیچ نفعی نبرید؛ نه نفع مالی، نه نفع هویتی، نه هیچ چیز دیگر. بدیهی است که آن ۲۵ یا ۲۸ نفری که حذف شده‌اند، به هیچ وجه با شما همکاری نخواهند کرد. سیستم مدیریتی ما طی حدود پنجاه سال گذشته نیروهایی را در درون خود تربیت کرده؛ نیروهایی که هویت اجتماعی، سیاسی و حرفه‌ای‌شان را از همین ساختار گرفته‌اند. اگر جمهوری اسلامی نباشد، بسیاری از این چهره‌ها اساساً موضوعیت پیدا نمی‌کنند؛ از سید محمد خاتمی گرفته تا مهدی کروبی و حسن روحانی و جواد ظریف و... از نهضت آزادی تا جریان‌ها و افراد متعدد دیگر. هویت و معنای آنها در نسبت با جمهوری اسلامی شکل گرفته است. اما امروز می‌بینیم که این نیروها نه در ساخت رسانه‌ای مثل صداوسیما، نه در ساخت قدرت، نه در ساخت ثروت و نه در دیگر سازوکارهایی که واقعیت و هویت جمهوری اسلامی را شکل می‌دهد، حضور مؤثر ندارند. در چنین شرایطی، وقتی این نیروها حذف می‌شوند و بعد در مواجهه با تهدید خارجی یا در یک وضعیت نابسامان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، خواسته می‌شود که «بیایید کمک کنید»، طبیعی است که پاسخ مثبت گرفته نشود.

جامعه‌ای که سهمی در قدرت، ثروت، منزلت و هویت نداشته باشد، انگیزه‌ای هم برای مشارکت نخواهد داشت. وقتی اساساً امکان بروز و ظهور داده نمی‌شود، این خود نشان می‌دهد که ما نیازمند طرح یک سؤال اساسی هستیم: چگونه می‌توان مشارکت اجتماعی را در برابر تهدیدات، نه به‌صورت شعاری بیان کفت‌وگو و نقد معنادار، افزایش داد یا تعمیق کرد؟

البته درباره شخصیت‌هایی که نام بردید، من براساس شناخت از آنان و موضعشان، فکرمی کنم برخلاف مثال شما، اگر آوافعا به صورت صادقانه کمکی خواسته شود، آنان دریغ نمی‌کنند. با وجود برخی بی‌مهری‌ها نسبت به آنان در بزنگاه‌های مجموعاً موضع‌گیری کرده‌اند. شاید موضعشان صددرصد منطبق با موضع رسمی نبوده، اما وظیفه ملی خودشان را ادا کرده‌اند.

تصور کنید امروز شبکه یک صداوسیما را می‌بینید و یک میرگرد موجود و جریانی شکل‌گیری متنوع و متکثر در داخل شکل‌گیری اعتراضات، یا حضور چهره‌هایی مطرح، مثلاً آقای سید محمد خاتمی، آقای حسن روحانی، آقای رضا پهلوی که می‌خواهد مشارکت مؤثر در تصمیم‌سازی‌ها داشته باشد. امروز جامعه ما با مسائل متعددی درگیر است؛ از بحران محیط زیست، خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها گرفته تا مشکلات اقتصادی و اجتماعی. یا این حال، به نظرمن رسانه بسیاری از این مشکلات، سیاسی است. مضاف بر اینکه در یک خیابان می‌آیند و فریاد می‌زنند، در واقع پیام سیاسی می‌دهند؛ پیامی که اگر جدی گرفته شود، بسیاری از گره‌های کور را نیز به تدریج باز خواهد شد.

در این زمینه، اندیشه «ایران به مثابه ملک مشاع» که مرحوم مهدی حائری یزدی (فقیه - فیلسوف) مطرح کرده، می‌تواند راهگشا باشد. ایران ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد.

برای رسیدن به چنین نقطه‌ای، آنچنان که شما توضیح دادید، نیازمند یک شوک بزرگ اصلاحی هستیم تا نیروهای مختلف را دوباره پای گفت‌وگو بنشاند. آیا بعد جنگ تحمیلی، مردم با رضایت به نفع گفتمان انقلابی از تکثر و تنوع خود به نفع وحدت رسمی گذشتند چون اقتضای دوره استقرار برخی بی‌مهری‌ها هم مسئولیت در این خصوص دارند و باید آنان هم مسئولانه عمل کنند؟

اگر نیروهای سیاسی بیاموزند که هدف از قدرت، خود قدرت نیست، بلکه خدمت به مردم و حفظ ایران وحدت کلمه یعنی چه؟ «کلمه» فقط یک واژه نیست. ریشه این واژه، که گفته می‌شود در زبان‌های کهن مانند سریانی هم به‌کار رفته، دو معنا دارد که در ظاهر متضادند: یکی «واژه» و دیگری «زخم». اما نکته جالب اینجاست که در هر دو معنا، مفهوم «ترمیم» و «التیام» هم وجود دارد. یعنی اگر در این پنج دهه، در جامعه ما زخم‌هایی ایجاد شده، راه ایجاد وحدت دقیقاً از بازگشت به همان زخم‌ها می‌گذرد؛ از شناخت آن‌ها، پذیرششان و تلاش برای درمانشان. وحدت با پنهان کردن زخم یا پوشاندن آن، ایجاد نمی‌شود. وحدت یک واژه نیست. ریشه این واژه، که گفته می‌شود در زبان‌های کهن مانند سریانی هم به‌کار رفته، دو معنا دارد که در ظاهر متضادند: یکی «واژه» و دیگری «زخم». اما نکته جالب اینجاست که در هر دو معنا، مفهوم «ترمیم» و «التیام» هم وجود دارد. یعنی اگر در این پنج دهه، در جامعه ما زخم‌هایی ایجاد شده، راه ایجاد وحدت دقیقاً از بازگشت به همان زخم‌ها می‌گذرد؛ از شناخت آن‌ها، پذیرششان و تلاش برای درمانشان. وحدت با پنهان کردن زخم یا پوشاندن آن، ایجاد نمی‌شود. وحدت

تاکید شما مبنی بر ضرورت یک شوک اصلاحی بزرگ به عنوان راهکار کوتاه‌مدت عبور از التهابات اخیر، این مفهوم را نیز در دل خود دارد که از دل همین التهابات هم می‌توان یک فرصت اصلاحی ساخت.

برش

به یاور من، یکی از موضوعات مهمی که باید در همین اتفاقات اخیر جدی گرفته شود، نگاه فرصت‌محور است. من این تحولات را شبیه همان حدیث پیامبر می‌دانم که می‌فرماید: در دوران زندگی، دفعه‌ها و نسیم‌هایی می‌وزد؛ خود را در معرض آنها قرار دهید. این اتفاقات و وقایع می‌توانند همان «نفحات دهر» باشند؛ گشایش‌های زمانه، نه‌ضرورتاً تراژدی‌های تاریخی. بنابراین برای اهل اندیشه و افرادی که اهل فکر و تحلیل‌اند، این رویدادها الزاماً شوم نیستند. درست است که در این مسیر تلخی‌هایی داشته‌ایم، اما می‌توان از دل همین رخدادها هم پنجره‌هایی تازه به روی آینده گشود. یکی از این پنجره‌ها، به گمان من، در بازگشت به همان مفاهیمی است که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی مطرح می‌شد: جایی که روحانیون پیشرو از «فقه پویا» و از «مقتضیات زمان و مکان» سخن می‌گفتند.

اگر قرار است حکمرانی موفقی داشته باشیم، باید مقتضیات زمان و مکان را در نظر بگیریم. حتی خود امام خمینی هم گفته‌اند: حفظ نظام، اوجب واجبات است. اما وقتی این جمله را در کنار مفهوم زمان و مکان می‌گذاریم، درمی‌یابیم که «حفظ نظام» فقط به معنای نگه داشتن ساختار سخت‌افزاری قدرت نیست. گاهی ضرورت حفظ نظام در این است که فهم خود را از مفاهیم بنیادی دگرگون کنیم: یعنی برداشت‌مان از جمهوری، از مجلس، از مجلس خبرگان، از دولت، از مجمع تشخیص مصلحت، و از شیوه اداره جامعه را متناسب با شرایط جدید زمانه و جهان بازتعریف کنیم.

جمهوری اسلامی در زمانی متولد شد که جهان دوقطبی بود: شوروی در یک سو و آمریکا و غرب در سوی دیگر، میان نظام‌های سوسیالیستی و سرمایه‌داری. اما امروز جهان دیگر در آن وضعیت نیست. نظام جهانی دگرگون شده و جمهوری اسلامی باید خود را با این تحولات تازه تطبیق دهد، متناسب با مقتضیات جدید جهان، خود را بازسازی کند و بتواند دگرگونی در فهم و مدیریت کلان خود ایجاد نماید.

اگر ما به مقتضیات زمان و مکان، نه فقط در بُعد فلسفی و نظری، بلکه در بُعد اجتماعی و عینی توجه کنیم، نظام نیز کارآمدی پایدارتری پیدا می‌کند. در چنین حالتی، اقتصاد پاسخ می‌دهد، سیاست معنا پیدا می‌کند و دیپلماسی نیز منطقی‌تر پیش می‌رود.

رفتار و تهدیدهای ایالات متحده، نه‌فقط علیه ایران بلکه نسبت به آمریکای لاتین، روسیه، چین و حتی اروپا و آفریقا، نشانه‌ای است از اینکه نظم جهانی در حال تغییر است. جهان دیگر در وضعیت یک‌قطبی نیست و از آن حالت گذشته، دارد به سمت چندقطبی شدن حرکت می‌کند. حال سؤال این است: ایران در نسبت با قطب‌ها و قدرت‌ها چه استراتژی‌ای باید انتخاب کند؟ آیا باید با یکی از آنها درگیر شود و از حمایت چند قطب دیگر استفاده کند؟ یا باید تلاش کند با همه به شکلی متوازن و مستقل تعامل کند؟ اینها پرسش‌های راهبردی هستند که اگر پاسخ روشنی برایشان داده نشود، مشکلات بزرگی در پی خواهد داشت.

کسانی که در کشور طراحی و تصمیم‌سازی می‌کنند، چه در حوزه نظامی، امنیتی و اقتصادی، چه در حوزه سیاست و فرهنگ، اگر نسبت به این تحولات جهانی آگاهی کامل نداشته باشند و خود را با جهان متحول امروزی تنظیم نکنند، نظام در داخل نیز دچار مشکل خواهد شد؛ از جمله اختلاف گرفته تا فناوری، از سیاست تا اجتماع.

نظام سیاسی کشور باید خودش را در نسبت با این تغییرات جهانی و تحولات درونی ایران ارزیابی کند. در همین منطقه خودمان نیز تحولات بزرگی در جریان است که نباید از آن غافل شد. آمریکایی‌ها برای خاورمیانه طرح کلانی دارند؛ یکی از محورها در این طرح این است که هژمون فعلی منطقه باید اسرائیل باشد نه ایران، نه ترکیه، نه عربستان، نه پاکستان؛ سوریه با هم در عمل از بین برده‌اند. در چنین شرایطی، ایران باید تصمیم بگیرد چه رویکردی کم‌هزینه‌تر و واقع‌گرایانه‌تر برایش خواهد بود.

حرف آخر اینکه ما برای عبور از بحران‌های مزمن و تکراری، نیازمند تدوین یک استراتژی امنیت ملی هستیم که مبتنی بر واقعیات داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. در کوتاه‌مدت و گذر از التهابات اخیر نیاز به یک شوک بزرگ اصلاحی داخلی داریم. جامعه هم منتظر و هم پذیرای این شوک است. نیازمند شهامت برای گفت‌وگو و نقد هستیم. تکثر و تنوع، امتیاز و فرصت ایران است. از پذیرش آن هراس نداشته باشیم.

فاصله یک اعتراض تا رأس مدیریت به اندازه یک روز است. خب این نشان می‌دهد یک چیزی در این میان وجود دارد. حالا درست است جمهوری اسلامی یک پدیده جدید است و نسبت به سیستم‌هایی مثل اروپا و خیلی جاهای دیگر خیلی جوان‌تر و نوپاتر است؛ اما باید درباره‌اش فکر کنیم که چه اتفاقی می‌افتد.

آقای دکتر! این «یک چیزی» که به نظرتان فاصله اعتراض یا مدیریت را خیلی کم می‌کند، چیست؟

می‌خواهم بگویم درباره پدیده جمهوری اسلامی، خیلی اندیشه‌ورزی نکرده‌ایم. کسانی که در باب جمهوری اسلامی قرار بوده بیندیشند یا فکر بکنند و نظریه‌پردازش باشند، همزمان با اوایل انقلاب یا از دنیا رفتند، یا شهید شدند، یا کشته شدند، یا خودشان ضد جمهوری اسلامی شدند.

در واقع باید به این برسیم که آیا جمهوری بودنش، اصل و اساس و همینطور، مثلاً قرار بوده تفسیر سنتی از اسلام مبنا باشد، یا آن چیزی که به آن می‌گفتند «فقه پویا»؟ یا نه، ولایت فقیه مهم بوده؟ خب اگر ولایت فقیه مهم بوده، نسبت این ولایت فقیه - به مثابه یک چهارچوب و نظام - با خود مثلاً سیستم جمهوری اسلامی چیست؟ ابد و بردار، یک بار اظهار نظرهای زیادی دراین باره شده است، اما یک ایده که چهارچوب مشخص، تدوین‌شده و منسجمی باشد که پاسخ‌دهنده به سؤالات نظری و عملی باشد، گویی وجود ندارد.

بالاخره جمهوری اسلامی یک نظام سیاسی است که باید یک جامعه صد میلیونی را در منطقه پرتلاطم خاورمیانه و غرب آسیا و در جهانی که در چند سال اخیر در تعلیق قرار گرفته، مدیریت کند. ناظر بر این مدیریت چگونه باید بیندیشیم؟

من نگران این هستم که این بحث ما را دچار همان ایرادی کند که خود شما بدان! فرمودید؛ یعنی به جای اطلاع‌رسانی و تحلیل ناظر بر رویدادها با توجه به جزئیات، دچار یک کلیت‌های تاریخی شود.

بحث من خیلی ساده و خیلی خلاصه و موجزاست. من می‌گویم جمهوری اسلامی، به مثابه یک نظام سیاسی مانند بسیاری از نظام‌هایی که در جهان وجود دارد، جهار پایه اصلی دارد: سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و نظامی-امنیتی.

تئوری من برای قیمه اینکه یک اعتراضات رخ می‌دهد و به خشونت کشیده می‌شود و برای مواجهه با آنها چه باید کرد، به این برمی‌گردد که نگاه واقع‌بینانه به این چهار پایه داشته باشیم.

سال ۸۸ اتفاقاتی پیرامون انتخابات ریاست جمهوری افتاد. عده‌ای معترض نتیجه انتخابات بودند و عده‌ای هم در برابر معترضان قرار داشتند. هر دو طرف چهره‌ها و شخصیت‌ها و گروه‌های مورد تأیید نظام یا سابقه انقلابی و سابقه طولانی در مسئولیت‌های جمهوری اسلامی در فضای مجازی شکل گرفته بود - قطع کردیم. من بحث امنیتی آن را نمی‌دانم و نظر مخالفی دربارهٔ آن وجه ندارم؛ ولی چیزی که می‌دانم این است که قطع اینترنت کار درستی نبود چون ارتباط کف جامعه و طلایه مردم با حاکمیت را بطور کامل قطع کردیم. نتیجه‌اش چه می‌شود؟ نتیجه‌اش همان رویدادهای خشونت‌بار بعدی می‌شود که دیدیم و کلی تحلیل‌ها و اظهارنظرهای تاریخی، فلسفی و... که چه بسا ربطی هم به اصل موضوع یا علتی رویدادهای اخیر و خسارات وارده به مردم و بازاریان ندارد. یک دوست جامعه‌شناس تعریف می‌کرد یک آقا که در آمریکا خانه‌اش را از دست داده بود، وسط خیابان زندگی می‌کرد. خبرنگاری می‌آید از او سؤال می‌کند که شما چرا مثلاً بی‌خانمان شدی؟

اگر به جای دولت فعلی، هر دولت دیگری هم بود، چه‌بسا این اتفاقات رخ می‌داد؛ ممکن است دست و حدت آن فرق می‌کرد. ممکن بود به‌جای اینکه در دیماه اتفاق بیفتد در ۱۴۰۳ اتفاق بیفتد در ۱۴۰۲ اتفاق می‌افتاد. ولی واقع امر این است که اگر نظامی به این چهار پایه نیندیشد و به این چهار پایه فکر نکند، گریزی از التهابات و اعتراضات نداشت.

وقتی می‌گوییم استراتژی امنیت ملی، منظورمان بحث امنیتی یا «سکیورتی» به معنای اطلاعاتی و سرویس اطلاعاتی نیست.

چند روز پیش یکی از مسئولان به تلویزیون آمد و یک نکته‌ای را گفت. مجری، از ایشان پرسید که بالاخره وضعیت اینترنت چه می‌شود؟ گفت ببینید، ما همیشه به فکر ملت هستیم، به فکر مردم هستیم، اما در جایی که امنیت و اقتدار در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند، نسبت برای ما مهم است؛ اولویت با امنیت است.

به نظرم این نصیحت از اعتبار، تصور نو و مرتبط با شرایط فعلی جهان نیست. اگر شما امنیت اقتصادی نداشته باشید، امنیت شغلی نداشته باشید، امنیت روانی نداشته باشید، حوزه‌های سخت‌افزاری امنیت هم دچار نقصان می‌شود. شما وقتی از امنیت صحبت می‌کنید، تصورت از امنیت باید مطابق با شرایط و مؤلفه‌های قرن بیست و یکم و وضعیت کنونی جهان و جامعه ایران باشد.

در هفته‌های اخیر شاهد این اظهار نظر بودیم که اعتراضات و نارضایتی‌ها را برخی جریان‌های خاص به دولت فعلی و عملکرد آن نسبت می‌دادند. با این تحلیل شما اما به نظر می‌رسد که خیلی تفاوتی نمی‌کند که مثلاً آن ۱۵ جوانی پر سرکار می‌بود یا وقتاً فاتحه از حرف حقیقت گریز نابذیر بود؟

برش

اگر به جای دولت فعلی، هر دولت دیگری هم بود، چه‌بسا این اتفاقات رخ می‌داد؛ ممکن است دست و حدت آن فرق می‌کرد. ممکن بود به‌جای اینکه در دیماه اتفاق بیفتد در ۱۴۰۳ اتفاق بیفتد در ۱۴۰۲ اتفاق می‌افتاد. ولی واقع امر این است که اگر نظامی به این چهار پایه نیندیشد و به این چهار پایه فکر نکند، گریزی از التهابات و اعتراضات نداشت.

وقتی می‌گوییم استراتژی امنیت ملی، منظورمان بحث امنیتی یا «سکیورتی» به معنای اطلاعاتی و سرویس اطلاعاتی نیست.

چند روز پیش یکی از مسئولان به تلویزیون آمد و یک نکته‌ای را گفت. مجری، از ایشان پرسید که بالاخره وضعیت اینترنت چه می‌شود؟ گفت ببینید، ما همیشه به فکر ملت هستیم، به فکر مردم هستیم، اما در جایی که امنیت و اقتدار در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند، نسبت برای ما مهم است؛ اولویت با امنیت است.

به نظر من این نصیحت از اعتبار، تصور نو و مرتبط با شرایط فعلی جهان نیست. اگر شما امنیت اقتصادی نداشته باشید، امنیت شغلی نداشته باشید، امنیت روانی نداشته باشید، حوزه‌های سخت‌افزاری امنیت هم دچار نقصان می‌شود. شما وقتی از امنیت صحبت می‌کنید، تصورت از امنیت باید مطابق با شرایط و مؤلفه‌های قرن بیست و یکم و وضعیت کنونی جهان و جامعه ایران باشد.

ایران ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم یا جریان خاصی نیست. همه اقوام، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد

وقتی من جامعه شناس با اقتصاددان یا کارشناس سیاسی حرف هایم را اینجا نگویم، در صداوسیما و رسانه‌های خودم نگویم، به این معنا نیست که این حرف‌ها یا واقعیت‌ها از بین می‌رود یا نادیده می‌شود بلکه یک رسانه‌ای درست می‌شود به نام بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال یا صدمه‌ی به آن می‌گویم اسرائیل اینترنشنال - که آنها می‌آیند مدیریت خبری پیدا می‌کنند و پیدا می‌کنند و مدیریت ذهن ایرانیان را به سمت خودشان سوق می‌دهند

ایران ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم یا جریان خاصی نیست. همه اقوام، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد.

از توضیح این رویدادهای چهارگانه که به نظر هر کدام مصداقی از آن ۴ پایه اساسی حکمرانی بود، می‌خواهید به چه نتیجه‌ای برسید؟

می‌خواهم بگویم که ما یعنی معماران و تصمیم‌سازان در جمهوری اسلامی کماکان به یک استراتژی کلان امنیت ملی نرسیده‌ایم. وقتی به این استراتژی کلان امنیت ملی کارآمد نرسیده باشید یعنی از منظر سیاسی برخی نیروهای داخل سیستم سیاسی، واگسرا می‌شوند و از منظر اجتماعی-فرهنگی بعضی نیروها به ضد خودت تبدیل می‌شوند یا رفتار می‌کنند؛ از منظر نظامی-امنیتی نمی‌توانید سامانه خودتان را به صورت کامل پیاده کنید؛ و از نظر اقتصادی هم نمی‌توانید پایه‌های معیشت را سامان بدهید. نتیجه این می‌شود که حس تعلق یا آن حس اقتاع یا حس امید به آینده، در جامعه آرام‌آرام و به‌تدریج رنگ می‌شود.

و این چهار پایه‌ای که شما اشاره فرمودید، ممکن است در هر مقطعی برجسته شود، ولی هرگاه صورت عینی پیدا می‌کند، مجموعه‌ای از پایه‌های دیگر هم در آن ترکیب و تجمیع می‌شود؟

بله. مسائل را که نمی‌توانیم تک‌عاملی ببینیم. اگر اقتصاد به‌هم بریزد، به این معنا نیست که من فقط از منظر اقتصادی دچار مشکل شده‌ام؛ از منظر روانی هم تحت تأثیر قرار می‌گیرم، از منظر تصمیم‌گیری هم ممکن است دچار اختلال شوم، از منظر فرهنگی هم ممکن است دچار نوسان شوم.

هرکدام از اینها در یک دوره‌ای ممکن است فوران کند و ما برجستگی آن مؤلفه را ببینیم؛ بگوییم مثلاً مسائل اقتصادی در ۱۴۰۴ خودش را نشان داد. اما واقع امر این است که بستر اجتماعی که این نظام روی آن قرار گرفته و این چهار پایه روی آن مستقر شده‌اند، به صورت درهم‌تنیده است؛ هرکدام‌شان به دیگری وابسته است.

اندیشمندان علم سیاست، یکی از کارویژه‌های عمومی حکومت‌ها را تطبیق با شرایط جدید می‌دانند و می‌گفتند شما به این کارویژه توجهی نشده است. آقای دکتر! براین از نظرشما اینکه اعتراضات در ایران تکرار می‌شود به فقدان همان چهارچوب نظری یا استراتژی امنیت ملی برمی‌گردد؟

بله موضوع را با یک مثال می‌خواهم روشن‌تر می‌کنم. همان اوایل ناآرامی‌ها و اعتراضات؛ صداوسیما آمد یک برنامه‌ای در پژوهشگاه از ما ضبط کرد. دو روز بعد وقتی تلویزیون شبکه یک ساعت ۸ شب آن برنامه را پخش کرد، متوجه شدم که دو دقیقه و نیم از آن حرف من که کلاً ۴ دقیقه بود را سانسور کرده؛ نه به‌خاطر کمبود وقت، نه به دلیل اینکه آن صحبت‌ها را برنمی‌تافت. من آنجا هم گفته بودم که مواجهه‌مان با مسائل، مواجهه شعاری است، به‌جای اینکه مواجهه بنیادین باشد و این چهار پایه دچار اختلال شده است. آیا اصلاً چیزی به نام کارشناسی و خبرگی را، می‌خواهیم در فهم خودمان از پدیده‌ها و مدیریت و حکمرانی، دخیل کنیم یا نه؟

ما به‌عنوان جامعه‌شناس، به‌عنوان سیاست‌گذار، به‌عنوان روان‌شناس، به‌عنوان اقتصاددان حرف‌هایی می‌زنیم که ممکن است به مذاق بخش‌هایی خوش نیاید و بگوید اصل مسأله را یک کن یا اصلاً بیخ که حاکمیت هم نداره، نیروی مبانی فکر می‌کند که اگر ما این را بگوییم یعنی سیاه‌نمایی کرده‌ایم.

خب وقتی من جامعه‌شناس یا اقتصاددان یا کارشناس سیاسی حرف‌هایم را اینجا نگویم، این معنا نیست که این حرف‌ها یا واقعیت‌ها از بین می‌رود یا نادیده می‌شود بلکه یک رسانه‌ای درست می‌شود به نام بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال یا صدمه‌ی به آن می‌گویم اسرائیل اینترنشنال - که آنها می‌آیند مدیریت خبری پیدا می‌کنند و پیدا می‌کنند و مدیریت ذهن ایرانیان را به سمت خودشان سوق می‌دهند.

در هفته‌های اخیر شاهد این اظهار نظر بودیم که اعتراضات و نارضایتی‌ها را برخی جریان‌های خاص به دولت فعلی و عملکرد آن نسبت می‌دادند. با این تحلیل شما اما به نظر می‌رسد که خیلی تفاوتی نمی‌کند که مثلاً آن ۱۵ جوانی پر سرکار می‌بود یا وقتاً فاتحه از حرف حقیقت گریز نابذیر بود؟

برش

اگر به جای دولت فعلی، هر دولت دیگری هم بود، چه‌بسا این اتفاقات رخ می‌داد؛ ممکن است دست و حدت آن فرق می‌کرد. ممکن بود به‌جای اینکه در دیماه اتفاق بیفتد در ۱۴۰۳ اتفاق بیفتد در ۱۴۰۲ اتفاق می‌افتاد. ولی واقع امر این است که اگر نظامی به این چهار پایه نیندیشد و به این چهار پایه فکر نکند، گریزی از التهابات و اعتراضات نداشت.

وقتی می‌گوییم استراتژی امنیت ملی، منظورمان بحث امنیتی یا «سکیورتی» به معنای اطلاعاتی و سرویس اطلاعاتی نیست.

چند روز پیش یکی از مسئولان به تلویزیون آمد و یک نکته‌ای را گفت. مجری، از ایشان پرسید که بالاخره وضعیت اینترنت چه می‌شود؟ گفت ببینید، ما همیشه به فکر ملت هستیم، به فکر مردم هستیم، اما در جایی که امنیت و اقتدار در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند، نسبت برای ما مهم است؛ اولویت با امنیت است.

به نظر من این نصیحت از اعتبار، تصور نو و مرتبط با شرایط فعلی جهان نیست. اگر شما امنیت اقتصادی نداشته باشید، امنیت شغلی نداشته باشید، امنیت روانی نداشته باشید، حوزه‌های سخت‌افزاری امنیت هم دچار نقصان می‌شود. شما وقتی از امنیت صحبت می‌کنید، تصورت از امنیت باید مطابق با شرایط و مؤلفه‌های قرن بیست و یکم و وضعیت کنونی جهان و جامعه ایران باشد.

ایران‌ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم یا جریان خاصی نیست. همه اقوام، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد.

وقتی من جامعه شناس با اقتصاددان یا کارشناس سیاسی حرف هایم را اینجا نگویم، در صداوسیما و رسانه‌های خودم نگویم، به این معنا نیست که این حرف‌ها یا واقعیت‌ها از بین می‌رود یا نادیده می‌شود بلکه یک رسانه‌ای درست می‌شود به نام بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال یا صدمه‌ی به آن می‌گویم اسرائیل اینترنشنال - که آنها می‌آیند مدیریت خبری پیدا می‌کنند و پیدا می‌کنند و مدیریت ذهن ایرانیان را به سمت خودشان سوق می‌دهند

ایران‌ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم یا جریان خاصی نیست. همه اقوام، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد.

روح مرحوم دکتر عماد افروغ شاد باشد. ایشان در تحلیل حوادث سال ۱۴۰۱ معتقد بود که جامعه ایران به لحاظ تحمیلی متنوع و متکثر بوده است. در آستانه انقلاب اسلامی و بعد جنگ تحمیلی، مردم با رضایت به نفع گفتمان انقلابی از تکثر و تنوع خود به نفع وحدت رسمی گذشتند چون اقتضای دوره استقرار برخی بی‌مهری‌ها هم مسئولیت در این خصوص دارند و باید آنان هم مسئولانه عمل کنند؟

اگر نیروهای سیاسی بیاموزند که هدف از قدرت، خود قدرت نیست، بلکه خدمت به مردم و حفظ ایران

وحدت کلمه یعنی چه؟ «کلمه» فقط یک واژه نیست. ریشه این واژه، که گفته می‌شود در زبان‌های کهن مانند سریانی هم به‌کار رفته، دو معنا دارد که در ظاهر متضادند: یکی «واژه» و دیگری «زخم». اما نکته جالب اینجاست که در هر دو معنا، مفهوم «ترمیم» و «التیام» هم وجود دارد. یعنی اگر در این پنج دهه، در جامعه ما زخم‌هایی ایجاد شده، راه ایجاد وحدت دقیقاً از بازگشت به همان زخم‌ها می‌گذرد؛ از شناخت آن‌ها، پذیرششان و تلاش برای درمانشان. وحدت با پنهان کردن زخم یا پوشاندن آن، ایجاد نمی‌شود. وحدت

تاکید شما مبنی بر ضرورت یک شوک اصلاحی بزرگ به عنوان راهکار کوتاه‌مدت عبور از التهابات اخیر، این مفهوم را نیز در دل خود دارد که از دل همین التهابات هم می‌توان یک فرصت اصلاحی ساخت.

برش

به یاور من، یکی از موضوعات مهمی که باید در همین اتفاقات اخیر جدی گرفته شود، نگاه فرصت‌محور است. من این تحولات را شبیه همان حدیث پیامبر می‌دانم که می‌فرماید: در دوران زندگی، دفعه‌ها و نسیم‌هایی می‌وزد؛ خود را در معرض آنها قرار دهید. این اتفاقات و وقایع می‌توانند همان «نفحات دهر» باشند؛ گشایش‌های زمانه، نه‌ضرورتاً تراژدی‌های تاریخی. بنابراین برای اهل اندیشه و افرادی که اهل فکر و تحلیل‌اند، این رویدادها الزاماً شوم نیستند.

درست است که در این مسیر تلخی‌هایی داشته‌ایم، اما می‌توان از دل همین رخدادها هم پنجره‌هایی تازه به روی آینده گشود. یکی از این پنجره‌ها، به گمان من، در بازگشت به همان مفاهیمی است که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی مطرح می‌شد: جای

ایران
Iran Newspaper
سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ شماره ۸۹۵۲
irannewspaper irannewspapper

راهکارهای سید جواد میری، جامعه‌شناس برای عبور از التهابات اخیر

ایران به مثابه ملک مشاع

می‌توان از دل همین رخدادهای تلخ هم پنجره‌هایی تازه به روی آینده گشود

تکثر و تنوع، امتیاز و فرصت ایران است از پذیرش آن هراس نداشته باشیم

عکس: رضا مصطفوی | ایران

روزنامه ایران در یکی دو هفته اخیر، ناظر بر بررسی و تحلیل ناآرامی‌های کشور، سلسله گفت‌وگوهایی را با اندیشمندان و صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف، به‌خصوص علوم اجتماعی، داشته است. در این مدت، تحلیل‌های مختلفی هم درباره ناآرامی‌ها، مطرح شده است. برخی بعد خارجی و تأثیرگذاری عوامل خارجی را در این اتفاقات بررنگ‌تر دیدند و برخی هم زمینه‌های بروز این اعتراضات را در عوامل داخلی جست‌وجو کردند. با اینکه تحلیل شما از بروز این اتفاقات را خواهیم داشت، بیشتر بحث‌مان ناظر بر این است که چرا اعتراضات در ایران به خشونت کشیده می‌شود و چه راهکارها یا پیشنهادهایی می‌تواند ارائه شود که وجه خشونت را از اعتراضات جدا کند. ابتدا تحلیل مختصر شما از اعتراضات را داشته باشیم.

قبل از اینکه به این بحث ورود کنم و بگویم که زمینه‌های این اتفاقات و اعتراضاتی که به زبان شما به خشونت هم کشیده شده چیست، لازم است به چند نکته اشاره کنم. یکی اینکه فرهنگ عمومی ما ایرانیان به‌گونه‌ای است که گویی از بروز اختلاف، تفاوت‌ها، تکثرها و بیان آنها ترس و واهمه وجود دارد. وقتی اتفاقی می‌افتد که به خیابان می‌کشد و به خیابان می‌آید از او سؤال می‌کند که شما چرا مثلاً بی‌خانمان شدی؟

ما در سال‌های اخیر و گرفتار، یک‌دفعه بلند نمی‌شویم بگوییم تقصیر مثلاً نیکسون یا تقصیر ریگان است یا تقصیر یک فلسفه لیبرالیسم است. گفت من کار می‌کردم، تعدیل نیرو کردند و ما کارمان را از دست دادیم. گفت ضب، چرایی سحر حالا آمدی و صبحِ خیابان؟ می‌گوید ضب من یک وام گرفته بودم از بانک، باید به وام بانک را پرداخت می‌کردم. وقتی تعدیل کردند، نتوانستم وام بانک را بدهم. باز هم پرسید چرا آمدی وسط صبح خیابان؟ می‌منظورتو که چه چیز بزرگ‌تری بگوید؛ گفت هیچی دیگر، بانک هم آمد دارایی خودش را برداره، بیمه من قطع شد، من نتوانستم کاری بکنم، همسرم جدا شد، بچه‌ها را هم برداشت برد. آن‌قدر سلسله مراتب وجود داشت که اصلاً که کاخ سفید نمی‌رسید. اینجا مسئولان و معماران حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارسال شود تا این گزینه‌های تهدیدآمیز بی‌اثر شود یا از روی میز برداشته شود؟ آنچه به نظر می‌رسد این است که شاید جامعه نیازمند یک شوک جدی اصلاحی و آگاه‌کننده باشد؛ شوکی که نه ویرانگر، بلکه بیدارکننده و سامان‌دهنده باشد.

امروز حتی زمینه‌های این تحول با شوک بزرگ اصلاحی هم فراهم شده است. اجازه بدهید یک مثال ساده توضیح بدهم. فرض کنید در یک خبرگزاری یا روزنامه، حدود ۲۰ یا ۳۰ نفر مشغول به کار هستند. شما مدیرمسئول هستید و طبیعی است که همه این افراد از حضورشان در این مجموعه بهره می‌برند؛ هم بهره فرهنگی، هم منفعت اقتصادی. حال تصور کنید که ناگهان از میان این ۳۰ نفر ۲۵ یا ۲۸ نفر را کنار بگذارید. چند روز بعد به همان افرادی که اخراج شده‌اند، بگویید: «ما می‌خواهیم این روزنامه را به یک قطب بزرگ خبری در سطح جهانی تبدیل کنیم؛ بیایید و به ما کمک کنید.» در واقع به آنها می‌گویید: کمک کنید شهرت و درآمد ما بالا برود، اما شما هیچ نفعی نبرید؛ نه نفع مالی، نه نفع هویتی، نه هیچ چیز دیگر. بدیهی است که آن ۲۵ یا ۲۸ نفری که حذف شده‌اند، به هیچ وجه با شما همکاری نخواهند کرد. سیستم مدیریتی ما طی حدود پنجاه سال گذشته نیروهایی را در درون خود تربیت کرده؛ نیروهایی که هویت اجتماعی، سیاسی و حرفه‌ای‌شان را از همین ساختار گرفته‌اند. اگر جمهوری اسلامی نباشد، بسیاری از این چهره‌ها اساساً موضوعیت پیدا نمی‌کنند؛ از سید محمد خاتمی گرفته تا مهدی کروبی و حسن روحانی و جواد ظریف و... از نهضت آزادی تا جریان‌ها و افراد متعدد دیگر. هویت و معنای آنها در نسبت با جمهوری اسلامی شکل گرفته است. اما امروز می‌بینیم که این نیروها نه در ساخت رسانه‌ای مثل صداوسیما، نه در ساخت قدرت، نه در ساخت ثروت و نه در دیگر سازوکارهایی که واقعیت و هویت جمهوری اسلامی را شکل می‌دهد، حضور مؤثر ندارند. در چنین شرایطی، وقتی این نیروها حذف می‌شوند و بعد در مواجهه با تهدید خارجی یا در یک وضعیت نابسامان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، خواسته می‌شود که «بیایید کمک کنید»، طبیعی است که پاسخ مثبت گرفته نشود.

جامعه‌ای که سهمی در قدرت، ثروت، منزلت و هویت نداشته باشد، انگیزه‌ای هم برای مشارکت نخواهد داشت. وقتی اساساً امکان بروز و ظهور داده نمی‌شود، این خود نشان می‌دهد که ما نیازمند طرح یک سؤال اساسی هستیم: چگونه می‌توان مشارکت اجتماعی را در برابر تهدیدات، نه به‌صورت شعاری بیان کفت‌وگو و نقد معنادار، افزایش داد یا تعمیق کرد؟

البته درباره شخصیت‌هایی که نام بردید، من براساس شناخت از آنان و موضعشان، فکرمی کنم برخلاف مثال شما، اگر آوافعا به صورت صادقانه کمکی خواسته شود، آنان دریغ نمی‌کنند. با وجود برخی بی‌مهری‌ها نسبت به آنان در بزنگاه‌های مجموعاً موضع‌گیری کرده‌اند. شاید موضعشان صددرصد منطبق با موضع رسمی نبوده، اما وظیفه ملی خودشان را ادا کرده‌اند.

تصور کنید امروز شبکه یک صداوسیما را می‌بینید و یک میرگرد موجود و جریانی شکل‌گیری متنوع و متکثر در داخل شکل‌گیری اعتراضات، یا حضور چهره‌هایی مطرح، مثلاً آقای سید محمد خاتمی، آقای حسن روحانی، آقای رضا پهلوی که می‌خواهد مشارکت مؤثر در تصمیم‌سازی‌ها داشته باشد. امروز جامعه ما با مسائل متعددی درگیر است؛ از بحران محیط زیست، خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها گرفته تا مشکلات اقتصادی و اجتماعی. یا این حال، به نظرمن رسانه بسیاری از این مشکلات، سیاسی است. مضاف بر اینکه در یک خیابان می‌آیند و فریاد می‌زنند، در واقع پیام سیاسی می‌دهند؛ پیامی که اگر جدی گرفته شود، بسیاری از گره‌های کور را نیز به تدریج باز خواهد شد.

در این زمینه، اندیشه «ایران به مثابه ملک مشاع» که مرحوم مهدی حائری یزدی (فقیه - فیلسوف) مطرح کرده، می‌تواند راهگشا باشد. ایران ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد.

برای رسیدن به چنین نقطه‌ای، آنچنان که شما توضیح دادید، نیازمند یک شوک بزرگ اصلاحی هستیم تا نیروهای مختلف را دوباره پای گفت‌وگو بنشاند. آیا بعد جنگ تحمیلی، مردم با رضایت به نفع گفتمان انقلابی از تکثر و تنوع خود به نفع وحدت رسمی گذشتند چون اقتضای دوره استقرار برخی بی‌مهری‌ها هم مسئولیت در این خصوص دارند و باید آنان هم مسئولانه عمل کنند؟

اگر نیروهای سیاسی بیاموزند که هدف از قدرت، خود قدرت نیست، بلکه خدمت به مردم و حفظ ایران وحدت کلمه یعنی چه؟ «کلمه» فقط یک واژه نیست. ریشه این واژه، که گفته می‌شود در زبان‌های کهن مانند سریانی هم به‌کار رفته، دو معنا دارد که در ظاهر متضادند: یکی «واژه» و دیگری «زخم». اما نکته جالب اینجاست که در هر دو معنا، مفهوم «ترمیم» و «التیام» هم وجود دارد. یعنی اگر در این پنج دهه، در جامعه ما زخم‌هایی ایجاد شده، راه ایجاد وحدت دقیقاً از بازگشت به همان زخم‌ها می‌گذرد؛ از شناخت آن‌ها، پذیرششان و تلاش برای درمانشان. وحدت با پنهان کردن زخم یا پوشاندن آن، ایجاد نمی‌شود. وحدت یک واژه نیست. ریشه این واژه، که گفته می‌شود در زبان‌های کهن مانند سریانی هم به‌کار رفته، دو معنا دارد که در ظاهر متضادند: یکی «واژه» و دیگری «زخم». اما نکته جالب اینجاست که در هر دو معنا، مفهوم «ترمیم» و «التیام» هم وجود دارد. یعنی اگر در این پنج دهه، در جامعه ما زخم‌هایی ایجاد شده، راه ایجاد وحدت دقیقاً از بازگشت به همان زخم‌ها می‌گذرد؛ از شناخت آن‌ها، پذیرششان و تلاش برای درمانشان. وحدت با پنهان کردن زخم یا پوشاندن آن، ایجاد نمی‌شود. وحدت

تاکید شما مبنی بر ضرورت یک شوک اصلاحی بزرگ به عنوان راهکار کوتاه‌مدت عبور از التهابات اخیر، این مفهوم را نیز در دل خود دارد که از دل همین التهابات هم می‌توان یک فرصت اصلاحی ساخت.

برش

به یاور من، یکی از موضوعات مهمی که باید در همین اتفاقات اخیر جدی گرفته شود، نگاه فرصت‌محور است. من این تحولات را شبیه همان حدیث پیامبر می‌دانم که می‌فرماید: در دوران زندگی، دفعه‌ها و نسیم‌هایی می‌وزد؛ خود را در معرض آنها قرار دهید. این اتفاقات و وقایع می‌توانند همان «نفحات دهر» باشند؛ گشایش‌های زمانه، نه‌ضرورتاً تراژدی‌های تاریخی. بنابراین برای اهل اندیشه و افرادی که اهل فکر و تحلیل‌اند، این رویدادها الزاماً شوم نیستند. درست است که در این مسیر تلخی‌هایی داشته‌ایم، اما می‌توان از دل همین رخدادها هم پنجره‌هایی تازه به روی آینده گشود. یکی از این پنجره‌ها، به گمان من، در بازگشت به همان مفاهیمی است که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی مطرح می‌شد: جایی که روحانیون پیشرو از «فقه پویا» و از «مقتضیات زمان و مکان» سخن می‌گفتند.

اگر قرار است حکمرانی موفقی داشته باشیم، باید مقتضیات زمان و مکان را در نظر بگیریم. حتی خود امام خمینی هم گفته‌اند: حفظ نظام، اوجب واجبات است. اما وقتی این جمله را در کنار مفهوم زمان و مکان می‌گذاریم، درمی‌یابیم که «حفظ نظام» فقط به معنای نگه داشتن ساختار سخت‌افزاری قدرت نیست. گاهی ضرورت حفظ نظام در این است که فهم خود را از مفاهیم بنیادی دگرگون کنیم: یعنی برداشت‌مان از جمهوری، از مجلس، از مجلس خبرگان، از دولت، از مجمع تشخیص مصلحت، و از شیوه اداره جامعه را متناسب با شرایط جدید زمانه و جهان بازتعریف کنیم.

جمهوری اسلامی در زمانی متولد شد که جهان دوقطبی بود: شوروی در یک سو و آمریکا و غرب در سوی دیگر، میان نظام‌های سوسیالیستی و سرمایه‌داری. اما امروز جهان دیگر در آن وضعیت نیست. نظام جهانی دگرگون شده و جمهوری اسلامی باید خود را با این تحولات تازه تطبیق دهد، متناسب با مقتضیات جدید جهان، خود را بازسازی کند و بتواند دگرگونی در فهم و مدیریت کلان خود ایجاد نماید.

اگر ما به مقتضیات زمان و مکان، نه فقط در بُعد فلسفی و نظری، بلکه در بُعد اجتماعی و عینی توجه کنیم، نظام نیز کارآمدی پایدارتری پیدا می‌کند. در چنین حالتی، اقتصاد پاسخ می‌دهد، سیاست معنا پیدا می‌کند و دیپلماسی نیز منطقی‌تر پیش می‌رود.

رفتار و تهدیدهای ایالات متحده، نه‌فقط علیه ایران بلکه نسبت به آمریکای لاتین، روسیه، چین و حتی اروپا و آفریقا، نشانه‌ای است از اینکه نظم جهانی در حال تغییر است. جهان دیگر در وضعیت یک‌قطبی نیست و از آن حالت گذشته، دارد به سمت چندقطبی شدن حرکت می‌کند. حال سؤال این است: ایران در نسبت با قطب‌ها و قدرت‌ها چه استراتژی‌ای باید انتخاب کند؟ آیا باید با یکی از آنها درگیر شود و از حمایت چند قطب دیگر استفاده کند؟ یا باید تلاش کند با همه به شکلی متوازن و مستقل تعامل کند؟ اینها پرسش‌های راهبردی هستند که اگر پاسخ روشنی برایشان داده نشود، مشکلات بزرگی در پی خواهد داشت.

کسانی که در کشور طراحی و تصمیم‌سازی می‌کنند، چه در حوزه نظامی، امنیتی و اقتصادی، چه در حوزه سیاست و فرهنگ، اگر نسبت به این تحولات جهانی آگاهی کامل نداشته باشند و خود را با جهان متحول امروزی تنظیم نکنند، نظام در داخل نیز دچار مشکل خواهد شد؛ از جمله اختلاف گرفته تا فناوری، از سیاست تا اجتماع.

نظام سیاسی کشور باید خودش را در نسبت با این تغییرات جهانی و تحولات درونی ایران ارزیابی کند. در همین منطقه خودمان نیز تحولات بزرگی در جریان است که نباید از آن غافل شد. آمریکایی‌ها برای خاورمیانه طرح کلانی دارند؛ یکی از محورها در این طرح این است که هژمون فعلی منطقه باید اسرائیل باشد نه ایران، نه ترکیه، نه عربستان، نه پاکستان؛ سوریه با هم در عمل از بین برده‌اند. در چنین شرایطی، ایران باید تصمیم بگیرد چه رویکردی کم‌هزینه‌تر و واقع‌گرایانه‌تر برایش خواهد بود.

حرف آخر اینکه ما برای عبور از بحران‌های مزمن و تکراری، نیازمند تدوین یک استراتژی امنیت ملی هستیم که مبتنی بر واقعیات داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. در کوتاه‌مدت و گذر از التهابات اخیر نیاز به یک شوک بزرگ اصلاحی داخلی داریم. جامعه هم منتظر و هم پذیرای این شوک است. نیازمند شهامت برای گفت‌وگو و نقد هستیم. تکثر و تنوع، امتیاز و فرصت ایران است. از پذیرش آن هراس نداشته باشیم.

فاصله یک اعتراض تا رأس مدیریت به اندازه یک روز است. خب این نشان می‌دهد یک چیزی در این میان وجود دارد. حالا درست است جمهوری اسلامی یک پدیده جدید است و نسبت به سیستم‌هایی مثل اروپا و خیلی جاهای دیگر خیلی جوان‌تر و نوپاتر است؛ اما باید درباره‌اش فکر کنیم که چه اتفاقی می‌افتد.

آقای دکتر! این «یک چیزی» که به نظرتان فاصله اعتراض یا مدیریت را خیلی کم می‌کند، چیست؟

می‌خواهم بگویم درباره پدیده جمهوری اسلامی، خیلی اندیشه‌ورزی نکرده‌ایم. کسانی که در باب جمهوری اسلامی قرار بوده بیندیشند یا فکر بکنند و نظریه‌پردازش باشند، همزمان با اوایل انقلاب یا از دنیا رفتند، یا شهید شدند، یا کشته شدند، یا خودشان ضد جمهوری اسلامی شدند.

در واقع باید به این برسیم که آیا جمهوری بودنش، اصل و اساس و همینطور، مثلاً قرار بوده تفسیر سنتی از اسلام مبنا باشد، یا آن چیزی که به آن می‌گفتند «فقه پویا»؟ یا نه، ولایت فقیه مهم بوده؟ خب اگر ولایت فقیه مهم بوده، نسبت این ولایت فقیه - به مثابه یک چهارچوب و نظام - با خود مثلاً سیستم جمهوری اسلامی چیست؟ ابد و بردار، یک بار اظهار نظرهای زیادی دراین باره شده است، اما یک ایده که چهارچوب مشخص، تدوین‌شده و منسجمی باشد که پاسخ‌دهنده به سؤالات نظری و عملی باشد، گویی وجود ندارد.

بالاخره جمهوری اسلامی یک نظام سیاسی است که باید یک جامعه صد میلیونی را در منطقه پرتلاطم خاورمیانه و غرب آسیا و در جهانی که در چند سال اخیر در تعلیق قرار گرفته، مدیریت کند. ناظر بر این مدیریت چگونه باید بیندیشیم؟

من نگران این هستم که این بحث ما را دچار همان ایرادی کند که خود شما بدان! فرمودید؛ یعنی به جای اطلاع‌رسانی و تحلیل ناظر بر رویدادها با توجه به جزئیات، دچار یک کلیت‌های تاریخی شود.

بحث من خیلی ساده و خیلی خلاصه و موجزاست. من می‌گویم جمهوری اسلامی، به مثابه یک نظام سیاسی مانند بسیاری از نظام‌هایی که در جهان وجود دارد، جهار پایه اصلی دارد: سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و نظامی-امنیتی.

تئوری من برای قیمه اینکه یک اعتراضات رخ می‌دهد و به خشونت کشیده می‌شود و برای مواجهه با آنها چه باید کرد، به این برمی‌گردد که نگاه واقع‌بینانه به این چهار پایه داشته باشیم.

سال ۸۸ اتفاقاتی پیرامون انتخابات ریاست جمهوری افتاد. عده‌ای معترض نتیجه انتخابات بودند و عده‌ای هم در برابر معترضان قرار داشتند. هر دو طرف چهره‌ها و شخصیت‌ها و گروه‌های مورد تأیید نظام یا سابقه انقلابی و سابقه طولانی در مسئولیت‌های جمهوری اسلامی در فضای مجازی شکل گرفته بود - قطع کردیم. من بحث امنیتی آن را نمی‌دانم و نظر مخالفی دربارهٔ آن وجه ندارم؛ ولی چیزی که می‌دانم این است که قطع اینترنت کار درستی نبود چون ارتباط کف جامعه و طلایه مردم با حاکمیت را بطور کامل قطع کردیم. نتیجه‌اش چه می‌شود؟ نتیجه‌اش همان رویدادهای خشونت‌بار بعدی می‌شود که دیدیم و کلی تحلیل‌ها و اظهارنظرهای تاریخی، فلسفی و... که چه بسا ربطی هم به اصل موضوع یا علتی رویدادهای اخیر و خسارات وارده به مردم و بازاریان ندارد. یک دوست جامعه‌شناس تعریف می‌کرد یک آقا که در آمریکا خانه‌اش را از دست داده بود، وسط خیابان زندگی می‌کرد. خبرنگاری می‌آید از او سؤال می‌کند که شما چرا مثلاً بی‌خانمان شدی؟

اگر به جای دولت فعلی، هر دولت دیگری هم بود، چه‌بسا این اتفاقات رخ می‌داد؛ ممکن است دست و حدت آن فرق می‌کرد. ممکن بود به‌جای اینکه در دیماه اتفاق بیفتد در ۱۴۰۳ اتفاق بیفتد در ۱۴۰۲ اتفاق می‌افتاد. ولی واقع امر این است که اگر نظامی به این چهار پایه نیندیشد و به این چهار پایه فکر نکند، گریزی از التهابات و اعتراضات نداشت.

وقتی می‌گوییم استراتژی امنیت ملی، منظورمان بحث امنیتی یا «سکیورتی» به معنای اطلاعاتی و سرویس اطلاعاتی نیست.

چند روز پیش یکی از مسئولان به تلویزیون آمد و یک نکته‌ای را گفت. مجری، از ایشان پرسید که بالاخره وضعیت اینترنت چه می‌شود؟ گفت ببینید، ما همیشه به فکر ملت هستیم، به فکر مردم هستیم، اما در جایی که امنیت و اقتدار در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند، نسبت برای ما مهم است؛ اولویت با امنیت است.

به نظرم این نصیحت از اعتبار، تصور نو و مرتبط با شرایط فعلی جهان نیست. اگر شما امنیت اقتصادی نداشته باشید، امنیت شغلی نداشته باشید، امنیت روانی نداشته باشید، حوزه‌های سخت‌افزاری امنیت هم دچار نقصان می‌شود. شما وقتی از امنیت صحبت می‌کنید، تصورت از امنیت باید مطابق با شرایط و مؤلفه‌های قرن بیست و یکم و وضعیت کنونی جهان و جامعه ایران باشد.

در هفته‌های اخیر شاهد این اظهار نظر بودیم که اعتراضات و نارضایتی‌ها را برخی جریان‌های خاص به دولت فعلی و عملکرد آن نسبت می‌دادند. با این تحلیل شما اما به نظر می‌رسد که خیلی تفاوتی نمی‌کند که مثلاً آن ۱۵ جوانی پر سرکار می‌بود یا وقتاً فاتحه از حرف حقیقت گریز نابذیر بود؟

برش

اگر به جای دولت فعلی، هر دولت دیگری هم بود، چه‌بسا این اتفاقات رخ می‌داد؛ ممکن است دست و حدت آن فرق می‌کرد. ممکن بود به‌جای اینکه در دیماه اتفاق بیفتد در ۱۴۰۳ اتفاق بیفتد در ۱۴۰۲ اتفاق می‌افتاد. ولی واقع امر این است که اگر نظامی به این چهار پایه نیندیشد و به این چهار پایه فکر نکند، گریزی از التهابات و اعتراضات نداشت.

وقتی می‌گوییم استراتژی امنیت ملی، منظورمان بحث امنیتی یا «سکیورتی» به معنای اطلاعاتی و سرویس اطلاعاتی نیست.

چند روز پیش یکی از مسئولان به تلویزیون آمد و یک نکته‌ای را گفت. مجری، از ایشان پرسید که بالاخره وضعیت اینترنت چه می‌شود؟ گفت ببینید، ما همیشه به فکر ملت هستیم، به فکر مردم هستیم، اما در جایی که امنیت و اقتدار در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند، نسبت برای ما مهم است؛ اولویت با امنیت است.

به نظر من این نصیحت از اعتبار، تصور نو و مرتبط با شرایط فعلی جهان نیست. اگر شما امنیت اقتصادی نداشته باشید، امنیت شغلی نداشته باشید، امنیت روانی نداشته باشید، حوزه‌های سخت‌افزاری امنیت هم دچار نقصان می‌شود. شما وقتی از امنیت صحبت می‌کنید، تصورت از امنیت باید مطابق با شرایط و مؤلفه‌های قرن بیست و یکم و وضعیت کنونی جهان و جامعه ایران باشد.

ایران ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم یا جریان خاصی نیست. همه اقوام، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد

وقتی من جامعه شناس با اقتصاددان یا کارشناس سیاسی حرف هایم را اینجا نگویم، در صداوسیما و رسانه‌های خودم نگویم، به این معنا نیست که این حرف‌ها یا واقعیت‌ها از بین می‌رود یا نادیده می‌شود بلکه یک رسانه‌ای درست می‌شود به نام بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال یا صدمه‌ی به آن می‌گویم اسرائیل اینترنشنال - که آنها می‌آیند مدیریت خبری پیدا می‌کنند و پیدا می‌کنند و مدیریت ذهن ایرانیان را به سمت خودشان سوق می‌دهند

ایران ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم یا جریان خاصی نیست. همه اقوام، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد.

از توضیح این رویدادهای چهارگانه که به نظر هر کدام مصداقی از آن ۴ پایه اساسی حکمرانی بود، می‌خواهید به چه نتیجه‌ای برسید؟

می‌خواهم بگویم که ما یعنی معماران و تصمیم‌سازان در جمهوری اسلامی کماکان به یک استراتژی کلان امنیت ملی نرسیده‌ایم. وقتی به این استراتژی کلان امنیت ملی کارآمد نرسیده باشید یعنی از منظر سیاسی برخی نیروهای داخل سیستم سیاسی، واگسرا می‌شوند و از منظر اجتماعی-فرهنگی بعضی نیروها به ضد خودت تبدیل می‌شوند یا رفتار می‌کنند؛ از منظر نظامی-امنیتی نمی‌توانید سامانه خودتان را به صورت کامل پیاده کنید؛ و از نظر اقتصادی هم نمی‌توانید پایه‌های معیشت را سامان بدهید. نتیجه این می‌شود که حس تعلق یا آن حس اقتاع یا حس امید به آینده، در جامعه آرام‌آرام و به‌تدریج رنگ می‌شود.

و این چهار پایه‌ای که شما اشاره فرمودید، ممکن است در هر مقطعی برجسته شود، ولی هرگاه صورت عینی پیدا می‌کند، مجموعه‌ای از پایه‌های دیگر هم در آن ترکیب و تجمیع می‌شود؟

بله. مسائل را که نمی‌توانیم تک‌عاملی ببینیم. اگر اقتصاد به‌هم بریزد، به این معنا نیست که من فقط از منظر اقتصادی دچار مشکل شده‌ام؛ از منظر روانی هم تحت تأثیر قرار می‌گیرم، از منظر تصمیم‌گیری هم ممکن است دچار اختلال شوم، از منظر فرهنگی هم ممکن است دچار نوسان شوم.

هرکدام از اینها در یک دوره‌ای ممکن است فوران کند و ما برجستگی آن مؤلفه را ببینیم؛ بگوییم مثلاً مسائل اقتصادی در ۱۴۰۴ خودش را نشان داد. اما واقع امر این است که بستر اجتماعی که این نظام روی آن قرار گرفته و این چهار پایه روی آن مستقر شده‌اند، به صورت درهم‌تنیده است؛ هرکدام‌شان به دیگری وابسته است.

اندیشمندان علم سیاست، یکی از کارویژه‌های عمومی حکومت‌ها را تطبیق با شرایط جدید می‌دانند و می‌گفتند شما به این کارویژه توجهی نشده است. آقای دکتر! براین از نظرشما اینکه اعتراضات در ایران تکرار می‌شود به فقدان همان چهارچوب نظری یا استراتژی امنیت ملی برمی‌گردد؟

بله موضوع را با یک مثال می‌خواهم روشن‌تر می‌کنم. همان اوایل ناآرامی‌ها و اعتراضات؛ صداوسیما آمد یک برنامه‌ای در پژوهشگاه از ما ضبط کرد. دو روز بعد وقتی تلویزیون شبکه یک ساعت ۸ شب آن برنامه را پخش کرد، متوجه شدم که دو دقیقه و نیم از آن حرف من که کلاً ۴ دقیقه بود را سانسور کرده؛ نه به‌خاطر کمبود وقت، نه به دلیل اینکه آن صحبت‌ها را برنمی‌تافت. من آنجا هم گفته بودم که مواجهه‌مان با مسائل، مواجهه شعاری است، به‌جای اینکه مواجهه بنیادین باشد و این چهار پایه دچار اختلال شده است. آیا اصلاً چیزی به نام کارشناسی و خبرگی را، می‌خواهیم در فهم خودمان از پدیده‌ها و مدیریت و حکمرانی، دخیل کنیم یا نه؟

ما به‌عنوان جامعه‌شناس، به‌عنوان سیاست‌گذار، به‌عنوان روان‌شناس، به‌عنوان اقتصاددان حرف‌هایی می‌زنیم که ممکن است به مذاق بخش‌هایی خوش نیاید و بگوید اصل مسأله را یک کن یا اصلاً بیخ که حاکمیت هم نداره، نیروی مبانی فکر می‌کند که اگر ما این را بگوییم یعنی سیاه‌نمایی کرده‌ایم.

خب وقتی من جامعه‌شناس یا اقتصاددان یا کارشناس سیاسی حرف‌هایم را اینجا نگویم، این معنا نیست که این حرف‌ها یا واقعیت‌ها از بین می‌رود یا نادیده می‌شود بلکه یک رسانه‌ای درست می‌شود به نام بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال یا صدمه‌ی به آن می‌گویم اسرائیل اینترنشنال - که آنها می‌آیند مدیریت خبری پیدا می‌کنند و پیدا می‌کنند و مدیریت ذهن ایرانیان را به سمت خودشان سوق می‌دهند.

در هفته‌های اخیر شاهد این اظهار نظر بودیم که اعتراضات و نارضایتی‌ها را برخی جریان‌های خاص به دولت فعلی و عملکرد آن نسبت می‌دادند. با این تحلیل شما اما به نظر می‌رسد که خیلی تفاوتی نمی‌کند که مثلاً آن ۱۵ جوانی پر سرکار می‌بود یا وقتاً فاتحه از حرف حقیقت گریز نابذیر بود؟

برش

اگر به جای دولت فعلی، هر دولت دیگری هم بود، چه‌بسا این اتفاقات رخ می‌داد؛ ممکن است دست و حدت آن فرق می‌کرد. ممکن بود به‌جای اینکه در دیماه اتفاق بیفتد در ۱۴۰۳ اتفاق بیفتد در ۱۴۰۲ اتفاق می‌افتاد. ولی واقع امر این است که اگر نظامی به این چهار پایه نیندیشد و به این چهار پایه فکر نکند، گریزی از التهابات و اعتراضات نداشت.

وقتی می‌گوییم استراتژی امنیت ملی، منظورمان بحث امنیتی یا «سکیورتی» به معنای اطلاعاتی و سرویس اطلاعاتی نیست.

چند روز پیش یکی از مسئولان به تلویزیون آمد و یک نکته‌ای را گفت. مجری، از ایشان پرسید که بالاخره وضعیت اینترنت چه می‌شود؟ گفت ببینید، ما همیشه به فکر ملت هستیم، به فکر مردم هستیم، اما در جایی که امنیت و اقتدار در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند، نسبت برای ما مهم است؛ اولویت با امنیت است.

به نظر من این نصیحت از اعتبار، تصور نو و مرتبط با شرایط فعلی جهان نیست. اگر شما امنیت اقتصادی نداشته باشید، امنیت شغلی نداشته باشید، امنیت روانی نداشته باشید، حوزه‌های سخت‌افزاری امنیت هم دچار نقصان می‌شود. شما وقتی از امنیت صحبت می‌کنید، تصورت از امنیت باید مطابق با شرایط و مؤلفه‌های قرن بیست و یکم و وضعیت کنونی جهان و جامعه ایران باشد.

ایران‌ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم یا جریان خاصی نیست. همه اقوام، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد.

وقتی من جامعه شناس با اقتصاددان یا کارشناس سیاسی حرف هایم را اینجا نگویم، در صداوسیما و رسانه‌های خودم نگویم، به این معنا نیست که این حرف‌ها یا واقعیت‌ها از بین می‌رود یا نادیده می‌شود بلکه یک رسانه‌ای درست می‌شود به نام بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال یا صدمه‌ی به آن می‌گویم اسرائیل اینترنشنال - که آنها می‌آیند مدیریت خبری پیدا می‌کنند و پیدا می‌کنند و مدیریت ذهن ایرانیان را به سمت خودشان سوق می‌دهند

ایران‌ملک اختصاصی هیچ گروه، قوم یا جریان خاصی نیست. همه اقوام، مذاهب، نیروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن سهم دارند؛ هر کس به اندازه سرمایه‌گذاری فکری، فرهنگی و عملی خود، حق استفاده و مشارکت در توسعه این سرزمین را دارد. چنین نگاهی، می‌تواند به هم‌بستگی ملی و بازسازی اعتماد عمومی باشد.

روح مرحوم دکتر عماد افروغ شاد باشد. ایشان در تحلیل حوادث سال ۱۴۰۱ معتقد بود که جامعه ایران به لحاظ تحمیلی متنوع و متکثر بوده است. در آستانه انقلاب اسلامی و بعد جنگ تحمیلی، مردم با رضایت به نفع گفتمان انقلابی از تکثر و تنوع خود به نفع وحدت رسمی گذشتند چون اقتضای دوره استقرار برخی بی‌مهری‌ها هم مسئولیت در این خصوص دارند و باید آنان هم مسئولانه عمل کنند؟

اگر نیروهای سیاسی بیاموزند که هدف از قدرت، خود قدرت نیست، بلکه خدمت به مردم و حفظ ایران

وحدت کلمه یعنی چه؟ «کلمه» فقط یک واژه نیست. ریشه این واژه، که گفته می‌شود در زبان‌های کهن مانند سریانی هم به‌کار رفته، دو معنا دارد که در ظاهر متضادند: یکی «واژه» و دیگری «زخم». اما نکته جالب اینجاست که در هر دو معنا، مفهوم «ترمیم» و «التیام» هم وجود دارد. یعنی اگر در این پنج دهه، در جامعه ما زخم‌هایی ایجاد شده، راه ایجاد وحدت دقیقاً از بازگشت به همان زخم‌ها می‌گذرد؛ از شناخت آن‌ها، پذیرششان و تلاش برای درمانشان. وحدت با پنهان کردن زخم یا پوشاندن آن، ایجاد نمی‌شود. وحدت

تاکید شما مبنی بر ضرورت یک شوک اصلاحی بزرگ به عنوان راهکار کوتاه‌مدت عبور از التهابات اخیر، این مفهوم را نیز در دل خود دارد که از دل همین التهابات هم می‌توان یک فرصت اصلاحی ساخت.

برش

به یاور من، یکی از موضوعات مهمی که باید در همین اتفاقات اخیر جدی گرفته شود، نگاه فرصت‌محور است. من این تحولات را شبیه همان حدیث پیامبر می‌دانم که می‌فرماید: در دوران زندگی، دفعه‌ها و نسیم‌هایی می‌وزد؛ خود را در معرض آنها قرار دهید. این اتفاقات و وقایع می‌توانند همان «نفحات دهر» باشند؛ گشایش‌های زمانه، نه‌ضرورتاً تراژدی‌های تاریخی. بنابراین برای اهل اندیشه و افرادی که اهل فکر و تحلیل‌اند، این رویدادها الزاماً شوم نیستند.

درست است که در این مسیر تلخی‌هایی داشته‌ایم، اما می‌توان از دل همین رخدادها هم پنجره‌هایی تازه به روی آینده گشود. یکی از این پنجره‌ها، به گمان من، در بازگشت به همان مفاهیمی است که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی مطرح می‌شد: جای

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

در اختتامیه بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر عنوان کرد

نقش شعر در پاسداشت غیرت ملی

گزارش

اختتامیه بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر، عصر دوشنبه ۱۳ بهمن با حضور سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از شاعران و مسئولان فرهنگی در تالار قلم کتابخانه ملی برگزار شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با طرح این پرسش که چرا شعر در ایران کارکردهایی منحصربه‌فرد دارد، به تشریح چهار محور اصلی در نسبت میان «شعر» و «ایران» پرداخت. سید عباس صالحی اولین کارویژه شعر را صیانت از زبان فارسی دانست و گفت: «کمتر ملتی در جهان وجود دارد که بتواند به راحتی با متن ۱۲۰۰ سال پیش خود ارتباط برقرار کند، اما ما امروز متن «تاریخ بلعمی» متعلق به قرن چهارم را می‌خوانیم و هیچ احساس بیگانگی با واژگان آن نمی‌کنیم. این اتصال تاریخی و تمدنی در ساختار صرفی و واژگانی، مدیون شعر است که به عنوان حافظ زبان فارسی عمل کرده است.»

او دومین ویژگی شعر ایرانی را نقش آن در روایتگری اسطوره‌ها و قصه‌ها برشمرد و افزود: «ایران تمدنی کهن با ریشه‌های برزخی و تمثیلی است. اگر شعر نبود، بسیاری از قصه‌های ما فراموش می‌شد. ایران سرزمین پرقصه است. عطار ۳۰۰۰ قصه در آثارش دارد و مثنوی مولوی نیز دارای ۴۰۰ قصه است که نشان می‌دهد شعر، حامل شناسنامه اساطیری و داستانی ملت ماست.»

بستر اصلی تولید حکمت عملی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شعر را بستر اصلی تولید و نشر «حکمت عملی» در ایران دانست و گفت: «اخلاق فردی و اجتماعی، تعلیم و تربیت و حتی سیاست مدون ما بیش از آنکه بر بستر نثر باشد، بر شانه شعر استوار است. ایرانیان با ابزار شعر حکمت عملی را تولید و منتشر کرده‌اند و در این میان شاعران ما نیز کانون‌های معنایی خاصی داشته‌اند، به عنوان نمونه فردوسی با مضمون دادگری، سعدی با جان‌مایه اعتدال، حافظ با محوریت یکرنگی و دوری از ریا و مولوی با کانون خودشناسی، حکمت عملی ایرانی را بازتولید و منتشر کرده‌اند.»

صالحی مهم‌ترین کارویژه شعر ایرانی را پاسداشت وطن‌دوستی و حمیت و غیرت ملی خواند و افزود: «شعر، گوهری برای برافروختن غیرت در ایران داشته است. ایران در چهارراه تاریخی و مرکز هجوم بیگانگان بوده و شعر توانسته بخشی از قدرت نرم ایرانیان و فرصت مقاومت ملی آنها باشد. از فردوسی تا سیر هزارساله شعر پس از اسلام این کارویژه شعر ایرانی نمایان است.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سخنان خود را با قرائت ابیاتی از مهدی اخوان ثالث در ستایش ایران به پایان برد: «ز پوچ جهان هیچ اگر دوست دارم / تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم/ تو را ای گرانمایه دیرین ایران / تو را ای گرامی گهر دوست دارم»

خبر معاون فرهنگی برای اهالی شعر

محسن جوادی، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران را سرزمینی خواند که در عرصه جهانی با نام بزرگان شعر و ادب پیوند خورده است و گفت: «ایران همواره در جهان با شعر شناخته شده است. مردم ما در طول تاریخ طولانی این سرزمین، همواره با زبان شعر سخن گفته و احساسات و حکمت خود را در این قالب بیان کرده‌اند. شعر جایگاهی ویژه در این مرز و بوم دارد و سرمایه‌ای است که بسیاری از کشورها از آن بی‌بهره‌اند.»

جوادی در بخش دیگری از سخنانش، شعر را رکن اصلی هویت ملی خواند و افزود: «عظمت شعر به حدی است که حتی در صدر اسلام، زمانی که مخالفان می‌خواستند عمق و الهام کلام قرآن را توصیف کنند، آن را به شعر تشبیه می‌کردند. اگرچه قرآن فراتر از شعر است، اما این تشبیه نشان‌دهنده جایگاه رفیع و عمق والای شعر در نگاه انسان‌هاست.»

معاون امور فرهنگی با تأکید بر جایگاه بنیادین شعر در تمدن ایرانی، از ایجاد دفتری ویژه برای تمرکز بر حوزه شعر و داستان در آینده‌ای نزدیک خبر داد و گفت: «بنا بر پیشنهاد اهالی شعر و ادب، دفتری در معاونت فرهنگی تأسیس شده است که در روزهای آتی به طور رسمی اعلام شده و کار خود را آغاز می‌کند. وظیفه این دفتر، توجه ویژه به حوزه شعر و ادبیات داستانی و صیانت از این سرمایه هزارساله است. ما نباید این گوهر ارزشمند را که به سادگی به دست نیامده، ارزان از دست بدهیم. وظیفه ماست که از این عمق فرهنگی پاسداری کنیم.»

جوادی در پایان با تشکر از دبیر، اعضای هیأت علمی، داوران و دست‌اندرکاران خانه کتاب و ادبیات ایران، ابراز امیدواری کرد شعر معاصر ایران نیز همچون گذشته‌های دور که مرزها را درمی‌نوردید، بار دیگر پیام حکمت، خرد و دانش ایرانی را به گوش جهانیان و تشنگان معنا برساند و افزود: «امیدوارم شعر امروز ایران همان سیاق و سابقه شعر کلاسیک را حفظ کرده و پاسخی به نیازهای کسانی باشد که در جست‌وجوی معنا هستند.»

غلامرضا امیرخانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی از دیگر سخنرانان این مراسم، با تأکید بر اهمیت صیانت از میراث ادبی و نسخه‌های خطی کشور، زبان فارسی را بخش جدایی‌ناپذیر میراث ملی دانست و گفت: «حفظ نسخه‌های نفیس، چاپ سنگی و آثار ادیبان معاصر، زیربنای مطالعات پژوهشی و آماری در کشور است.» امیرخانی با تقدیر از تعامل سازنده نهادهای فرهنگی، از حمایت‌های معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیریت خانه کتاب در مسیر تکمیل گنجینه کتابخانه ملی قدردانی و همکاری این مجموعه‌ها را عاملی کلیدی در صیانت از میراث مکتوب کشور توصیف کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: شعر، گوهری برای برافروختن غیرت در ایران داشته است. ایران در چهارراه تاریخی و مرکز هجوم بیگانگان بوده و شعر توانسته بخشی از قدرت نرم ایرانیان و فرصت مقاومت ملی آنها باشد

برگزیدگان بیستمین دوره شعر فجر

اسامی آثار برگزیده و شایسته تقدیر بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر از سوی هیأت داوران در بخش‌های «شعر نو»، «شعر کلاسیک»، «شعر محاوره»، «درباره شعر» و همچنین بخش «کودک و نوجوان» به شرح زیر اعلام شد:

● **بخش بزرگسال/شعر کلاسیک:** کتاب «تداعی» اثر زینب احمدی از انتشارات سوره مهر به عنوان اثر شایسته تقدیر معرفی شد.

● **بخش بزرگسال/شعر نو:** کتاب «عینک فوتوکروم» اثر محبوبه راد از انتشارات فصل پنجم شایسته تقدیر شناخته شد.

● **بخش کودک و نوجوان:** در این دوره کتاب‌های «بادکنک‌های رنگی رنگی بردار» اثر افسانه شعبان‌نژاد از انتشارات شهر قلم و «من بال و پر دارم» اثر سعیده موسوی‌زاده از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌طور مشترک موفق به کسب عنوان برگزیده شدند. همچنین کتاب‌های «اتل متل نا نی نی» اثر طیبه شامانی از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و «من بلدم بخوانم (۲۲ جلدی)» اثر مصطفی رحماندوست و مریم هاشم‌پور از انتشارات پیدایش به‌طور مشترک به عنوان آثار شایسته تقدیر معرفی شدند.

● **بخش ویژه ماه مجلس:** در این بخش که به مناسبت هزاروپانصدمین سالروز تولد حضرت رسول اکرم(ص) برگزار شد، تک سروده سیدسلمان علوی از قم، وحید طلعت از آذربایجان غربی و مهدی جهاندار از اصفهان به عنوان سروده‌های منتخب معرفی شدند.

● **بخش تک‌اثر جنبی کلاسیک:** در این بخش سروده‌های مجید آژ از قم، فرشاد قربانی سپهرپور از همدان، علیرضا نورعلی‌پور از تهران و سحر هادیان از سمنان به عنوان سروده‌های برگزیده معرفی شدند.

● **بخش تک‌اثر جنبی محاوره:** در این بخش سروده‌های احسان محمدی از اردبیل و رضا نیکوکار از گیلان به عنوان سروده‌های منتخب انتخاب شدند.

● **بخش تک‌اثر جنبی شعر نو:** در این بخش نیز تک اثر پیام جهانگیری از اردبیل و مجتبی حاذق نیکرو از تهران برگزیده شدند.

● **بخش جنبی شعر کودک و نوجوان:** تک اثر اسماعیل الله‌دادی از لرستان، منتخب این بخش شناخته شد.

هیأت داوران بیستمین دوره از جایزه شعر فجر، در بخش «درباره شعر» و همچنین بخش بزرگسال (شعر محاوره)، اثری را به عنوان برگزیده و شایسته تقدیر معرفی نکرد.

نامزدهای بیستمین دوره شعر فجر

مجموعه اشعاری که در بیستمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر به دبیری سیدعلی میرافضلی به فهرست نامزدها و مرحله نهایی داوری‌ها راه یافتند به تفکیک بخش‌های مختلف به این شرح است:

● **بخش بزرگسال (شعر نو):** مجموعه اشعار «عینک فوتوکروم» اثر محبوبه راد از انتشارات فصل پنجم، «نگاه سربی» اثر فاطمه احمدیان از انتشارات نسل روشن و «اعلام وضعیت سفید» اثر رویا شاه‌حسین‌زاده از انتشارات اسین، آثار بررسی شده در مرحله نهایی داوری این بخش هستند.

● **بخش بزرگسال (شعر کلاسیک):** مجموعه اشعار «تداعی» اثر زینب احمدی از انتشارات سوره مهر، «خط به خط چین دامنت شعر است» اثر مسلم محبی از انتشارات فصل پنجم، «دف» اثر سجاد حیدری قیری از نشر نزدیک‌تر و «دلگردی» اثر بهروز آورزمان از نشر نزدیک‌تر، نامزدهای مرحله نهایی شعر کلاسیک، در بخش بزرگسال هستند.

● **بخش بزرگسال (شعر محاوره):** مجموعه اشعار «آه مستعار» اثر اسماعیل فرزانه از انتشارات فصل پنجم، «نردبان» اثر امید صباغ نو از نشر نزدیک‌تر و «نقشه رنج» اثر محمدرضا صبوریان از نشر نزدیک‌تر، نامزدها و آثار راه یافته به مرحله نهایی داوری این بخش هستند.

داوری بخش «شعر بزرگسال» را محمدرضا ترکی، محمدکاظم کاظمی، سعید بیابانکی، ابراهیم اسماعیلی اراضی، بهزاد خواجات و محمد رمضانی فرخانی عهده‌دار بودند.

● **بخش «درباره شعر»:** کتاب‌های «حنجره زخمی جویبار: تأملی در شعر سهراب سپهری» اثر تقی پورنامداریان از انتشارات سخن، «سیر مرثیه‌سرایی در ایران از رودکی تا بهار» اثر نصرالله امامی از انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، «قهوه قجری در فنجان ادبیات: بررسی محتوامحور ادبیات دوره بازگشت و زمینه‌های بروز نوگرایی با تکیه بر زندگی و شعر برخی شاعران نام‌آشنا و ناآشنای عصر قاجار» اثر کمال شفیعی و محمدرضا بیرنگ از انتشارات سوره مهر و «کارستان سخن: درهم‌تنیدگی تخیل و واقعیت در شاهنامه» اثر ندا غیاثی از انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، نامزدهای بخش درباره شعر هستند.

مریم حسینی، بهادر باقری و فرزاد بالو، بخش «درباره شعر» را داوری کردند.

● **بخش «کودک و نوجوان»:** مجموعه اشعار «اتل متل نا نی نی» سروده طیبه شامانی از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، «بادکنک‌های رنگی رنگی بردار» سروده افسانه شعبان‌نژاد از انتشارات شهر قلم، «حرف دلم را قورت دادم» سروده مریم زندی از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، «من بال و پر دارم» سروده سعیده موسوی‌زاده از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و «من بلدم بخوانم (۲۲ جلدی)» سروده مصطفی رحماندوست و مریم هاشم‌پور از انتشارات پیدایش، در بخش کودک و نوجوان به عنوان نامزدهای نهایی داوری شدند.

داوری بخش «شعر کودک و نوجوان» بیستمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر نیز توسط افسون امینی، عباسعلی سپاهی یونسی و شاهین رهنما انجام شد.

نوبت دوم

آگهی تجدید مزایده عمومی

شهرداری اندیشه در نظر دارد به استناد مجوز شورای اسلامی شهر اندیشه نسبت به فروش اموال غیرمنقول ذیل از طریق تجدید مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجدالشرایط به‌صورت نقد یا اقساط اقدام نماید:

۱- آگهی تجدید مزایده عمومی ۱۹واحد تجاری طبقه اول مجتمع اداری تجاری نور واقع در فاز ۳ اندیشه
مهلت وتاریخ دریافت اسناد مزایده: پایان وقت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

۲- آگهی تجدید مزایده ۳۹غرفه بازار روز گلها واقع درفاز۴ اندیشه
مهلت و تاریخ دریافت اسناد مزایده: پایان وقت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

● شرایط شرکت در تجدیدمزایده عمومی شامل مبلغ فروش، تضمین شرکت در مزایده، مدارک لازم جهت دریافت اسناد، مهلت ومحل دریافت اسناد، مهلت ومحل تسلیم پیشنهادات و تاریخ و محل بازگشایی پیشنهادات در سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) درج گردیده است.

برای کسب اطلاعات بیشتر بارکد اسکن شود

● چاپ نوبت اول ۱۴۰۴/۱۱/۰۹ ● چاپ نوبت دوم ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

بهروز کاویانی - شهردار شهر اندیشه

شرکت فولاد جهان آراوند
Arvand Jahan Ara Steel Co.

Arvand Jahan Ara Steel Co.
Bid for Prime Steel Slab
No. AJS/1404/02

Arvand Jahan Ara Steel Co. intend to sell 30,000 Mt Steel Slab via public tender.Those who are interested to participate to this tender, please visit the website www.ajs.co.ir The bid price should be submitted not later than 15th Feb 2026 at 16.00 P.M Iran local time.

Tel: 0098-61-53512374 | Internal number :611 | Email:tender@ajs.co.ir

آگهی تجدید فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

مناقصه شماره ۳۵-۱۴۰۳-۱۳۱۹ شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۴۰۰۱۰۳۴۰۰۰۱۴۲

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز پارس

شرکت نفت و گاز پارس (کارفرما) در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:

نوبت اول

شرح پروژه: اجاره یک تا دو فروند بالگرد BELL412 با قابلیت پرواز در شب برای مدت ۳ سال در منطقه پارس جنوبی به‌طور دائم و مستمر به‌منظور پشتیبانی از سکوهای دریایی، دکل‌های حفاری و سایر پروژه‌های در دست اقدام در منطقه پارس جنوبی واقع در آب‌های خلیج‌فارس مطابق با مشخصات فنی ذکر شده در اسناد مناقصه

شرایط مناقصه‌گر:
۱- داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه
۲- دارا بودن مجوز فعالیت مرتبط از سازمان هواپیمائی کشوری جمهوری اسلامی ایران
۳- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ۲۲۲/۲۳۱ یورو برای تأمین یک فروند بالگرد و مبلغ ۳۹۴/۱۰۹ یورو برای تأمین دو فروند بالگرد BELL412 با قابلیت پرواز در شب به‌صورت وجه نقد و یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی از بانک‌های معتبر و مورد تأیید کارفرما (بجز بانک‌های سپه و پاسارگاد)، مطابق با آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۹۴
۴- ارائه اساسنامه، آگهی تأسیس و آخرین تغییرات ثبتی هیأت‌مدیره شرکت.
۵- ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا حسابداران رسمی ذی‌صلاح مربوط به سال مالی ۱۴۰۲ یا ۱۴۰۳ به‌همراه تأییدیه ثبت صورت‌های مالی حسابرسی شده در سامانه پردیس جهت تأیید اصالت گزارش.
۶- برآورد بودجه کارفرما برای اجاره دایمی دو فروند بالگرد BELL412 با قابلیت پرواز در شب برای مدت سه سال، مبلغ ۳۴٫۳۷۵٫۶۸۰ یورو می‌باشد.

نحوه دریافت اسناد استعلام:
از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می‌گردد حداکثر سه روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم جهت دریافت اسناد و مدارک ارزیابی کیفی به نشانی اینترنتی setadiran.ir سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و اسناد استعلام ارزیابی کیفی را دریافت نمایید. لازم به توضیح است که پس از انجام فرآیند ارزیابی کیفی، اسناد مناقصه میان متقاضیان واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است ارائه مدارک هیچ گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

تاریخ تحویل پیشنهاد استعلام ارزیابی کیفی: چهارده روز پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی.

تاریخ تحویل مدارک مناقصه: تاریخ دریافت مدارک مناقصه و محل آن متعاقباً به‌اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید.

آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گشایش پیشنهاد: طبق تاریخ‌های مندرج در اسناد مناقصه

لازم به ذکر است پیشنهادات ارائه شده توسط مناقصه‌گران بایست تا ۳ ماه معتبر باشد.

درصورت نیاز به‌اطلاعات درخصوص بارگذاری مستندات در سامانه ستاد، متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۵ و ۰۲۱-۸۳۷۶۲۶۰۴ تماس حاصل نمایند.

درصورت داشتن سؤال درخصوص اسناد استعلام ارزیابی کیفی و نحوه تکمیل آن، متقاضیان می‌توانند نسبت به ارسال نامه به‌شماره نمابر ۰۲۱-۸۸۹۵۵۰۵۷ اقدام نمایند.
اطلاعات تماس جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ستاد: ۰۲۱-۱۴۵۶

شناسه ۲۱۱۴۷۱۶

شرکت نفت و گاز پارس - روابط عمومی

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده (نوبت دوم)
شرکت تعاونی داروسازان پنجم شهریور اشراق
تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

بنابه به تصمیم هیأت‌مدیره شرکت تعاونی داروسازان پنجم شهریور اشراق جلسه مجمع عمومی عادی سالانه نوبت اول شرکت به‌شماره ثبت ۴۶۴۴ و شناسه ملی ۱۰۴۶۰۰۷۹۰۰۲ رأس ساعت ۱۰ صبح روز جمعه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۱ در محل سالن دکتر فرسام واقع در زنجان شهرک صنعتی شماره ۱ خیابان سهروردی خیابان آذر جنوبی خیابان اول تشکیل خواهد گردید. لذا بدین‌وسیله از کلیه اعضای شرکت تعاونی دعوت می‌شود در تاریخ و ساعت تعیین شده برای اتخاذ تصمیم نسبت به موارد مشروحه ذیل حضور به‌هم رسانده و یا وکلای خود را با توجه به ماده ۱۹ آیین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی از بین اعضا یا خارج از اعضای شرکت کتباً معرفی نمایند. ضمناً به‌اطلاع میرساند که به موجب ماده ۱۹ آیین‌نامه تشکیل مجمع عمومی هر شخص فقط می‌تواند وکالت یک عضو را داشته باشد. اعضای متقاضی اعطای نمایندگی می‌بایست به‌همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ در محل شرکت حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت برگه ورود به مجمع را دریافت نمایند. با توجه به انتخاب بازرس قانونی متقاضیان کاندیداتوری بایستی درخواست کتبی خود را به‌همراه مدارک مربوط ظرف مدت یک هفته از تاریخ نشر آگهی به دفتر شرکت تعاونی ارائه و رسید دریافت دارند.

دستور جلسه
۱- استماع گزارش هیأت‌مدیره از عملکرد شرکت در سال مالی ۱۴۰۳
۲- استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی درخصوص عملکرد شرکت در سال مالی ۱۴۰۳
۳- بررسی و تصویب صورت‌های مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۴۰۳
۴- انتخاب بازرس
۵- تصویب حق حضور در جلسات اعضای هیأت‌مدیره
۶- طرح و تصویب کاهش سرمایه شرکت
۷- بررسی نحوه عرضه سهام شرکت‌های زیرمجموعه برای تأمین مالی شرکت تعاونی
۸- تعیین و تصویب ارزش سهام برای تسویه با اعضای متقاضی خروج براساس تراز آزمایشی منتهی به ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

هیأت‌مدیره شرکت تعاونی داروسازان پنجم شهریور اشراق

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
مشاور و مجری کلیه خدمات چاپی
چاپ افست ۲ ورقی ۴ رنگ
پلیت ستر ۴/۵ ورقی/ برش و تاکنی روزنامه
۸۴۷۱۱۵۰۵-۷
آدرس دفتر:
تهران، خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸
آدرس چاپخانه:
چهاردانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

IRNA
ایران
۱۸۷۷
ایران مسافرت

IRAN DAILY
1877
www.newspaper.iran-daily.com

بررسی غیبت فوتبالیست‌های ایرانی در ترکیب تیم منتخب سال ۲۰۲۵ قاره آسیا

خبری از پیشرفت نیست

سینا حسینی / غیبت ستارگان فوتبال ایران در ترکیب تیم منتخب آسیا در سال ۲۰۲۵، بیانگر افت محسوس آنها در قیاس با ستاره‌های آسیایی شاغل در لیگ‌های معتبر جهان است. شاید در نگاه اول، نحوه گزینش فدراسیون جهانی تاریخ و آمار فوتبال از برترین بازیکنان قاره آسیا در سال ۲۰۲۵ چندان حائزاهمیت به نظر نرسد و برخی آن را انتخابی سلیقه‌ای قلمداد کنند، اما تحلیل این اتفاق در کنار آنچه پیش‌تر از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا رقم خورده است، نشان می‌دهد بازیکنان فوتبال ایران مدت‌هاست از چرخه بازیکنان تراز اول قاره کهن خارج شده‌اند و با تداوم این روند، نمی‌توان انتظار کامیابی آنها را در جمع برترین‌های قاره آسیا داشت. قرار گرفتن پنج بازیکن از کشور ژاپن، سه بازیکن از کره‌جنوبی، دو بازیکن از عربستان و یک بازیکن از ازبکستان در این فهرست، نشان می‌دهد این انتخاب بر مبنای موفقیت در لیگ‌های معتبر و میزان تأثیرگذاری در زمین فوتبال صورت گرفته و هیچ اثری از گزینش سلیقه‌ای در آن مشاهده نمی‌شود. کاهش معنادار سهم بازیکنان ایرانی در ترکیب تیم‌های معتبر باشگاهی اروپا، افت محسوس لژیونرهای ایرانی و ناکامی باشگاه‌های حرفه‌ای ایران در مسابقات آسیایی، از جمله عوامل تأثیرگذار در این گزینش به شمار می‌رود که به هیچ وجه نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد.

به اعتقاد صاحب‌نظران و کارشناسان، برای رهایی از وضعیت کنونی، اتخاذ استراتژی هدفمند در حوزه مدیریت و همچنین اصلاح سبک زندگی فوتبالیست‌های ایرانی نیاز است؛ به‌گونه‌ای که تنها با اجرای دقیق و منظم این دو اصل می‌توان بار دیگر به جمع برترین‌های قاره آسیا راه پیدا کرد. با این حال، تکرار مسیر کنونی نه‌تنها راه گریزی از این وضعیت باقی نخواهد گذاشت، بلکه به‌تدریج جایگاه فوتبال ایران را در معرض آسیب‌های جدی‌تری قرار خواهد داد که رهایی از آن به هیچ وجه آسان نخواهد بود. بی‌شک ایجاد تغییر در روند فعلی نه‌تنها می‌تواند به اقتصاد و موفقیت فوتبال کمک کند، بلکه می‌تواند نقش تأثیرگذاری در آینده فوتبال ملی نیز داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که در رده‌های مختلف تیم‌های ملی، می‌توان با اتکا به استعدادهای نوظهور، در برابر حریفان سنتی، در زمین مسابقه هم با رویکردی پیروزمندانه گام برداشت.

موفقیت ژاپن، کره جنوبی، عربستان و ازبکستان نشان‌دهنده آن است که در آینده‌ای نه‌چندان دور، فاصله آنها با فوتبال ایران به مراتب کمتر از اختلاف فعلی خواهد شد و اگر نسبت به این روند بی‌تفاوت باشیم، سرنوشت ناخوشایندی در انتظار فوتبال ملی و باشگاهی کشور در پیش است. در چنین شرایطی، فوتبال ایران به‌تدریج به فوتبالی آماتور تبدیل خواهد شد که پیامد آن، عقب‌ماندگی در عرصه بین‌المللی در مقایسه با رقبای سنتی و نوظهور در قاره آسیا خواهد بود. در مقطع کنونی، باشگاه‌های ایرانی با ریخت‌وپاش‌های دور از منطق، صرفاً نرخ فوتبال را به شکلی غیرمتعارف افزایش می‌دهند، در حالی که هیچ نشانه‌ای از ارتقای سطح کیفی فوتبالیست‌ها و بهبود عملکرد فنی تیم‌ها مشاهده نمی‌شود. این در شرایطی است که در کشورهای رقیب، همزمان با افزایش میزان دستمزدها، کیفیت بازیکنان نیز به همان نسبت رشد پیدا می‌کند؛ اما هنگامی که در فوتبال ایران خبری از ارتقای سطح کیفی نیست و صرفاً صفرهای قرارداد بازیکنان به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد، باید به‌صورت جدی نگران وضعیت کنونی و آینده فوتبال ایران بود.

علی موسوی، مهاجم اسبق تیم ملی در گفت‌وگو با «ایران»:

با این کیفیت توان رقابت با غول‌های آسیا و جهان را نداریم

نباید در باد صعود به جام جهانی بخوابیم

مهری رنجبر / علی موسوی، مهاجم اسبق تیم ملی که سابقه بازی در بایرلورکوزن و فورتونا کلن را در کارنامه خود دارد، با اشاره به غیبت سؤال‌برانگیز بازیکنان ایرانی در فهرست برترین‌های فوتبال آسیا، روزهای روشنی را برای فوتبال ایران متصور نیست. مهاجم سابق استقلال و تیم ملی در گفت‌وگو با «ایران» و در واکنش به این اتفاق می‌گوید: «وقتی تیم ملی یا تیم‌های باشگاهی ایران در سال‌های اخیر رنگ سکوی آسیا را ندیده‌اند، نباید توقع حضور بازیکنان ایرانی در تیم منتخب سال آسیا را داشت.» به منظور بررسی شرایط کنونی فوتبال ایران و افت کیفی بازیکنان، با علی موسوی گفت‌وگو کردیم که در ادامه آن را می‌خوانید.

با وجود اینکه تیم فوتبال ایران در رده‌بندی فیفا در رده بیستم جهان قرار دارد، اما چرا هیچ‌یک از بازیکنان ما در ترکیب تیم منتخب ۲۰۲۵ آسیا نیستند؟

این اتفاق اصلاً عجیب نیست. وقتی ما در ۱۴ سال اخیر قهرمان آسیا نشده‌ایم و حتی تیم دوم یا سوم قاره هم نبوده‌ایم، یا تیم‌های باشگاهی‌مان در آسیا روی سکو نرفته‌اند و تنها افتخار فوتبال ما راهیابی به جام جهانی بوده، نباید توقع داشته باشیم بازیکنی از ایران در تیم منتخب آسیا حضور داشته باشد.

یعنی اعتقاد دارید این ناکامی ریشه در نتایج فوتبال ما در قاره آسیا دارد؟

بله. تیم ما در سال ۱۹۹۶ که سوم آسیا شد، پنج بازیکن در تیم منتخب داشت. سال ۱۹۹۸ هم با قهرمانی در آسیا، تقریباً همه بازیکنان در تیم منتخب قرار گرفتند. اما در سال‌های اخیر، وقتی نه تیم ملی و نه هیچ تیم باشگاهی ایرانی در آسیا روی سکو نمی‌رود، نباید انتظار داشت بازیکنان‌مان در ردیف بهترین‌ها قرار بگیرند. این اتفاق نشان‌دهنده درجا زدن و حتی عقبگرد فوتبال ماست، در حالی که آسیایی‌ها در حال پیشرفت هستند.

یعنی غیبت بازیکنان ایرانی در تیم منتخب آسیا اتفاقی نیست؟

نه. بازیکنان ما شاید در فضای مجازی، بازیکنان بزرگی به نظر برسند، اما در واقعیت هیچ مقام و افتخار مهمی ندارند و حالا در باد صعود به جام جهانی خوابیده‌اند.

چرا با اینکه قبلاً فوتبال ایران لژیونرهای زیادی در لیگ‌های معتبر اروپایی داشت، حالا خبری از حضور ایرانی‌ها در تیم‌های مطرح اروپا نیست؟

الان به هر بازیکنی که در لیگ‌های خارجی بازی می‌کند لژیونر می‌گویند؛ حتی اگر آن لیگ، افغانستان یا مالدیو باشد. در صورتی که لژیونر واقعی بازیکنی است که در چهار تیم اول لیگ‌های معتبر اروپایی مثل آلمان، انگلیس، اسپانیا و ایتالیا بازی کند. این روزها اگر هر فوتبالیستی مدیر برنامه داشته باشد، می‌تواند در لیگ‌های هلند، پرتغال و امثال آن بازی کند. حتی در لیگ روسیه هم فقط دو تیم اول سطح بالایی دارند و بقیه تیم‌ها در حد تیم‌های لیگ برتر ایران هستند. بازیکنان ژاپنی و کره‌ای در تیم‌های معروف دنیا توپ می‌زنند و حتی بازیکنان عربستانی با وجود داشتن لیگ داخلی قوی، در تیم‌های خوب اروپایی بازی می‌کنند. فوتبال ایران بیشتر درگیر حاشیه‌هاست و با وجود پول‌هایی که رد و بدل می‌شود، بازیکن قابل توجهی ساخته نشده است.

> فوتبال ایران بیشتر درگیر حاشیه‌هاست و با وجود پول‌هایی که رد و بدل می‌شود، بازیکن قابل توجهی ساخته نشده است

چرا باید این‌طور باشد؟

بی‌برنامگی از رده نوجوانان تا تیم‌های بزرگسالان فوتبال ایران موج می‌زند. در حالی که در فوتبال دنیا برنامه‌ریزی از تیم‌های پایه شروع می‌شود و تا تیم بزرگسالان ادامه دارد، در ایران این‌گونه نیست. بازیکنی که در تیم نوجوانان می‌درخشد، ناگهان ناپدید می‌شود و کسی هم از او خبر ندارد. یا بازیکنی که در تیم امید نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند، یک‌باره تمام می‌شود. نبود برنامه باعث می‌شود بازیکنان رده‌های پایه رها شوند. در ایران نه‌تنها برای بازیکنان پایه برنامه‌ای وجود ندارد، بلکه امکاناتی هم که در اختیار تیم‌های نوجوانان قرار می‌گیرد، در حد صفر است و قابل رقابت با امکانات مدارس و آکادمی‌های فوتبال دنیا نیست. با این کیفیت توان رقابت با غول‌های آسیایی و تیم‌های بزرگ جهان را نداریم.

حتی مهدی طارمی و سردار آزمون، دو لژیونر و ملی‌پوش مطرح تیم ملی هم در ترکیب منتخب نیستند.

مهدی طارمی در یونان بازی می‌کند؛ لیگی که جزو لیگ‌های درجه دو اروپا محسوب می‌شود و نباید انتظار داشت او به تنهایی بار تیم ملی را به دوش بکشد. او البته قبلاً بسیار موفق بود، اما حالا سنش بالا رفته و متأسفانه همین مسأله باعث شده مثل گذشته نباشد. با این روند، بعید نیست چند وقت دیگر فوتبال ایران به سمت نگران‌کننده‌ای برود. علیرضا جهانبخش نیز در یکسال اخیر دچار افت محسوسی شده است.

منظور از امکانات، نبود زمین چمن استاندارد است یا مربی؟

جدای از زیرساخت‌ها، ما حتی از نظر مربی هم در آکادمی‌ها و مدارس فوتبال مربی کاربلد نداریم. معمولاً آموزش را به مربیانی می‌سپارند که نه فوتبال بازی کرده‌اند و نه آموزش اصولی را بلد هستند. در لورکوزن، وقتی عمر بازی یک فوتبالیست تمام می‌شود، او در مدرسه فوتبال و آکادمی باشگاه مشغول به کار می‌شود، اما در ایران چنین چیزی وجود ندارد. آنجا ۲۲ مربی کار می‌کردند و اینجا ۱۲۰ نفر. در ایران با اینکه آکادمی‌ها درآمد خوبی دارند، اما کار حرفه‌ای روی بازیکنان انجام نمی‌دهند. بازیکن‌سازی در عمل فراموش شده و فوتبال را درست و اصولی به بچه‌ها آموزش نمی‌دهند. معمولاً تمرین‌ها در بدترین ساعت روز و روی چمن مصنوعی برگزار می‌شود. همه این اشتباهات تأثیر منفی دارد.

قبلاً که خبری از مدارس فوتبال و آکادمی نبود، استعدادها بیشتر بودند. یعنی حالا استعداد نداریم؟

قبلاً شرایط فرق می‌کرد. ما زمین‌های خاکی داشتیم که بازیکنان از صبح تا شب در آن بازی می‌کردند؛ زمین‌هایی که نبود مدارس فوتبال را جبران می‌کرد و تأثیر زیادی روی پیشرفت تکنیکی بازیکنان داشت. بازیکنان آن‌قدر توپ می‌زدند که فوتبالیست‌های تکنیکی به باشگاه‌ها معرفی می‌شدند، اما حالا خبری از زمین فوتبال نیست. فقط مدارس فوتبالی وجود دارد که در آن هیچ کار استعدادیابی واقعی انجام نمی‌شود و بازیکنان اغلب با سفارش یا پول پدر و مادرشان بالا می‌آیند؛ بازیکنانی که تکنیکی نیستند.

نیاز ضروری به تغییرات اساسی در ساختار فوتبال

داوود مهابادی
کارشناس فوتبال

فوتبال ایران در چند سال اخیر از منظر ساختاری، روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است. در این سال‌ها، فوتبال کشور در زمینه پرورش استعدادهای درجه‌یک با چالش بزرگی مواجه بوده که مهم‌ترین دلیل آن به منافع مالی باشگاه‌ها بازمی‌گردد؛ به‌گونه‌ای که فرآیند بازیکن‌سازی در باشگاه‌ها به‌شدت تحت تأثیر ملاحظات مالی قرار گرفته است. در واقع، امروز برای بسیاری از باشگاه‌ها و حتی بازیکنان، منفعت مالی اولویت بیشتری نسبت به توسعه فنی و آینده‌سازی دارد. تقریباً اکثر باشگاه‌ها از به‌کارگیری مربیان استعدادیاب برای کشف و پرورش استعدادهای جوان غفلت می‌کنند و حتی در مواردی که بازیکن جوان و مستعدی نیز شناسایی و ساخته می‌شود، حمایت لازم از او صورت نمی‌گیرد؛ چرا که باشگاه‌ها اغلب منافع مالی خود را بر رشد و پیشرفت بازیکن ترجیح می‌دهند. این کوتاهی‌ها تنها به بی‌توجهی و عدم حمایت از بازیکنان جوان محدود نمی‌شود، بلکه مربیان زبده و کاربلد نیز در تعامل با باشگاه‌ها با چالش‌های جدی مواجه هستند و در بسیاری از موارد، باشگاه‌ها به‌راحتی مربیانی را که برای تیم زحمت کشیده‌اند، کنار می‌گذارند.

علاوه بر نادیده گرفتن نیروی انسانی، لیگ فوتبال ایران در زمینه برگزاری مسابقات نیز با مشکلات متعددی روبه‌روست. ورزشگاه آزادی که سال‌ها به‌دلیل بازسازی از دسترس خارج شده و سایر ورزشگاه‌ها نیز از شرایط استاندارد و مطلوب برخوردار نیستند، نمونه‌ای از این چالش‌ها به شمار می‌رود. حتی دو تیم پرطرفدار استقلال و پرسپولیس که به‌عنوان نماد فوتبال ایران شناخته می‌شوند، از امکانات و شرایط استاندارد برای میزبانی مسابقات خود برخوردار نیستند. موضوع بازیکنان خارجی حاضر در لیگ ایران نیز چالش دیگری را رقم زده است. هرچند در فصل جاری، بازیکنان خارجی از کیفیت بهتری نسبت به گذشته برخوردار بوده‌اند، اما همچنان از میان پنج بازیکن خارجی، دست‌کم دو بازیکن از سطح فنی پایینی برخوردارند. این در حالی است که باشگاه‌ها می‌توانند به‌جای عقد قرارداد با بازیکنان خارجی بی‌کیفیت، فرصت بیشتری در اختیار بازیکنان جوان قرار دهند تا شرایط فنی آنها به‌مراتب بهبود یابد. در وضعیت کنونی، فوتبال ایران در عمل خالی از ستاره شده است و در تیم ملی، مهدی طارمی و سردار آزمون تنها ستاره‌های باقی‌مانده محسوب می‌شوند. سردار آزمون به‌دلیل مصدومیت، وضعیت نامشخصی دارد و مهدی طارمی نیز با نوسان‌هایی در عملکرد خود مواجه است. از سوی دیگر، بازیکنان جوان هنوز به سطح استانداردی نرسیده‌اند که بتوانند به‌عنوان مهره‌های اصلی و تعیین‌کننده در تیم ملی ایفای نقش کنند. بی‌تردید، عدم حضور فوتبالیست‌های ایرانی در لیگ‌های درجه‌یک اروپا ارتباط مستقیمی با افت فوتبال ایران دارد. در مقطعی که محمد مایلی‌کهن هدایت تیم ملی را برعهده داشت، بسیاری از بازیکنان جوان همچون مهدی مهدوی‌کیا، زنده‌یاد مهرداد میناوند و فرهاد مجیدی به میدان رفتند و نسل جدیدی از فوتبال ایران شکل گرفت؛ نسلی که سالیان متمادی برای فوتبال کشور افتخارآفرینی کرد. فوتبال ایران پس از آن نیز نسلی موفق با بازیکنانی مانند جواد نکونام را تجربه کرد، اما در نسل فعلی، بازیکنان درجه‌یک به‌ندرت یافت می‌شوند. با توجه به این شرایط، فوتبال ایران به‌جای حرکت در مسیر پیشرفت، دچار پسرفت شده است و اغراق نخواهد بود اگر فوتبال ایران را در حال حاضر، فوتبالی در سطح درجه دو قاره آسیا بدانیم. فدراسیون فوتبال برای نجات این رشته از سرنوشت نگران‌کننده کنونی، ناگزیر است به‌صورت جدی به توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها بپردازد و همچنین باشگاه‌داری را بر اساس معیارها و الزامات کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) سامان دهد تا به‌تدریج فوتبال حرفه‌ای در ایران شکل منسجم‌تری به خود بگیرد و مسیر پیشرفت دوباره هموار شود.

عبدالله ویسی در گفت‌وگو با «ایران»:

فوتبال آسیا منتظر ایران نمانده و نمی‌ماند

پریسا غفاری / فدراسیون جهانی تاریخ و آمار فوتبال، تیم منتخب سال ۲۰۲۵ قاره آسیا را اعلام کرد؛ تیمی که در آن نام هیچ بازیکن ایرانی دیده نمی‌شود. عبدالله ویسی، مربی فوتبال، در واکنش به این اتفاق، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «حقیقت تلخ آن است که فوتبال آسیا منتظر ایران نمانده و نمی‌ماند؛ بنابراین وقتی در جمع بهترین‌ها حضور نداریم، به‌تدریج از دایره توجه نیز خارج می‌شویم.»

وی با اشاره به شرایط فعلی لیگ و تیم ملی کشورمان توضیح داد: «وقتی چهار تیم بالای جدول لیگ ایران، یعنی استقلال، پرسپولیس، تراکتور و سپاهان، سطح پایینی از فوتبال را به نمایش می‌گذارند و بازیکنی هم در ترکیب تیم منتخب ندارند، قطعاً بازیکن باکیفیت مس رفسنجان نیز نمی‌تواند در جمع بهترین‌ها قرار بگیرد؛ چرا که این‌گونه عنوان می‌شود اگر آن بازیکن شاخص بود، تیمش در انتهای جدول قرار نداشت. این موارد نشان می‌دهد سطح لیگ ما پایین است و باید هرچه زودتر تلنگری جدی به خودمان بزنیم تا فوتبال کشور به بیراهه نرود. ما حتی نتوانسته‌ایم بازیکن جوانی را به تیم ملی تزریق کنیم و این موضوع به‌روشنی نشان می‌دهد زنگ خطر برای فوتبال ما به صدا درآمده است.»

این مربی فوتبال کشورمان با اشاره به جایگاه پیشین فوتبال ایران در قاره کهن و عدم حضور در ترکیب تیم منتخب آسیا توضیح داد: «پس از نسل دایی، باقری و دیگر بازیکنانی که به فوتبال ایران اعتبار بخشیدند و حتی در ترکیب تیم منتخب جهان قرار داشتند، در مقاطعی نیز طارمی و آزمون توانستند در لیگ‌های خوب دنیا، هرچند دو یا سه درجه پایین‌تر، بازی کنند؛ اما امروز دیگر خبری از لژیونرهای باکیفیت نیست. حتی نسل آماده‌ای هم نداریم که بتواند به تیم ملی قدرت بدهد. باور کنید من دشمن فوتبال ایران نیستم، اما معتقدم تا زمانی که انتخاب‌ها بیشتر بر پایه پارتی‌بازی باشد، فوتبال بیمارتر می‌شود. به‌جای دشمن‌تراشی، بهتر است چهار کارشناس واقعی و متخصص را کنار هم بنشانیم و مشکلات فوتبال را به‌صورت دقیق کالبدشکافی کنیم.»

عبدالله ویسی در ادامه تأکید کرد: «بیایید همانند ازبک‌ها و ژاپنی‌ها، برای دوره‌های آتی جام جهانی، جوانان و لژیونرهای باکیفیت پرورش دهیم. انتخاب‌های درستی برای تیم ملی و بدون دخالت عوامل بیرونی داشته باشیم. باور کنید استعدادهای خوبی در فوتبال ایران وجود دارد، به شرط آن‌که با برنامه‌ریزی اصولی پیش برویم و بتوانیم فوتبال کشور را دوباره به روزهای خوبش بازگردانیم. تحقق همه این موارد، نیازمند همت و اراده‌ای جدی و عالی است.»

غیبتی که دیگر عجیب نیست

مهدی پاشازاده
مربی فوتبال

نکته نگران‌کننده فوتبال ایران این است که نه‌تنها در تیم منتخب سال AFC نماینده‌ای نداریم، بلکه در مراسم بهترین‌های سال آسیا نیز سال‌هاست به یک غایب همیشگی تبدیل شده‌ایم؛ غیبتی که دیگر تعجب‌برانگیز نیست و درست همین عادی‌شدن، بزرگ‌ترین آفت است. فوتبالی که سرشار از استعداد است، اما با سیستمی فرسوده دست‌وپنجه نرم می‌کند. عواملی مانند افت کیفیت لیگ، کم شدن لژیونرها و کمتر بودن لژیونرهای آماده، مدیریت ضعیف و به بیان درست‌تر سوءمدیریت، باعث شده دیگر حتی بحث رقابت با کشورهایی چون ژاپن، کره‌جنوبی، عربستان و قطر هم مطرح نباشد و از کشورهایی که در سطح دوم فوتبال آسیا محسوب می‌شوند نیز جا بمانیم. چرا که ما همچنان درگیر مسائل ابتدایی‌ای مانند زمین تمرین، مافیای چمن، قراردادهای بدون شفافیت، بدهی‌های خارجی و داخلی، دعواهای مدیریتی و جولان دلال‌ها هستیم.

بنابراین تا زمانی که ساختار فوتبال‌مان اصلاح نشود، حتی بهترین نسل‌ها هم کاری از پیش نخواهند برد. برای همین است که دهه‌ها از قهرمانی تیم ملی بزرگسالان در جام ملت‌های آسیا می‌گذرد، حسرت صعود تیم امید به المپیک در هر دوره تمدید می‌شود و وضعیت باشگاه‌ها در مسابقات آسیایی نیز که نیاز به توضیح و یادآوری بیشتری ندارد.

به نظر من حتی رتبه بیستم تیم ملی در رده‌بندی جهانی هم جایگاه واقعی فوتبال ایران را نشان نمی‌دهد؛ چرا که تیم‌های درجه دو و سه آسیا را در گروه شکست دادیم و به جام جهانی صعود کردیم که خود این موضوع امتیازاتی را به همراه داشت. در فیفادی‌ها نیز با تیم‌های گردن‌کلفت روبه‌رو نشدیم. ما هیچ برنامه‌ریزی مشخصی نه در لیگ داریم و نه برای تیم‌های پایه. بازیکنان ما راحت‌طلب شده‌اند و بیشتر به فکر بستن قراردادهای سنگین هستند؛ در حالی که نسل ما فقط به فوتبال فکر می‌کرد و با قراردادهای پایین راضی بود تا در تیم‌های سطح A اروپا بازی کند. به نظر من در فوتبال امروز، همه این مسائل به هم گره خورده‌اند.

در نهایت، بهتر است مدیران فدراسیون فوتبال و باشگاه‌ها توجه داشته باشند که غیبت در جمع بهترین‌ها و ویترین فوتبال آسیا، فقط یک موضوع معمولی و ساده نیست. تداوم این روند، پیامدهایی مانند کاهش شانس دیده‌شدن بازیکنان ایرانی، افت اعتبار فوتبال ایران در نگاه AFC، سخت‌تر شدن مسیر انتقال بازیکنان به لیگ‌های معتبر و در نهایت کمرنگ شدن جایگاه تاریخی ایران در فوتبال قاره را به دنبال خواهد داشت.

سقوط آرام با قراردادهای غیرواقعی

اردلان آشتیانی
کارشناس فوتبال

برای سقوط آرام فوتبال ایران در قاره آسیا، نشانه‌های فراوان و قابل تأملی وجود دارد. از جمله این نشانه‌ها می‌توان به غیبت فوتبال کشورمان در جمع برترین‌های قاره اشاره کرد؛ موضوعی که به‌تدریج به یک روند و روالی معمول تبدیل شده است. ناکامی‌های پی در پی در سطوح ملی و باشگاهی نیز بخش دیگری از این واقعیت تلخ به شمار می‌رود؛ هرچند به نظر می‌رسد این مسائل برای مدیران باشگاه‌های فوتبال اهمیت چندانی ندارد.

در شرایطی که در فوتبال ایران، مدیران برنامه بازیکنان ارتباط مؤثر و پایداری با اروپا و لیگ‌های معتبر جهان ندارند و از سوی دیگر، بازیکنان جوان ما نیز نتوانسته‌اند کیفیت فنی بالایی را در لیگ داخلی به نمایش بگذارند، طبیعتاً پیامد چنین وضعیتی، حضور محدود بازیکنان ایرانی در لیگ‌های درجه دو و سه قاره سبز یا تیم‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهد بود.

پس از نسل طلایی فوتبال ایران شامل علی دایی، کریم باقری، مهدی پاشازاده، مهدی مهدوی‌کیا و دیگران، فوتبال ایران تنها در دوره هدایت کارلوس کی‌روش ـ که ارتباط گسترده‌ای با کشورهای صاحب فوتبال داشت ـ توانست لژیونرهایی همچون علیرضا جهانبخش، سردار آزمون و بازیکنانی مانند احسان حاج‌صفی را راهی تیم‌های مطرح کند. با این حال، در مقطع کنونی، فوتبال ایران در عمل جایگاهی در میان بهترین‌های قاره و جهان ندارد.

از سوی دیگر، گل سرسبد مسابقات لیگ برتر ایران، دیدار سنتی دربی تهران میان دو تیم استقلال و پرسپولیس است؛ مسابقه‌ای که شاید در سطح جهانی بینندگانی داشته باشد، اما همان دیدار نیز از نظر فنی آن‌قدر کیفیت پایینی دارد که اجازه نمی‌دهد نگاه جدی و تحلیلی از سوی فیفا و نهادهای بین‌المللی به فوتبال ایران شکل بگیرد. همچنین در فصل بیست‌وپنجم لیگ، تنها امیرمحمد رزاق‌نیا نشانه‌هایی از بروز استعداد را به نمایش گذاشت و در عین حال، مربیان فعال در تیم‌های پایه نیز نقش مؤثری در کشف و پرورش استعدادها ایفا نکردند؛ به‌گونه‌ای که نتوانستیم حتی دو یا سه بازیکن مستعد را به تیم ملی تزریق کنیم. زمانی که قرارداد بازیکنان سطح A فوتبال ایران در لیگ‌هایی همچون پرتغال یا سری A ایتالیا، از قراردادهای داخلی کمتر است، طبیعی است که فوتبالیست‌های ایرانی تمایلی به لژیونر شدن نداشته باشند. برای نمونه، یکی از فوتبالیست‌ها در لیگ پرتغال قراردادی در حدود ۳۰۰ هزار دلار داشت که پس از کسر مالیات، به حدود ۲۰۰ هزار دلار می‌رسید، در حالی که ترجیح داد به ایران بازگردد و بدون پرداخت مالیات، رقمی نزدیک به یک میلیون دلار از باشگاه ایرانی دریافت کند؛ قراردادی غیرواقعی، بدون تحمل سختی‌های حرفه‌ای فوتبال اروپا. مجموعه این عوامل، بویژه نداشتن لژیونرهای مطرح، موجب افت محسوس کیفیت فوتبال و در نهایت لطمه خوردن به تیم ملی ایران می‌شود. هنگامی که تیم ملی از حضور دو یا سه بازیکن جوان و باانگیزه بی‌بهره باشد، نمی‌توان روی سرعت گردش توپ، پویایی بازی و آینده فنی تیم ملی حساب ویژه‌ای باز کرد. بنابراین، نباید انتظار نتایج شگفت‌انگیز از فوتبال ایران در رقابت‌هایی همچون جام جهانی داشت.

irannewspaper.ir

سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ • سال سی‌و دوم • شماره ۸۹۵۲
• اذان ظهر ۱۲/۱۸ • اذان مغرب ۱۷/۵۳ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ • اذان صبح فردا ۰۵/۳۷ • طلوع آفتاب فردا ۰۷/۰۲

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری، چاپخانه مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
در عدالت، اقتدا کردن به سنت خدا و پایداری دولت‌هاست.
غررالحکم، ح ۶۴۹۶

جشنواره فیلم فجر و مرز لغزنده بازنمایی خرده‌فرهنگ‌ها در سینمای ایران

مسیری دشوار اما ضروری

نگاه

دکتر مریم سلیمی
پژوهشگر ارتباطات و استاد دانشگاه

جشنواره‌های سینمایی، فراتر از ویترین نمایش فیلم، نقش نهادهای تنظیم‌گر معنا را در میدان فرهنگ ایفا می‌کنند. آنها تعیین می‌کنند چه روایت‌ها، چه صداها و کدام تجربه‌های زیسته شایسته دیده‌شدن در سطح ملی هستند.

در این میان، یکی از حساس‌ترین و در عین حال لغزنده‌ترین حوزه‌ها، نسبت جشنواره‌ها با «خرده‌فرهنگ‌ها» و تمایز آن با «بازنمایی اقلیمی یا فولکلوریک» است؛ تمایزی که نادیده‌گرفتن آن، حتی با نیت‌های مثبت، می‌تواند به تحریف، ساده‌سازی یا مصرف نمادین فرهنگ‌های حاشیه‌ای منجر شود. این یادداشت، با تمرکز بر جشنواره فیلم فجر، می‌کوشد ابتدا این مرز مفهومی را روشن کند و سپس نشان دهد که جشنواره تا چه حد در معرفی و شناسایی خرده‌فرهنگ‌ها موفق بوده و در کجا دچار لغزش شده است. ارزیابی کلی، اگرچه تأثیر جشنواره را مثبت می‌داند، اما در نهایت و با اتکا به مقایسه‌های بین‌المللی، این میزان توجه را ناکافی و نیازمند بازنگری سیاستی ارزیابی می‌کند.

خرده‌فرهنگ یا فولکلور؟ یک مرز تعیین‌کننده در مطالعات فرهنگی. خرده‌فرهنگ‌ها به گروه‌ها و شبکه‌های معنایی‌ای اطلاق می‌شود که در درون فرهنگ غالب شکل می‌گیرند اما واجد نظام ارزشی، زبان نمادین، حافظه تاریخی و الگوهای زیست متمایز هستند. آنها کنشگرند، روایت دارند و در نسبت قدرت با مرکز تعریف می‌شوند. در مقابل، بازنمایی فولکلوریک یا اقلیمی، اغلب به سطح نشانه‌های بیرونی فرهنگ‌ها تقلیل می‌یابد: پوشش، لهجه، آیین، موسیقی یا مناظر جغرافیایی؛ عناصری که بدون ورود به منطق درونی زیست‌جهان‌ها، صرفاً مصرف بصری یا روایی پیدا می‌کنند. لغزش اصلی جشنواره‌ها دقیقاً در همین نقطه رخ می‌دهد: جایی که نمایش «تفاوت» جای فهم «دیگری» را می‌گیرد. در چنین وضعیتی، خرده‌فرهنگ نه به‌عنوان سوژه فرهنگی، بلکه به مثابه ابژه‌ای جذاب، بومی یا نوستالژیک بازنمایی می‌شود. این نوع بازنمایی، هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت به دیده‌شدن منجر شود، اما در بلندمدت به تثبیت کلیشه‌ها و حذف پیچیدگی‌های فرهنگی می‌انجامد.

جشنواره فیلم فجر و مواجهه با تنوع فرهنگی

جشنواره فیلم فجر، به‌عنوان مهم‌ترین رویداد رسمی سینمای ایران، در چهار دهه گذشته یکی از اصلی‌ترین مسیرهای ورود روایت‌های غیرمرکزی به عرصه عمومی بوده است. بسیاری از فیلم‌هایی که به فرهنگ‌های محلی، زیست‌جهان‌های قومی یا حاشیه‌های اجتماعی پرداخته‌اند، اولین‌بار از طریق این جشنواره امکان دیده‌شدن در مقیاس ملی را یافته‌اند.

در این چهارچوب، می‌توان تأثیر جشنواره را در سه سطح بررسی کرد: معرفی، شناخت و توسعه نمادین. در سطح معرفی، جشنواره توانسته است بخشی از تنوع فرهنگی ایران را به مخاطبان گسترده‌تر نشان دهد. در سطح شناخت، برخی آثار از سطح تصویرگری اقلیمی فراتر رفته و به تعارض‌ها، مناسبات قدرت، زبان و حافظه جمعی خرده‌فرهنگ‌ها نزدیک شده‌اند. اما در سطح توسعه نمادین - یعنی تداوم، عمق‌یافتن و نهادینه‌شدن این نگاه - عملکرد جشنواره به‌مراتب ضعیف‌تر بوده است. لغزش غالب: از خرده‌فرهنگ به منظره فرهنگی یکی از الگوهای تکرارشونده در جشنواره فیلم فجر، استقبال از فیلم‌هایی است که فرهنگ‌های محلی را در قالب پس‌زمینه‌ای شاعرانه یا تراژیک به کار می‌گیرند، بی‌آنکه به سوژگی فرهنگی آنها میدان دهند.

در این فیلم‌ها، خرده‌فرهنگ به منظره تبدیل می‌شود: زیبا، متفاوت، اما خاموش. زبان محلی هست، اما منطق زبانی نه؛ آیین دیده می‌شود، اما کارکرد اجتماعی آن حذف می‌شود. این نوع مواجهه، هرچند به‌ظاهر توجه به تنوع فرهنگی است، در عمل به نوعی مصرف فرهنگی منجر می‌شود که تفاوت را بی‌خطر و غیرمسأله‌مند می‌سازد. جشنواره، با مشروعیت‌بخشی به این رویکرد، ناخواسته مرز بین بازنمایی انتقادی و بازنمایی تزئینی را مخدوش می‌کند.

مقایسه با تجربه‌های بین‌المللی در جشنواره‌های معتبر جهانی مانند برلیناله، لوکارنو، روتردام یا ساندنس، تمایز میان خرده‌فرهنگ و فولکلور به‌عنوان یک مسأله نظری و اجرایی جدی گرفته می‌شود. این جشنواره‌ها، نه‌تنها در انتخاب فیلم، بلکه در طراحی بخش‌ها، ترکیب هیأت‌های داوری و برنامه‌های جنبی، تلاش می‌کنند از بازنمایی سطحی یا exoticizing پرهیز کنند. در این نمونه‌ها، فیلم‌های مرتبط با اقلیت‌ها یا فرهنگ‌های حاشیه‌ای اغلب در چهارچوب‌هایی ارائه می‌شوند که بر عاملیت، صدا و روایت درونی این گروه‌ها تأکید دارد. همچنین وجود برنامه‌های توسعه پروژه و حمایت از فیلمسازان بومی، مانع از آن می‌شود که خرده‌فرهنگ‌ها صرفاً به ماده خام روایت دیگران تبدیل شوند.

در مقایسه، جشنواره فیلم فجر کمتر نشانه‌ای از چنین حساسیت نهادی نشان داده است. نبود سیاست‌های مشخص برای تمایز میان بازنمایی فرهنگی و بهره‌برداری نمادین، موجب شده است که کیفیت مواجهه با خرده‌فرهنگ‌ها به‌شدت نوسان داشته باشد. حوزه‌های در معرض فراموشی غفلت از خرده‌فرهنگ‌ها تنها به حوزه قومیت محدود نمی‌شود. فرهنگ‌های حاشیه شهری، زیست‌جهان‌های کارگری، خرده‌فرهنگ‌های زنانه، نسلی و سبک‌زندگی‌محور، و حتی فرهنگ‌های مهاجرت داخلی، از جمله حوزه‌هایی هستند که اگر در سینما و جشنواره‌ها بازنمایی نشوند، به‌تدریج از حافظه فرهنگی حذف یا به‌صورت کلیشه‌ای بازتولید می‌شوند. جشنواره فیلم فجر، با توجه به جایگاهش، می‌تواند بستری برای طرح این مسائل باشد؛ اما تمرکز محدود و گاه محافظه‌کارانه، دامنه این بازنمایی را کاهش داده است.

نمایی از فیلم شیر سنگی به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی

برش

سینما و گفت‌وگوی درون ملی

در مجموع، جشنواره فیلم فجر نقشی انکارناپذیر در دیده‌شدن بخشی از تنوع فرهنگی ایران داشته است، اما این نقش عمدتاً در سطح معرفی باقی مانده و کمتر به شناخت عمیق و توسعه پایدار خرده‌فرهنگ‌ها انجامیده است. لغزش مداوم میان خرده‌فرهنگ و بازنمایی فولکلوریک، مهم‌ترین مانع در این مسیر بوده است. با الهام از تجربه‌های موفق جهانی، می‌توان به‌صورت ملایم پیشنهاد کرد که جشنواره با حساسیت نظری بیشتر، استفاده از مشاوران حوزه مطالعات فرهنگی و بازتعریف معیارهای انتخاب و داوری، از بازنمایی تزئینی فاصله بگیرد. چنین رویکردی، نه‌تنها به عدالت فرهنگی نزدیک‌تر است، بلکه ظرفیت سینمای ایران را برای گفت‌وگوی درون‌ملی و بین‌فرهنگی تقویت می‌کند. جشنواره فیلم فجر، اگر بخواهد نقش خود را در حفظ تنوع فرهنگی جدی بگیرد، ناگزیر است از نمایش تفاوت عبور کند و به فهم آن تن دهد؛ مسیری دشوار، اما ضروری.

> جشنواره فیلم فجر نقشی انکارناپذیر در دیده‌شدن بخشی از تنوع فرهنگی ایران داشته است، اما این نقش عمدتاً در سطح معرفی باقی مانده و کمتر به شناخت عمیق و توسعه پایدار خرده‌فرهنگ‌ها انجامیده است. لغزش مداوم میان خرده‌فرهنگ و بازنمایی فولکلوریک، مهم‌ترین مانع در این مسیر بوده است

فجرنامه

«نیم شب» پرحاشیه درنشست فیلم فجر

نشست خبری «نیم‌شب» در سومین روز چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر دوشنبه ۱۳ بهمن با حضور محمدحسین مهدویان کارگردان، مهدی یزدانی خرم و اعظم بهروز نویسنده، حبیب والی‌نژاد تهیه کننده و الناز ملک بازیگر برگزار شد.

به گزارش ایرنا، مهدویان دراین نشست در خصوص عدم استفاده از ستاره‌ها در این فیلم استفاده نکرده است، گفت: «بازیگران با من قهر کنند و این مسأله‌ای نیست، آنها شایسته همان فیلم‌هایی هستند که بازی می‌کنند.» مهدویان در پاسخ به این سؤال که فیلم‌هایی می‌سازد که مشکل اکران نداشته باشد، گفت: «فیلم «شیشلیک»، من پنج سال اجازه انتشار پیدا نکرده است. او در سؤال دیگری درباره ساخت فیلم درباره اعتراض‌های اخیر گفت: «سؤال «چرتی» پرسید و پاسخ آن این است که من فیلمی می‌سازم که اجازه انتشار ندارد.» یک خبرنگار دیگر در ادامه این دیالوگ‌ها خطاب به مهدویان گفت: «تو هم مانند کارگردان‌هایی که از چهره‌های بازیگر استفاده می‌کنند ترسو هستی.»

مهدویان در پایان نشست شجاعت عذرخواهی را نشان داد و از خبرنگاران خواست تا پیامک عذرخواهی را به گوش خبرنگار برسانند. مهدویان باز هم تأکید کرد که فیلمی دارد که اکران نشده است، گفت: «نباید از این کلمه استفاده می‌کردم.»

جمشید هاشم‌پور در فیلم «مارون»

همزمان با آغاز نمایش فیلم سینمایی «مارون» به کارگردانی امیراحمد انصاری و تهیه‌کنندگی مهدی صاحبی در چهل‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر تصویر جمشید هاشم‌پور در این فیلم منتشر شد.

جمشید هاشم‌پور در فیلم «مارون» در نقش یک مدیرکل دولتی ایفای نقش کرده است.

فیلم سینمایی «مارون» از تولیدات انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس و بنیاد فرهنگی روایت فتح است که با حضور بازیگرانی همچون جمشید هاشم‌پور، امیرحسین فتحی، محمدرضا فتحی، ملیکا مبارکشینا (از روسیه)، سازیه مشه اردیل (از ترکیه)، محمد صدیقی‌مهر، فلیپ ساپرکین، ایمان برات‌پور، مهدی مددکار، الهام روشن، علیرضا گیلوری، گیتا یاسری، محمدرضا گشانی، امیرارسلان فروردین، مجید رنگی، ابوالفضل غلامی، کیانا دژکامه، غلامرضا قنواتی، حسین رشیدی، مهدیه عرب، حسین رضایی و شهرام جلیلیان ساخته شده است.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: نان، سیاست، و توطئه‌ای که در رگ‌های زمین کاشته شد... / ایران

برگزاری نشست‌های تخصصی موسیقی کودک در جشنواره موسیقی فجر

نشست‌های تخصصی با موضوع موسیقی و کودک در چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر برگزار می‌شود. همزمان با آغاز جشنواره چهل‌ویکم، موزه هنرهای معاصر تهران میزبان نشست‌های تخصصی این دوره می‌شود. روز دوشنبه ۲۰، بهمن پیوند اسباب بازی و موسیقی در توسعه مهارت‌های کودکان و در روز سه‌شنبه ۲۱ بهمن نیز نقش موسیقی در هویت‌یابی و آفرینشگری کودکان با حضور خانواده‌ها و مخاطبان بررسی می‌شود.

نشست‌های تخصصی جشنواره چهل‌ویکم موسیقی فجر با بررسی آسیب‌شناسی روابط والدین و فرزندان در فرآیند آموزش موسیقی، شنبه ۲۵ بهمن به کار خود پایان می‌دهد. سه نشست تخصصی موسیقی چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر با حضور کارشناسان مربوطه ساعت ۱۶ روزهای یاد شده در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود. چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر از ۲۰ تا ۲۶ بهمن به دبیری آرش امینی توسط انجمن موسیقی ایران و با حمایت دفتر امور موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود. / ایران

فیلم اول محمد اسفندیاری، روایتی آرام و انسانی از رشد در میان فیلم‌اولی‌های متنوع جشنواره فجر

«کوچ»؛ قهرمانی که از خانواده شروع می‌شود

گفت و گو

نیلوفر ساسانی
گروه فرهنگی

در چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر که فیلم‌اولی‌ها به یکی از شاخصه‌های اصلی آن تبدیل شده‌اند، «کوچ» اولین فیلم بلند محمد اسفندیاری، با نگاهی انسانی و بی‌ادعا به رشد، خانواده و زیست روستایی، امروز در سینما ملت برای اصحاب رسانه رونمایی می‌شود؛ فیلمی که برشی از زندگی یک سردار ملی است.

جشنواره امسال بیش از هر چیز با حضور پررنگ فیلم‌اولی‌ها شناخته می‌شود؛ نسلی تازه که اغلب دغدغه‌های اجتماعی دارند، اما هر کدام با زبان، فضا و جهان‌بینی متفاوت. در میان این تنوع، «کوچ» مسیری متفاوت را انتخاب کرده است؛ نه ملتهب و نه پرمدعا بلکه آرام و انسانی. تهیه‌کنندگی «کوچ» را مهدی مطهر برعهده دارد؛ فیلمسازی که بیشتر با آثار کوتاه و مستند شناخته می‌شود و در این پروژه، همراه با اسفندیاری، فیلمنامه را نیز به‌صورت مشترک نوشته است. همین پیشینه مستند، ردپای پررنگی در جهان فیلم دارد. محمد اسفندیاری که پیش از این با آثاری چون «قضاوت»، «نزدیک» و «سیزده‌سالگی» در حوزه فیلم کوتاه شناخته شده بود در گفت‌وگو با «ایران» درباره معنای عنوان فیلم، تجربه استفاده از بازیگران بومی و روایت انسانی از زندگی در جشنواره فیلم فجر گفته است.

ایستادن ممنوع

اسفندیاری درباره انتخاب عنوان فیلم، از معنایی فراتر از جابه‌جایی جغرافیایی صحبت می‌کند: «عنوان «کوچ» برای من به معنای حرکت انسان برای بزرگ شدن است؛ اینکه ایستا نباشد، توقف نکند و راضی نشود و همواره حرکت کند تا بتواند رشد کند و بهتر شود.» او تأکید می‌کند که «کوچ» بیش از هر چیز، روایت زندگی است؛ زندگی آدم‌هایی که در مسیر طبیعی خود، رشد می‌کنند و به نقطه‌ای می‌رسند که قادر به انجام کارهای بزرگ می‌شوند. خلاصه داستان فیلم ساده و آشناست: مش حسن، پدری روستایی و پرجمعیت، برای حفظ خانواده‌اش وام می‌گیرد؛ اما سیل و اتفاقات ناگوار او را بدهکار بانک می‌کند. قاسم، پسر ۱۳ ساله خانواده، برای جبران بدهی، همراه دوستانش راهی شهر می‌شود. اما اسفندیاری تأکید می‌کند که مسأله اصلی فیلم، خودِ حادثه نیست بلکه ریشه‌های شکل‌گیری انسان است: «چالش اصلی ما این بود که آیا همان چیزی را که هست روایت کنیم یا به روایتمان شکل دیگری بدهیم. در نهایت تصمیم گرفتیم ریشه‌های قهرمانی، زندگی، رشد و خانواده را نشان دهیم، چون خانواده مهم‌ترین ریشه قهرمان شدن هر فرد است.»

فاصله گرفتن از بیوگرافی کلاسیک

«کوچ» عامدانه از الگوی مرسوم فیلم‌های بیوگرافیک فاصله می‌گیرد؛ تصمیمی که مسیر انتخاب بازیگران و حتی نوع روایت را تغییر داده است. اسفندیاری در این باره توضیح می‌دهد: «تلاش کردیم روایتمان را از سنت معمول ژانر بیوگرافی در سینمای ایران فاصله دهیم و از کودکی تا نوجوانی و خانواده قهرمان را نشان بدهیم؛ حتی اشتباهات و بزنگاه‌های زندگی او.» همین نگاه باعث شده است فیلم به جای چهره‌های شناخته‌شده، به سمت بازیگران بومی و نابازیگر برود؛ انتخابی که به گفته کارگردان، نه یک ژست، بلکه یک ضرورت بوده است.

نابازیگران؛ نزدیک‌ترین راه به زندگی

کارگردان «کوچ» در توضیحات تکمیلی می‌افزاید: «این تصمیم نقش بسیار مهمی در خلق فضایی داشت که بتوان آن را سینما نامید؛ فضایی نزدیک به زندگی مستند همان منطقه‌ای که قهرمان در آن زندگی و رشد کرده است.» بازیگران فیلم از جمله علی‌محمد رادمنش، ندا حسینی، نادر فلاح، ابوالفضل نگینی، امیررضا سلیمانی، علی نفیسی، یدالله شادمانی، مسعود رحیم‌پور و حسین شریفی بر اساس انطباق با فرهنگ، لهجه و سبک زندگی انتخاب شده‌اند؛ نه صرفاً مهارت بازیگری کلاسیک.

میان مستند و درام

اسفندیاری می‌داند که وفاداری به واقعیت، همیشه با درام هم‌راستا نیست. او می‌گوید: «نوشتن فیلمنامه بیوگرافی تعهد اخلاقی دارد. بعضی خاطرات لزوماً دراماتیک نیستند، اما اهمیت دارند. در این موارد، حقیقت ماجرا را درک کردیم و موقعیت‌ها را از زاویه دید کاراکتر بازسازی کردیم.» او در این مسیر از منابعی چون کتاب «باران گرفته است» نوشته احمد یوسف‌زاده استفاده کرده؛ موادی که به گفته خودش «سرعت و جهت» روایت را مشخص می‌کردند.

اگر «کوچ» را بخواهیم در یک جمله خلاصه کنیم، خود کارگردان این‌طور می‌گوید: «کوچ، روایت انسانی از رشد و بزرگ شدن در دل زندگی است و اگر قرار باشد مخاطب بعد از تماشای فیلم، چیزی با خود ببرد، آن چیز بیشتر «احساس» است تا اطلاعات؛ آنچه در انتها برای مخاطب رسوب می‌کند، ناخودآگاه و ناشی از احساس است. پیش‌بینی من این است که بعد از تماشای فیلم، مخاطب به خاطرات خودش و نقطه عزیمت زندگی‌اش رجوع کند.»

وقتی روایت به تجربه زیسته مخاطب وصل می‌شود

«کوچ» برای چه کسانی است؟ به گفته اسفندیاری، این فیلم برای تماشاگرانی ساخته شده که به دنبال سینمایی مبتنی بر روابط انسانی‌اند؛ سینمایی که آرام جلو می‌رود، اما تماشاگر را رها نمی‌کند: «کوچ می‌تواند مخاطب را تا انتها همراه و با حال خوبی او را از سینما بدرقه کند.» آن طور که کارگردان «کوچ» تأکید می‌کند ارزش این داستان در این است که مخاطب می‌تواند بخشی از تجربه زندگی، رشد و بزنگاه‌های خودش را در آن ببیند و با آن ارتباط برقرار کند.

> محمد اسفندیاری: تلاش کردیم روایتمان را از سنت معمول ژانر بیوگرافی در سینمای ایران فاصله دهیم

آگهی نوبت اول مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شماره ۰۴-۱۱-۰۱

شرکتی در نظر دارد تعداد ۲۵ نفر نیرو جهت اخذ خدمات نظافتی و پذیرایی را از طریق شرکت‌های واجد شرایط تأمین نماید.
محل و زمان دریافت اسناد: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نبش خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۶، طبقه سوم، از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ لغایت ۱۴۰۴/۱۱/۳۰
زمان تحویل پاکات و اعلام پیشنهاد قیمت: حداکثر تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴
زمان گشایش پاکات پیشنهاد قیمت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ ساعت ۱۰ صبح
متقاضیان دارای شرایط با شماره‌های ۴۲۶۰۹۳۰۸ و ۰۹۱۲۰۲۲۸۱۹۴ تماس حاصل فرمایند.

ایران ورزشی
سازمان آگهی‌های ایران ورزشی
۱۸۷۷

شرکت سازمان کشاورزی تهران
گروه توسعه ساختمان گلدیس

اجاره واحد تجاری

ردیف مزایده	نام پروژه	کاربری	طبقه	مساحت (مترمربع)	مبلغ پایه اجاره بها ماهیانه (ریال)	مبلغ ودیعه (ریال)	توضیحات
۱	کاشانی (باران)	تجاری	همکف	۵۸۶.۲۸	۵،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۷۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	به انضمام ۲۴ واحد پارکینگ و فاقد انباری

نشانی: تهران، خیابان آیت اله کاشانی، حدفاصل خیابان گلستان شمالی و خیابان سلیمی جهرمی، پلاک ۲۲۴
توضیح: اطلاعات تکمیلی در اسناد مزایده قید گردیده است.

شرکت بهساز کاشانه تهران (سهامی عام) وابسته به گروه توسعه ساختمان تدبیر (سهامی خاص) درنظر دارد؛ واحد تجاری خود را به شرح جدول ارائه شده و اطلاعات مندرج در اسناد را از طریق برگزاری مزایده عمومی در قالب اجاره به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط واگذار نماید.
متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار آگهی لغایت روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ طی روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ جهت اخذ اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد شرکت در مزایده به نشانی زیر مراجعه نمایند.
تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، خیابان ۳۳، پلاک ۱۴، طبقه پنجم
شماره های تماس :
۰۲۱-۸۶۰۵۸۸۳۲-۸۸۱۹۴۱۷۸
شرایط اجاره:
• شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
• پاکت های پیشنهادی به همراه یک فقره چک بانکی تضمینی، ضمانتنامه بانکی و یا فیش واریزی به مبلغ ۲۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال طبق فرم شرکت در مزایده می بایست حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ به دفتر فروش شرکت در نشانی مورد اشاره تحویل گردد.
• بازگشایی پاکت های پیشنهادی در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ انجام خواهد شد.
• پیشنهادهای فاقد سپرده، مخدوش، مبهم، مشروط و کمتر از مبلغ پایه از درجه اعتبارساقط می باشد.
• بازدید از واحد تجاری با هماهنگی دفتر فروش شرکت، الزامی می باشد.
• سایر شرایط دراسناد مزایده درج گردیده است.
• متقاضیان جهت اخذ اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مزایده می توانند ازتاریخ انتشار آگهی به نشانی های اینترنتی www.tcdgroup.ir و www.behsazco.ir مراجعه نمایند.
• کلیه هزینه های مزایده به میزان پانزده درصد مبلغ پایه مزایده اجاره بها، یکماه به عهده برنده مزایده واحد می باشد.

www.behsazco.ir www.tcdgroup.ir